



## IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

## AWARD

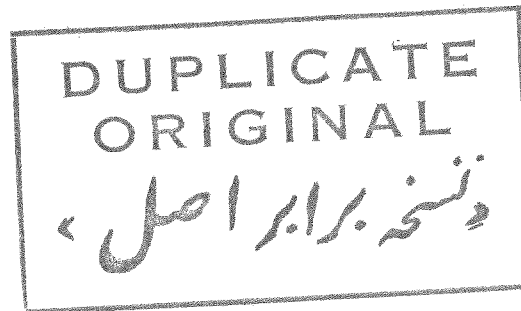
Case No. 941

Chamber Three

پرونده شماره ۹۴۱

شعبه سه

حکم شماره ۵۲۸-۹۴۱-۳



IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده
FILED	ثبت شد
DATE	16 JUN 1992
	تاریخ ۱۳۷۱ / ۱۲ / ۲۶

دبلیو. جک باکمایر ،

خواهان ،

- و -

جمهوری اسلامی ایران ،

ایزیران/ارتش ،

شرکت نوسازی و عمران تهران ،

بانک ملت - شعبه هجرت (بانک ایران و عرب سابق) ،

خوانندگان.

English version	
Filed on	<del>6 MAR 1992</del>
	نسخه انگلیسی در تاریخ ۱۳۷۰ / ۱۲ / ۲۵
	ثبت شده است.

حکم

حاضران :

از جانب خواهان:

آقای دبلیو. جک باکمایر،  
خواهان،  
آقای برتن وی. مک کالو،  
وکیل خواهان.

از جانب خواندگان:

آقای محمد کریم اشراق،  
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،  
آقای علی حیرانی نوبری،  
قایم مقام نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،  
آقای نوذر دبیران،  
مشاور حقوقی نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،  
آقای محمد اسبقی،  
دستیار حقوقی نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،

---

آقای علیرضا ناظم بکایی،

نماینده شرکت نوسازی و عمران تهران،  
آقای سید محمد جزایری،  
وکیل شرکت نوسازی و عمران تهران.

سایر حاضران:

آقای مایکل اف. رابوین،  
قایم مقام نماینده رابط دولت ایالات متحده آمریکا.

فهرست مطالب

شماره بند

اول - مقدمه

۱

دوم - گردش کار

۷

(الف) تاریخچه پرونده

۷

(ب) بموقع بودن تسلیم دادخواست

۱۵

(ج) اصلاحیه دادخواست

۱۹

(د) دومین شهادتنامه تکمیلی خواهان

۳۰

(ه) اظهاریه بعد از استماع شرکت نوسازی و عمران تهران

۳۲

سوم - صلاحیت

۳۳

(الف) خواندگان

۳۳

(ب) تابعیت خواهان

۳۴

(ج) مالکیت ادعا

۳۵

(د) استمرار مالکیت

۴۴

(ه) پابرجا بودن ادعا در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹

[۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]

۴۶

(و) قید انتخاب مرجع رسیدگی

۴۷

چهارم - ماهیت

۴۹

۴۹	(الف) موافقتنامه‌های حل و فصل
۵۶	(ب) سلب مالکیت
۵۶	(یک) اچ‌ان‌بی
۶۱	(دو) وسایل موجود در گمرک
۶۵	(سه) وجه تودیع شده در بانک

۶۹	(ج) ادعاهای مبتنی بر قرارداد
۶۹	(یک) قرارداد مویگ
۷۹	(دو) قرارداد شرکت نوسازی و عمران تهران
۱۱۳	(سه) قرارداد ایزیران

۱۶۷	پنجم - هزینه‌ها
-----	-----------------

۱۶۸	ششم - حکم
-----	-----------

اول - مقدمه

۱ - در پرونده حاضر، خواهان، آقای دبلیو. جک باکمیر، به عنوان یک شخص حقیقی و نیز به عنوان شریک در یک مؤسسه ایرانی موسوم به مؤسسه غیرانتفاعی مشاوران صنایع و آموزش اچان بی ("اچان بی") که حسب ادعاء اکثریت سهام آن متعلق به وی بوده، مبلغ ۱۸,۴۷۷,۳۷۰/- دلار\* به اضافه بهره و هزینه‌ها مطالبه می‌کند.

۲ - خواندگان موسوم عبارتند از: جمهوری اسلامی ایران ("ایران")، ایزیران/ارتش ("ایزیران") شرکت نوسازی و عمران تهران ("شرکت نوسازی") و بانک ملت - شعبه هجرت (بانک ایران و عرب سابق) ("بانک"). علاوه بر این، سازمان صنایع نظامی ("صنایع نظامی") و اداره گمرک ایران ("گمرک") نیز لوایحی به ثبت رسانده‌اند.

۳ - اچان بی پیمانکاری بود که عمدتاً در طراحی و نصب سیستمها و دستگاه‌های جمع‌آوری و حمل مصالح و زباله فعالیت داشت. در سال ۱۹۷۷، شرکت نوسازی قراردادی برای نصب سیستم جمع‌آوری و حمل زباله در طرح خانه‌سازی اکباتان در تهران به اچان بی واگذار کرد که موضوع آن عرضه و نصب ۲۸۲ دستگاه کامپکتور [جمع‌آوری یا پرس زباله] بود ("قرارداد شرکت نوسازی" یا "قرارداد"). در سال ۱۹۷۸، اچان بی قراردادی با ایزیران برای ساخت و نصب قفسه‌بندی [و سیستم روشنایی] در چهارده انبار نظامی در نقاط مختلف ایران ("قرارداد ایزیران" یا "قرارداد") منعقد ساخت. در همان سال، قراردادی توسط جی.کی. آی. - موبگ، پیمانکار اصلی پروژه‌های در سازمان صنایع نظامی برای عرضه و نصب ۱۲۰ دستگاه جمع‌آوری زباله ("قرارداد موبگ" یا "قرارداد") به اچان بی واگذار گردید.

\* منظور از ارقام دلاری مندرج در این حکم، دلار آمریکاست.

۴ - خواهان اظهار می‌دارد که ایران از طریق سازمانهای تحت کنترل خود مانع شد که اچ‌ان‌بی اجرای قراردادهای مزبور را به اتمام رساند. آقای باکمیر اظهار می‌دارد که این مداخله سلب مالکیت از علایق وی در اچ‌ان‌بی محسوب می‌شود که ارزش آن در ماه نوامبر ۱۹۷۹ که وی ایران را ترک گفت ۳،۹۱۷،۹۴۰/- دلار بود. آقای باکمیر همچنین مبلغ ۸،۹۱۵،۹۱۲/- دلار بابت عدم‌النفع ناشی از مداخله ایران مطالبه می‌نماید. نامبرده به نحو دیگری نیز استدلال کرده، ادعای خود را بر نقض قرارداد مبتنی می‌سازد.

۵ - خواهان بابت موارد زیر نیز ادعاهایی مطرح کرده است: وامهایی که وی به اچ‌ان‌بی پرداخته، لکن در نتیجه مداخله ایران هرگز وصول نشده، خسارات ناشی از اقدام ادعایی اداره گمرک در ضبط تجهیزاتی که آقای باکمیر می‌خواست وارد کند، وجوهی که وی حسب ادعا جهت انتقال نزد بانک تودیع نمود، ولی بانک هیچگاه آن را حواله نکرد، و عدم‌النفع قراردادهای آتی احتمالی اچ‌ان‌بی که به دلیل مداخله ادعایی ایران تحقق پیدا نکرد.

۶ - خوانندگان منکر هرگونه سلب مالکیت یا نقض قرارداد هستند. شرکت نوسازی برمبنای قرارداد، ادعای متقابلی به مبلغ ۹۸۷،۱۳۹،۴۹۱/- ریال بابت سهم آقای باکمیر از پیش‌پرداختی که به اچ‌ان‌بی صورت گرفته بوده و نیز سهم خواهان از جریمه تاخیر ادعایی در اجرای قرارداد توسط اچ‌ان‌بی، مطرح می‌سازد.

دوم - گردش کار

(الف) تاریخچه پرونده

۷ - در ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] خواهان دادخواستی تسلیم و در ۲۲

شهریورماه ۱۳۶۱ [۱۳ سپتامبر ۱۹۸۲] درخواست کرد تا فیصله پرونده توسط دیوان، قرار تأمین موقتی در رابطه با اچ‌ان‌بی و شریک تجاری ایرانی سابق وی صادر گردد. دیوان طی دستور مورخ ۲۸ دیماه ۱۳۶۱ [۱۸ ژانویه ۱۹۸۳] درخواست خواهان را رد کرد.

۸ - در ماه دسامبر ۱۹۸۲، خواندگان نامبرده و اداره گمرک هر یک لایحه دفاعیه‌ای به ثبت رساندند.

۹ - در سوم دیماه ۱۳۶۵ [۲۴ دسامبر ۱۹۸۶] آقای باکمیر درخواستی برای ثبت اصلاحیه دادخواست همراه با خود اصلاحیه دادخواست ("اصلاحیه ادعا") ثبت نمود. در تاریخ دهم شهریورماه ۱۳۶۶ [اول سپتامبر ۱۹۸۷] شرکت نوسازی، و در ۱۱ آذرماه ۱۳۶۶ [دوم دسامبر ۱۹۸۷] ایران، به درخواست مزبور اعتراض کردند.

۱۰ - در سال ۱۹۸۷، خواندگان مذکور، و نیز اداره گمرک و صنایع نظامی، هر یک لایحه‌ای در پاسخ به اصلاحیه ادعا ثبت کردند.

۱۱ - دیوان طی دستور مورخ هفتم آبانماه ۱۳۶۶ [۲۹ اکتبر ۱۹۸۷] مقرر نمود که جلسه استماعی در تاریخ ۲۵ خردادماه ۱۳۶۷ [۱۵ ژوئن ۱۹۸۸] تشکیل شود. در ۱۶ خردادماه ۱۳۶۷ [ششم ژوئن ۱۹۸۸]، خواهان شهادتنامه تکمیلی دوم آقای باکمیر را ثبت کرد. خواندگان در تاریخ دهم تیرماه ۱۳۶۷ [اول ژوئیه ۱۹۸۸] اعتراضیه‌ای نسبت به شهادتنامه مزبور تسلیم نمودند.

۱۲ - بدنبال تغییر برنامه، جلسه استماعی در تاریخ ۱۷ تیرماه ۱۳۶۷ [هشتم ژوئیه ۱۹۸۸] برگزار گردید.



۱۳ - در ۱۸ بهمن ماه ۱۳۶۷ [هفتم فوریه ۱۹۸۹] دیوان با ثبت اطلاعیه‌ای، به طرفین اعلام کرد که از ۱۱ دیماه ۱۳۶۷ [اول ژانویه ۱۹۸۹] کلیه موضوعات مربوط به پرونده حاضر، توسط قاضی آرانجیو- رویتس، جانشین قاضی فقید ویرالی به عنوان رئیس شعبه سه، رسیدگی خواهد شد. در اطلاعیه همچنین ذکر شد که شعبه سه، به موجب ماده ۱۴ قواعد دیوان تصمیم گرفته است استماع برگزار شده را تجدید نماید. جلسه استماع جدیدی در تاریخ اول خردادماه ۱۳۶۸ [۲۲ مه ۱۹۸۹] برگزار گردید.

۱۴ - در سوم خردادماه ۱۳۶۸ [۲۴ مه ۱۹۸۹] شرکت نوسازی ادله و مدارک جدیدی به ثبت رساند و در پنجم خردادماه ۱۳۶۸ [۲۶ مه ۱۹۸۹] خواهان اعتراضیه‌ای نسبت به ثبت لایحه بعد از استماع و ضامیم آن توسط ایران، ثبت نمود. در تاریخ هفتم تیرماه ۱۳۶۸ [۲۸ ژوئن ۱۹۸۹] خواهان همچنین شهادتنامه‌ای در مورد هزینه‌های دآوری تسلیم کرد.

( ب ) بموقع بودن تسلیم دادخواست

۱۵ - ایران طی لایحه‌ای که در ۱۱ آذرماه ۱۳۶۶ [دوم دسامبر ۱۹۸۷] به ثبت رساند، از دیوان درخواست کرد که ادعای آقای باکمایر را به دلیل اینکه دادخواست بعد از ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] به ثبت رسیده، رد کند. ایران توضیح داد که "رئیس شعبه سوم دیوان دآوری در نامه مورخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۸۲ اعلام نموده بود که ... می‌توانید این مسأله را در موقع ثبت لوایح دفاعی عنوان نمایید". ایران این موضوع را در دفاعیه خود مطرح نکرد. بین ثبت دادخواست و تسلیم اعتراض ایران حدود شش سال فاصله بوده است.

۱۶ - بند ۴ ماده سه بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر می‌دارد که "با گذشتن یک سال از

تاریخ نافذ شدن این بیانیه و یا شش ماه پس از تاریخ انتخاب رئیس هیئت داوری، (هر کدام دیرتر باشد) هیچ ادعایی در داوری قابل طرح نخواهد بود. بر مبنای این شرط، آخرین مهلت ثبت دعاوی ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] بوده است. بند ۱ ماده دو قواعد دیوان نیز در این رابطه موثر در مقام است، زیرا مقرر می‌دارد که "کلیه اسناد و مدارک باید در دیوان به ثبت رسد. ثبت اسناد و مدارک در دیوان هنگامی انجام شده محسوب می‌گردد که عملاً" توسط رئیس دفتر دیوان دریافت شود".

۱۷ - رویدادهای پیرامون ثبت دادخواست توسط آقای باکمیر، در نامه مورخ ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۶۰ [چهارم فوریه ۱۹۸۲] رئیس دفتر دیوان به وی شرح داده شده است. در قسمت ذیربط نامه چنین آمده است:

در رابطه با ادعای شما علیه دولت ایران، اینجانب در ساعت ۵ بعد از ظهر روز ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] اطلاعیه‌ای از اداره پست لاهه دریافت نمودم، مبنی بر اینکه در ۲۶ دیماه ۱۳۶۰ [۱۶ ژانویه ۱۹۸۲] یک بسته پستی وارد شده که برای ترخیص آن از اداره پست اینجانب باید فرم اظهاریه گمرکی تکمیل کنم. در دوم بهمن‌ماه ۱۳۶۰ [۲۲ ژانویه ۱۹۸۲] بسته را که ظاهراً "حاوی ادعای آقای دبلیو. جک باکمیر علیه جمهوری اسلامی ایران بود، در اداره پست تحویل گرفتم.

تصمیم من اینست که رسید ثبت شده‌ای به تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] حاوی عبارت "در تاریخ ۲۶ دیماه ۱۳۶۰ [۱۶ ژانویه ۱۹۸۲] در اداره پست لاهه، هلند با پست سفارشی تحویل گردید"، صادر شود.

دادخواست فی الواقع دارای مهر ثبتی به تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] است.

۱۸ - تصمیم رئیس دفتر دال بر آنست که به نظر وی، دادخواست در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] توسط وی دریافت شده است. دیوان نیز با این نظر موافق است. ترخیص مدارک توسط اداره پست مستلزم اقدام دیگری از جانب

خواهان نبود و تاخیری که قابل انتساب به خواهان باشد نیز در آن صورت نگرفته است. به عکس، ترخیص آن قبل از ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] صرفاً موکول به اقدامی بود که دیوان باید به عمل می آورد. با توجه به این امر، منصفانه نیست که خواهان را از این بابت که دیوان اقدام مزبور را بعد از ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] به عمل آورده، مقصر دانست. تحت این اوضاع و احوال، اطلاعیه اداره پست را که قبل از مهلت ثبت توسط رئیس دفتر دریافت شده، می توان از لحاظ مهلت [ارائه دادخواست]، اظهاریه خواهان تلقی کرد. بنابراین، نظر دیوان اینست که دادخواست بموقع ثبت شده است.

### ( ج ) اصلاحیه ادعا

۱۹ - در قسمت ذیربط اصلاحیه ادعا چنین ذکر شده است:

۱ - مدعی شخصاً ادعای اصلی را تهیه و در تاریخ ژانویه ۱۹۸۲ آن را ارائه نموده است درحالیکه، ادعای اصلی به کلیه اسناد اساسی و وقایعی که در واقع پایه این ادعا را تشکیل می دهند، اشاره نموده با وجود این ادعای اصلی در محاسبه خسارات دچار اشتباهاتی شده و به طور وضوح فرضیه های مربوط به جبران خسارت را مشخص و معلوم نمی سازد.

۲ - اصلاحیه ادعا به طور دقیق تری خسارات و فرضیه های مربوط به جبران خسارت را معلوم و مشخص ساخته است.

...

۵ - اصلاحیه ادعا، هیچگونه تغییری در حقایق موثر و یا اسنادی که قبلاً در اختیار دادگاه گذارده شده، نخواهد داد، بلکه اشتباهات را به طور ساده، مجدداً تنظیم، روشن و تصحیح خواهد کرد.

۲۰ - ایران معترض است به اینکه مبلغ مورد مطالبه آقای باکمایر از ۷،۱۷۰،۶۱۴/- دلار در دادخواست به ۱۸،۴۷۷،۳۷۰/- دلار در اصلاحیه ادعا افزایش یافته است. ایران معتقد است که میزان افزایش مبلغ ادعا، به ویژه با توجه به مدت زمان سپری

شده قبل از ثبت اصلاحیه ادعا، منطقی نیست و در خاتمه اعتراضیه خود می‌گوید که "دشوار می‌توان برای خواسته اخیر خواهان اعتباری قابل شد".

۲۱ - شرکت نوسازی استدلال می‌کند که در اصلاحیه ادعا در واقع خواسته جدیدی مطرح و استدلال‌ات تازه‌ای ارائه گردیده "که حتی اشاره‌ای نیز در دادخواست قبلی به آنها نشده بود." شرکت نوسازی مشخصاً "خاطرنشان می‌نماید که خسارات مورد مطالبه از آن شرکت، از مبلغ ۱۸،۱۵۴/۷۲ دلار به ۲۱۱،۹۶۸/۸۷ دلار افزایش یافته است. بنابراین، شرکت نوسازی استدلال می‌کند که خساراتی در اصلاحیه مطالبه می‌شود که در بدو امر، "اساساً" مطالبه نشده بود. شرکت نوسازی در خاتمه می‌گوید که با توجه به تاخیر طولانی و غیر معقول در تغییر ادعا و افزایش مبلغ مورد تقاضا، اصلاحیه ادعا باید مردود شناخته شود و احکام مختلفی را ذکر می‌کند که در آنها دیوان نظر داده که اصلاحیه ادعا بموقع ثبت نشده بوده است.

۲۲ - برای تعیین قابلیت پذیرش اصلاحیه ادعا، دیوان باید ماده ۲۰ قواعد دیوان را اعمال نماید. در قسمت زیربند این ماده آمده است که "در طول جریان داوری هر یک از طرفها می‌تواند دادخواست یا دفاعیه خود را اصلاح یا تکمیل نماید، مگر آنکه دیوان داوری اینگونه اصلاحات را به علت تاخیر در انجام آن و یا تبعیض نسبت به طرف دیگر و یا به علت هرگونه شرایط و اوضاع و احوال دیگر مصلحت نداند." همانطور که در صفحه ۱۱ قرار اعدادی شماره ۱-۱۲۳-۵۷ مورخ دهم بهمن‌ماه ۱۳۶۴ [۳۰ ژانویه ۱۹۸۶] در پرونده اینترنشنال اسکولز سرویسز و جمهوری اسلامی ایران (چاپ شده در 6, 12 Iran-U.S. C.T.R. 10) ذکر شده،

"این شرط، دست طرفی را که می‌خواهد ادعایی را اصلاح کند باز می‌گذارد و رویه دیوان نیز با وسعت مفاهیم این ماده سازگار است. دیوان طبق رهنمود ماده ۲۰، اصلاحیه را مجاز خواهد داشت، مگر آنکه به علت تاخیر در ارائه اصلاحیه، تبعیض یا سایر شرایط واقعی و ملموس، چنین امری را مقتضی نداند."

۲۳ - اصلاحیه ادعا در تاریخ سوم دیماه ۱۳۶۵ [۲۴ دسامبر ۱۹۸۶]، یعنی تقریباً دو سال و نیم قبل از برگزاری استماع نهایی پرونده ثبت شده است. دیوان خاطرنشان می‌سازد که کلیه خواندگان نامبرده و همچنین صنایع نظامی و اداره گمرک جواپیه مبسوطی در مورد اصلاحیه ادعا به ثبت رسانده‌اند. علاوه بر این، ایزیران و بانک لوائج معارضی تسلیم کرده‌اند. بنابراین، دیوان متقاعد شده است که افزایش مبلغ مورد ادعا، که در مفهوم ماده ۲۰ قواعد دیوان اصلاح و یا تکمیل ادعا محسوب می‌شود، موجب بی‌عدالتی نسبت به خواندگان نشده است.

۲۴ - با اینحال، در رابطه با بعضی از قسمتهای اصلاحیه ادعا، این سؤال مطرح می‌شود که آیا این قسمتها اصلاحیه یا تکمله به شرح مقرر در ماده ۲۰ قواعد دیوان است یا ادعای جدیدی محسوب می‌شود. این قسمتها تا حدودی که مبین ادعای جدیدی باشند، دیوان باید آنها را رد کند. بنگرید به: صفحه ۳ تصمیم شماره ۱۸ - امتناع از ثبت ۲۱ - دیوان عمومی مورخ ۱۷ آذرماه ۱۳۶۱ [هشتم دسامبر ۱۹۸۲] در امتناع از قبول ادعای ریموند اینترنشنال (بی.و.کی.) لیمیتد، چاپ شده در 1 Iran-U.S. C.T.R. 394, 395.

۲۵ - ادعاهایی که در این چهارچوب باید مورد بررسی قرار گیرند، همگی به نقض ادعایی قرارداد شرکت نوسازی مربوط می‌شوند و بر مبنای اصلاحیه ادعا می‌توان آنها را به شرح زیر خلاصه کرد. اولاً "خواهان ادعا می‌کند که وی در تشکیل یک شرکت ایرانی به نام شوتکو به یک شریک تجاری کمک کرد و در ازای آن، آقای باکمیر حسب ادعا حق داشت ۱۰ درصد کمیسیون فروش از کلیه عواید ناخالص فروش محصولات شوتکو دریافت نماید. قرارداد نوسازی همچنین حاوی یک قلم سفارش به شوتکو بود، اما نقض ادعایی قرارداد توسط نوسازی مانع از دریافت کمیسیون فروش توسط خواهان گردید.

۲۶ - اظهار این مطلب که "حتی اشاره‌ای نیز از" ادعای شوتکو در لوائج اولیه خواهان به

عمل نیامده، نادرست است. قرار و مدار مربوط به کمیسیون فروش و مشارکت شوتکو در قرارداد شرکت نوسازی علاوه بر آنکه در شهادتنامه آقای عبدالعظیم فخامی ذکر شده در بخش ششم دادخواست نیز تشریح گردیده است. بدینسان، ادعای اولیه و اصلاحیه ادعا مبنای موضوعی واحدی دارند. با اینحال، دیوان متذکر می‌شود که در لوائح اولیه صراحتاً ذکر شده است که "آقای باکمیر در نظر ندارد بقیه طلب خود را از شوتکو وصول کند". این تصریح الزاماً به این نتیجه‌گیری می‌انجامد که اصلاحیه ادعای مربوط به شوتکو ادعای جدیدی است و بنابراین، با توجه به تاریخ ثبت آن، دیوان بناچار این بخش از اصلاحیه ادعا را مردود می‌شمرد.

۲۷ - دومین قلم ادعای مورد اختلاف، سهم آقای باکمیر از مبلغ ۲۳،۷۸۰/- دلار حق‌الزحمه نصب بیست و نه دستگاه جمع‌آوری زباله از کل تعدادی است که قرار بود اچ‌ان‌بی تحت قرارداد شرکت نوسازی نصب کند. دیوان ملاحظه می‌کند که هم مبنا و هم مبلغ این ادعا در دادخواست تشریح شده است. خواهان این قلم را در خلاصه "دیون پرداخت نشده معلوم" شرکت نوسازی ذکر نکرده، ظاهراً به این دلیل که "آقای باکمیر مطمئن نیست که آیا کل مبلغ ۲۳،۷۸۰/- دلار پرداخت گردیده یا اینکه قسمتی از آن نگهداشته شده است." با توجه به نحوه انشاء این عبارت و فرصتی که طرفین برای گردآوری و ارائه مدارک در جریان رسیدگی حاضر داشته‌اند، تعبیر عبارت به اینکه خواهان این بخش از ادعای خود را ترک کرده، معقول نخواهد بود. لذا دیوان متقاعد شده است که ادعای حق‌الزحمه نصب، اصلاحیه یا تکمله‌ای محسوب می‌شود که تحت ماده ۲۰ قواعد دیوان مجاز شناخته شده است.

۲۸ - سومین بخش اصلاحیه ادعا که در اینجا باید بررسی شود، مربوط است به سهم آقای باکمیر از مبلغ ۶۰،۰۱۳/۱۸ دلار سودی که حسب ادعای وی اچ‌ان‌بی به دلیل نقض قرارداد توسط شرکت نوسازی از دست داده است. آقای باکمیر مشخصاً کمیسیون فروش دوازده دستگاه جمع‌آوری زباله (از کل ۲۸۲ دستگاه مورد توافق)

را که به علت فورس‌ماژور تحویل داده نشد، مطالبه می‌کند. وی همچنین سهم خود بابت سود قابل حصول اچ‌ان‌بی از اصلاح و تعمیر ۲۴۱ دستگاه جمع‌آوری زباله را که تحویل شده بود و نیز سهم خود از سود قابل تحقق بابت نصب ۲۵۳ دستگاه جمع‌آوری زباله‌ای را که نصب نشده است، مطالبه می‌نماید.

۲۹ - مرور لوایح اولیه نشان می‌دهد که گرچه این منافع از دست رفته در مبلغ مورد مطالبه اولیه ذکر نشده، اما بخش اول دادخواست و نیز مکاتبات، قرارداد شرکت نوسازی و شهادتنامه تسلیمی همراه آن، مبنای ادعایی را تشکیل می‌دهند که نهایتاً در اصلاحیه ادعا مطرح شده است. از اینرو، دیوان بر این نظر است که این بخش از اصلاحیه ادعا، تکمله دادخواست به شرح مندرج در ماده ۲۰ قواعد دیوان محسوب می‌شود.

( د ) دومین شهادتنامه تکمیلی خواهان

۳۰ - دیوان باید راجع به قابلیت پذیرش دومین شهادتنامه تکمیلی خواهان که در ۱۶ خردادماه ۱۳۶۷ [ششم ژوئن ۱۹۸۸] ثبت گردیده، تصمیم گیرد. اختلافی نیست که سند مزبور که حاوی ادله جدید است، بعد از تاریخ نهایی مقرر برای تسلیم لوایح در پرونده حاضر، به ثبت رسیده است. دیوان طبق رویه خود در تعیین پذیرش یا عدم پذیرش اظهاریه‌ای از این قبیل که با تأخیر به ثبت رسیده، "الزامات اساسی مساوات و انصاف بین طرفین و احتمال بی عدالتی نسبت به یک طرف را" مد نظر قرار می‌دهد. بنگرید به: بند ۶۱، حکم جزئی شماره ۱-۴۰۹-۳۲۳، مورخ ۱۱ آبانماه ۱۳۶۶ [دوم نوامبر ۱۹۸۷] در پرونده هریس اینترنشنال تله‌کامیونیکیشنز اینک و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در 17 Iran-U.S. C.T.R. 31, 46-47 و پرونده‌های نقل شده در آن.

۳۱ - خوانندگان با استناد به اینکه فرصت تهیه پاسخ مناسبی قبل از جلسه استماع مورخ ۱۷ تیرماه ۱۳۶۷ [هشتم ژوئیه ۱۹۸۸] نداشته‌اند، به ثبت این سند اعتراض کردند. لکن در تاریخ ۲۰ بهمن‌ماه ۱۳۶۷ [نهم فوریه ۱۹۸۹] دیوان به طرفین اطلاع داد که جلسه استماع جدیدی در اول خردادماه ۱۳۶۸ [۲۲ مه ۱۹۸۹] برگزار خواهد شد. به این ترتیب، به خوانندگان فرصت کافی داده شد تا چنانچه بخواهند به شهادتنامه تکمیلی دوم پاسخ گویند. بر این اساس، دیوان معتقد است که پذیرش سند خواهان موجب بی عدالتی به خوانندگان نمی‌شود و لذا دیوان مدارک مورخ ۱۶ خردادماه ۱۳۶۷ [ششم ژوئن ۱۹۸۸] خواهان را می‌پذیرد.

(ه) اظهاریه بعد از استماع شرکت نوسازی

۳۲ - دو روز بعد از جلسه استماع نهایی، شرکت نوسازی ادله و مدارک جدیدی به ثبت رساند که حسب ادعا نشان می‌دهد آن شرکت مبالغی به اچ‌ان‌بی پرداخت کرده که خواهان مدعی است هرگز پرداخت نشده است. نوسازی دلیل موجهی برای تاخیر در تسلیم اظهاریه خود ارائه نکرده است و دیوان وفق رویه خود، این اظهاریه بعد از استماع را به دلیل عدم ثبت بموقع رد می‌کند.

سوم - صلاحیت

(الف) خوانندگان

۳۳ - دیوان قبلاً نظر داده است که ایزیران، شرکت نوسازی و عمران تهران، بانک ملت و سازمان صنایع نظامی سازمانهای تحت کنترل در مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی هستند. بنگرید به: صفحه ۱۰ حکم جزئی شماره ۳-۸۴-۲۷ مورخ ۱۳ اسفندماه ۱۳۶۱ [چهارم مارس ۱۹۸۳] در پرونده آلتراسیستمز اینکورپوریتد و



جمهوری اسلامی ایران ( چاپ شده در 100, 105 Iran-U.S. C.T.R. 2 )  
(ایزیران)، صفحه ۱۷ حکم شماره ۳-۲۵۵-۱۷۶ مورخ ششم اردیبهشت  
ماه ۱۳۶۴ [۲۶ آوریل ۱۹۸۵] در پرونده دیک آو دلهور، اینک و  
دیگران و شرکت نوسازی و عمران تهران و دیگران ( چاپ شده  
در 144, 155 Iran-U.S. C.T.R. 8 ) (شرکت نوسازی)، صفحه ۳۲ قرار اعدادی  
شماره ۱-۲۴-۳۲ مورخ ۲۸ آذرماه ۱۳۶۲ [۱۹ دسامبر ۱۹۸۳] در پرونده  
استارت هاوزینگ کورپوریشن و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران ( چاپ  
شده در 122, 143 Iran-U.S. C.T.R. 4 ) ("استارت") (بانک)، و بند ۵۲  
حکم شماره ۱-۸۱۴-۴۳۰ مورخ ششم مردادماه ۱۳۶۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۸۹]  
در پرونده الکترانیک سیستمز اینترنشنال، اینک و وزارت دفاع جمهوری  
اسلامی ایران ( چاپ شده در 339, 352 Iran-U.S. C.T.R. 22 ) (صنایع  
نظامی). اداره گمرک ایرادی به عمل نیاورده است، و لوایح آن نیز موید آنست  
که سازمان مزبور نیز در مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، یک  
واحد تحت کنترل می باشد.

( ب ) تابعیت خواهان

۳۴ - خواهان فتوکپی گذرنامه آمریکایی خود را تسلیم کرده است که در هفتم اسفندماه  
۱۳۵۶ [۲۶ فوریه ۱۹۷۸] صادر و در ششم اسفندماه ۱۳۶۱ [۲۵ فوریه ۱۹۸۳]  
منقضی شده است. گذرنامه دلالت دارد که آقای باکمیر در ۱۱ خردادماه ۱۳۰۱  
[اول ژوئن ۱۹۲۲] در ایالت اوهایو متولد شده است. تاریخ مزبور با تاریخ مندرج  
در گواهی تولدی که خواهان ایضا "تسلیم نموده، مطابقت دارد. گواهی مزبور به  
نام والتر جیکب باکمیر (Buckmeier) صادر شده است. در جلسه استماع آقای  
باکمیر شهادت داد که نام وی در آن موقع بدین صورت نوشته می شده است.  
برمبنای ادله و مدارکی که خواهان تسلیم نموده، دیوان متقاعد شده است که

نامبرده شرط تابعیت مقرر در بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی را احراز نموده است.

### ( ج ) مالکیت ادعا

۳۵ - خواهان اظهار می‌دارد که "ادعای حاضر بابت وجوهی است که وی نه تنها شخصا، بلکه به دلیل مالکیت ۷۰ درصد سهام دو شرکت ایرانی طلبکار است". مشخصا آقای باکمایر به اعتبار سمت خود به عنوان شریک در اچ‌ان‌بی، ادعاهایی بابت نقض قرارداد شرکت نوسازی، قرارداد ایزیران و قرارداد موبگ مطرح می‌سازد. یکی از موضوعات اصلی که دیوان باید راجع به آن تصمیم گیرد اینست که آیا این ادعای قراردادی با تعریف "ادعاهای اتباع" مندرج در بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی منطبق است یا خیر. در ماده یاد شده، ادعاهای مزبور چنین تعریف شده است:

ادعاهایی که از تاریخ بوجود آمدن ادعا تا تاریخ رسمیت یافتن این بیانیه مستمرا" در اختیار اتباع آن کشور بوده‌اند، شامل ادعاهایی که بطور غیرمستقیم، از طریق مالکیت سرمایه و یا سایر علایق مالی، در مورد اشخاص حقوقی، در مالکیت این اشخاص بوده‌اند مشروط به اینکه میزان مالکیت چنین اتباعی، مجتمعا" در زمان اقامه ادعا برای کنترل شرکت یا شخص حقوقی دیگر در حد لازم بوده و علاوه بر آن مشروط بر اینکه شرکت و یا شخص حقوقی خود در چهارچوب این بیانیه حق اقامه دعوا نداشته باشد.

اعمال این شرط نسبت به ادعاهای مبتنی بر قراردادهای منعقد توسط اچ‌ان‌بی، دیوان را به بررسی ساخت حقوقی اچ‌ان‌بی وامی‌دارد.

۳۶ - در تاریخ ۲۵ شهریورماه ۱۳۵۳ [۱۶ سپتامبر ۱۹۷۴]، آقای باکمایر همراه با همکار ایرانی خود آقای بهروز نیرمی و همکار آمریکایش آقای گریگوری لیما، اچ‌ان‌بی را بنیاد گذاشت. نام رسمی آن مؤسسه، "مؤسسه غیر تجاری مشاورین صنایع و

آموزش اچ.ان.بی". بود. آقای نیرمی به عنوان رئیس هیئت مدیره و آقای باکمایر به عنوان مدیرعامل انتخاب شدند. موعسه در تاریخ هشتم آبانماه ۱۳۵۳ [۳۰ اکتبر ۱۹۷۴] در دفتر ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی به ثبت رسید و مستخرجه‌ای از اساسنامه آن در روزنامه رسمی شماره ۸۶۸۹ مورخ ۱۴ آبانماه ۱۳۵۳ [پنجم نوامبر ۱۹۷۴] منتشر گردید.

۳۷ - در قسمت ذیربط اساسنامه اچ.ان.بی چنین آمده است:

ماده ۱ - نام موعسه - "موعسه مشاورین صنایع و آموزش اچ.ان.بی" می باشد و تابعیت آن ایرانی بوده و دارای شخصیت حقوقی می باشد.

ماده ۲ - موضوع موعسه - عبارتست از انجام مشاورات در زمینه برنامه‌های آموزشی و مواد آموزشی و خدمات مورد نیاز صنایع و کلیه عملیاتی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم مربوط به موضوعات فوق باشد.

.....

ماده ۵ - دارایی موعسه عبارتست از لوازم و ابزار کاری که به مبلغ دویست هزار ریال تقویم گردیده و به نسبت زیر از طرف امضاء کنندگان قرارداد تأمین شده است. شرکای موعسه تعهد می کنند که لوازم و ابزار کار و وجوهی را که برای گردش کار لازم باشد به نسبت سهم خود در اختیار موعسه قرار دهند.

- آقای جک باکمایر	دارنده ۶۶ درصد
- آقای بهروز نیرمی	دارنده ۲۸ درصد
- آقای گریگوری لیما	دارنده ۶ درصد

ماده ۶ - شرکاء موعسه در طول مدت مشارکت می توانند با موافقت کتبی یکدیگر اشخاص دیگری را به عنوان شریک یا شرکاء در موعسه بپذیرند و در این صورت شرایط پذیرفتن شرکای جدید با موافقت کتبی شرکاء - تعیین خواهد گردید.

#### اداره موعسه

ماده ۷ - موعسه بوسیله هیئت مدیره‌ای مرکب از سه نفر که توسط مجمع عمومی انتخاب می شوند اداره خواهد شد... مجمع عمومی می تواند هر یک از مدیران [در هر زمان] را تعویض یا معزول نماید و همچنین می تواند نحوه مدیریت موعسه را [در هر زمان] تغییر دهد. هیئت مدیره از میان خود یک نفر را به عنوان رئیس هیئت مدیره و یک نفر را به عنوان مدیرعامل موعسه انتخاب خواهد کرد.

ماده ۸ - کلیه تصمیمات در هیئت مدیره مؤسسه با رأی موافق دو نفر از اعضای هیئت مدیره اتخاذ می‌گردد.

ماده ۹ - هیئت مدیره دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور مؤسسه می‌باشد از جمله اختیارات زیر که البته محدود به این موارد نخواهد بود... مدیران عامل مؤسسه می‌توانند با توجه به محدودیتهای زیر در کلیه امور مربوط به مؤسسه اقدام نمایند.

ماده ۱۰ - کلیه اسناد تعهدآور مؤسسه از جمله قراردادها و چکها و بروات توسط رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل مؤسسه امضاء خواهد گردید.

ماده ۱۱ - کلیه تصمیمات راجع به امور مؤسسه در کلیه مجامع عمومی با اکثریت آرای شرکای مؤسسه اتخاذ می‌گردد.

ماده ۱۲ - منافع یا زیانهای قابل تقسیم مؤسسه به نسبت دارایی بین شرکاء تقسیم شده یا به عهده ایشان خواهد بود مگر اینکه شرکاء به طور کتبی به ترتیب دیگری موافقت کرده باشند.

۳۸ - در تاریخ ششم مهرماه ۱۳۵۶ [۲۸ سپتامبر ۱۹۷۷] تغییراتی [در مؤسسه] صورت

گرفت که به دفتر ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی اطلاع داده شد. آقای لیما به

عنوان شریک از مؤسسه کناره‌گیری کرد. همسر آقای نیرمی با پرداخت ۶،۰۰۰/-

ریال شریک گردید، آقای نیرمی و آقای باکمالیر میزان سهم خود را به ترتیب به

۵۴،۰۰۰/- ریال و ۱۴۰،۰۰۰/- ریال افزایش دادند. مجمع عمومی مؤسسه ضمن

تغییر اساسنامه، به رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل اجازه داد که هر یک، منفرداً

کلیه قراردادها، چکها، سفته‌ها، بروات و یا هر نوع اسنادی را که برای مؤسسه

تعهدآور باشد، امضاء نمایند.

۳۹ - دیوان متذکر می‌شود که مؤسسه غیرتجاری جزو هفت نوع شرکت تجاری نیست که در

ماده ۲۰ قانون تجارت ایران ذکر شده است. این نوع شخصیت حقوقی، در ماده

۵۸۴ باب پانزدهم قانون تجارت راجع به شخصیت حقوقی مورد اشاره واقع شده

است. ماده مزبور مقرر می‌دارد که "تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غیر

تجارتی تاسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر مخصوصی که وزارت عدلیه

معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند". ماده ۵۸۵ این شرط ثبت را به تفصیل معین کرده است. به استناد مواد ۵۸۴ و ۵۸۵ [قانون تجارت]، آئین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری به تصویب قوه مقننه رسید. آئین‌نامه مزبور که در روزنامه رسمی شماره ۴۰۱۶ مورخ پنجم آذرماه ۱۳۳۷ [۲۶ نوامبر ۱۹۵۸] انتشار یافته شامل مقررات زیر است:

ماده ۱ - مقصود از تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری مذکور در ماده ۵۸۴ قانون تجارت کلیه تشکیلات و مؤسساتی است که برای مقاصد غیر تجاری از قبیل امور علمی یا ادبی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل می‌شود اعم از آنکه مؤسسين و تشکیل دهندگان قصد انتفاع داشته یا نداشته باشند.

.....

ماده ۲ - تشکیلات و مؤسسات مزبور از لحاظ انطباق با مقررات این آئین‌نامه به دو قسمت می‌شوند:

الف) مؤسساتی که مقصود از تشکیل آن جلب منافع و تقسیم آن بین اعضاء خود نباشد.

ب) مؤسساتی که مقصود از تشکیل آن ممکن است جلب منافع مادی و تقسیم منافع مزبور بین اعضاء خود یا غیر باشد مانند کانونهای فنی و حقوقی و غیره.

۴۰ - بر مبنای اساسنامه اچ‌ان‌بی و مقررات مربوط به مؤسسه مزبور، ساخت حقوقی آن را می‌توان به شرح زیر توصیف کرد. همانطور که خوانده، ایزیران خاطر نشان ساخته، اچ‌ان‌بی دارای داشته و نه سرمایه سهام. ایزیران مضافاً اظهار می‌دارد که بنیانگذاران اچ‌ان‌بی سه نفر بودند که حق رأی مساوی داشتند. اساسنامه دلالت دارد که سهم اولیه آقای باکمیر معادل ۷۰ درصد از دارایی شرکت و سرمایه‌گذارهای متناسب بعدی وی قانوناً به وی حق کنترل نمی‌داده است. بعد از کناره‌گیری آقای لیما، هم آقای باکمیر و هم آقای نیرمی منفرداً از جانب اچ‌ان‌بی حق امضاء داشتند. کنترل نهایی مدیریت در دست هیئت مدیره بود که از سه نفر به انتخاب شرکاء تشکیل می‌شد و می‌توانست با اکثریت آراء راجع به امور

شرکت تصمیم گیرد. تساوی رسمی شرکا<sup>۶</sup> در شرط مربوط به پذیرش شرکای جدید نیز حفظ شده بود. فقط در مورد توزیع سود و زیان بود که اساسنامه بین شرکا<sup>۶</sup> فرق قابل می‌شد، بدین ترتیب که سهم آقای باکمیر وی را مستحق دریافت ۷۰ درصد از سود قابل تقسیم می‌کرد. این تناسب در تقسیم، عیناً در مورد زیانهای متحمله توسط اچ‌ان‌بی نیز صادق بود.

۴۱ - از شرح بالا این نتیجه حاصل می‌شود که وضعیت هر یک از شرکا<sup>۶</sup> در اچ‌ان‌بی با وضعیت سهامدار در یک شرکت سهامی متفاوت بوده است. خصایصی از قبیل فقد سرمایه سهام، برابری حق رأی، تعهد تأمین وجوه اضافی به تناسب و مسئولیت بابت زیان، بیشتر در مورد شرکتهای مدنی (مشارکت) مصداق دارد تا شرکتهای سهامی که سهامداران آنها فقط مسئول پرداخت قیمت سهامی هستند که پذیرهنویسی کرده‌اند و از حق رأیی عموماً متناسب با سهم پرداختی خود از سرمایه شرکت سهامی برخوردارند. همانطور که دیوان خاطرنشان نموده، نه فقط در مورد مشارکتهایی که واجد شخصیت حقوقی نیستند، بلکه در مورد مشارکتهای واجد شخصیت

---

حقوقی مستقل نیز "برخلاف سهامداران شرکتهای سهامی... "یک شریک، آنطور که یک سهامدار از شرکت (سهامی) جداست، از شرکت (مدنی) Société کاملاً مجزا نیست". بنگرید به: صفحه ۳۱ حکم شماره ۱-۱۷۴-۲۰۱، مورخ اول آذرماه ۱۳۶۴ [۲۲ نوامبر ۱۹۸۵] در پرونده هاوزینگ اند آرین سرویسز اینترنشنال، اینک و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران (چاپ شده در 9 Iran-U.S. C.T.R. 313, 331 ("هاوس").

۴۲ - اکنون با در نظر گرفتن ویژگیهای مشارکت اچ‌ان‌بی دیوان باید تعیین کند که آیا آقای باکمیر براساس قراردادهای منعقد شده با این واحد اهلیت طرح دعوا دارد یا خیر. حکم صادره در پرونده هاوس رهنمودی در این خصوص به دست می‌دهد. در حکم مزبور، دیوان بر مبنای مواردی که عموماً متضمن مشارکتهایی با شخصیت حقوقی جداگانه است، نتیجه گرفت که:

هرچند به نظر می‌رسد که طبق حقوق بین‌الملل قاعدتا" یک شریک نمی‌تواند تنها بنام خود دعوایی را که به شرکت مدنی تعلق دارد اقامه کند، هر جا که دلایل یا شرایط خاصی ایجاب نموده "دیوانهای بین‌المللی در تفکیک علایق شرکا" و در مجاز داشتن "شرکا" به وصول سهم نسبی خود از مطالبات شرکت مشکلی نداشته‌اند. یکی از "شرایط خاص" که بیش از هر چیز با این مفهوم مطابقت دارد موقعی است که ادعای شریک صرفا" بابت علایق شخص خود که مستقل از ادعای شرکت و به آسانی از آن قابل تشخیص است، باشد.

همان ماعخذ، صفحه ۲۹ (چاپ شده در 330 Iran-U.S. C.T.R. 9) . دلیل عمده‌ای که شریک اجازه دارد ادعایی را اصالتا" طرح کند، اینست که "در غیر اینصورت به علت عدم اهلیت شریک خارجی، خود شریک از طرح دعوی در یک مرجع بین‌المللی [ممنوع] خواهد شد". صفحه ۳۲ همان ماعخذ، (چاپ شده در 332 Iran-U.S. C.T.R. 9) .

۴۳ - اعمال الزامات تابعیت مندرج در بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی نسبت به وضعیت آقای باکمایر در اچ‌ان‌بی، الزاما" به این نتیجه می‌رسد که دلیل و منطق مذکور در حکم هاوس در پرونده حاضر نیز قابل اعمال است. ادعای آقای باکمایر بابت ۷۰ درصد حقوق قراردادی موعسه که بر ماده ۱۲ اساسنامه مبتنی است، برای علایق خود وی بوده، از هرگونه ادعای خود اچ‌ان‌بی مستقل و به آسانی قابل تمیز است. بر مبنای مراتب پیشگفته، دیوان بر این نظر است که ادعای آقای باکمایر با مفاد بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی مطابقت دارد.

( د ) استمرار مالکیت

۴۴ - ایران و ایزیران اظهار می‌دارند که در جلسه عمومی فوق‌العاده اچ‌ان‌بی که در تاریخ ۱۸ آبانماه ۱۳۵۸ [نهم نوامبر ۱۹۷۹] برگزار شد، آقای باکمایر حقوق و علایق خود را در اچ‌ان‌بی به شخصی به نام آقای هرنند صرافیان واگذار کرد. ایران

و ایزیران نتیجه می‌گیرند که خواهان بدین طریق حائز شرط مندرج در بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی نیست که مقرر می‌دارد ادعاها باید "از تاریخ به وجود آمدن ادعا تا تاریخ به رسمیت یافتن این بیانیه مستمرا" در اختیار [اتباع]... بوده باشد. آقای باکمیر می‌گوید که وی صرفاً "وکالتنامه‌ای به آقای صرافیان داد تا چنانچه اچ‌ان‌بی توانست قبل از مراجعت آقای باکمیر به ایران کار خود را طبق قراردادها از سر بگیرد، نامبرده از جانب وی اقدام نماید.

۴۵ - در صورت جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده اچ‌ان‌بی (که تاریخ جلسه، در آن بجای ۱۸ آبانماه [نهم نوامبر]، ۲۸ آبانماه [۱۹ نوامبر] ذکر شده) قید گردیده که وظایف و اختیارات آقای باکمیر به موجب اساسنامه شرکت، به آقای صرافیان تفویض گردید "تا در غیبت... [آقای باکمیر] توقفی در امور شرکت حاصل نگردد". در صورتجلسه توضیح داده شده که "آقای صرافیان در امور و اختیاراتی که به موجب این مصوبه به ایشان داده شده به وکالت از طرف آقای جک بوکانیر [کذا] اقدام خواهند نمود". بنابراین، روشن است که تفویض اختیارات توسط آقای باکمیر به معنی انتقال حقوق و علائق وی در اچ‌ان‌بی نبوده است. لذا، استدلال ایران و ایزیران مبنی بر اینکه آقای باکمیر به طور مستمر مالک ادعا نبوده، بی اساس است.

(ه) پابرجا بودن ادعا در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱]

۴۶ - ایران اظهار می‌دارد که ادله و مدارک تسلیم شده نشان می‌دهد که اچ‌ان‌بی فعالیت عادی خود را تا اواخر سال ۱۹۸۳ ادامه داده و لذا ادعای سلب مالکیت آقای باکمیر در تاریخ رسمیت یافتن بیانیه حل و فصل دعاوی، یعنی ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] پابرجا نبوده است. بنابراین، ایران استدلال می‌کند که ادعای سلب مالکیت خواهان با الزام صلاحیتی بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی منطبق نیست. دیوان با توجه به یافته‌های خود در رابطه با سلب مالکیت از



علاق آقای باکمیر در اچ‌ان‌بی، بر این نظر است که استدلال مزبور از لحاظ تعیین نتیجه پرونده مؤثر در مقام نیست. بنگرد به: بند ۶۰ زیر. دیوان بر مبنای ادله و مدارک تسلیمی موجود نزد خود متقاعد شده است که کلیه ادعاهای دیگر مطروح توسط آقای باکمیر در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] پابرجا بوده‌اند.

### ( و ) قید انتخاب مرجع رسیدگی

۴۷ - ایزیران استدلال می‌کند که ماده ۱۲ قرارداد ایزیران که حاوی قید انتخاب مرجع رسیدگی است، صلاحیت رسیدگی به ادعای آقای باکمیر را بر اساس قرارداد از دیوان سلب می‌کند. قید مزبور، طبق ترجمه‌ای که ایزیران ارائه کرده، مقرر می‌دارد که "در صورتی که اختلافی بین شرکت و پیمانکار پیش آید اعم از اینکه مربوط به اجرای عملیات موضوع قرارداد و یا مربوط به تفسیر و تعبیر هر یک از مواد قرارداد و مشخصات فنی و سایر اسناد و مدارک پیوست قرارداد باشد چنانچه طرفین نتوانند موضوع اختلاف را از راه توافق رفع نمایند از طریق مراجعه به محاکم صالحه دادگستری حل و فصل خواهد شد". ایزیران استدلال می‌کند که چون قرارداد در ایران تهیه و بین دو شخصیت حقوقی ایرانی و به زبان فارسی منعقد شده، لذا قید مزبور صلاحیت انحصاری به دادگاههای ایران تفویض نموده است.

۴۸ - اکنون دیگر این مطلب کاملاً مسجل شده است که برای آنکه قید انتخاب مرجع رسیدگی طبق بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی صلاحیت را از دیوان سلب کند، باید طبق شرایط خود، صراحتاً صلاحیت رسیدگی به هرگونه اختلاف ناشی از قرارداد را به دادگاههای ایران محدود و منحصر کرده باشد. ماده ۱۲ قرارداد ایزیران، هم از لحاظ محدودیت آن به اختلافات مربوط به اجرای عملیات و تفسیر قرارداد و هم از لحاظ اشاره آن به "محاکم صالحه دادگستری"، با این ضابطه تطبیق نمی‌کند. مقایسه شود با: صفحه ۴ قرار اعدادی شماره

۱۵۹-۶- دیوان عمومی مورخ ۱۴ آبانماه ۱۳۶۱ [پنجم نوامبر ۱۹۸۲] در پرونده فورد اروسپیس اند کامیونیکیشنز کورپوریشن و دیگران و نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران و دیگران (چاپ شده در 1 Iran-U.S. C.T.R. 268, 270)، صفحات ۳ - ۴ قرار اعدادی شماره ۶۸-۳- دیوان عمومی مورخ ۱۴ آبانماه ۱۳۶۱ [پنجم نوامبر ۱۹۸۲] در پرونده هاورد نیدلز تامن اند برگندوف و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران (چاپ شده در 1 Iran-U.S. C.T.R. 248, 250). بنابراین، دیوان نظر می‌دهد که قید انتخاب مرجع رسیدگی قرارداد، صلاحیت رسیدگی به ادعای مطروح علیه ایزیزان را از دیوان سلب نمی‌کند.

چهارم - ماهیت

#### (الف) موافقتنامه‌های حل و فصل

۴۹ - شرکت نوسازی موافقتنامه‌ای تسلیم کرده که آن شرکت در ۱۶ مردادماه ۱۳۶۱ [هفتم اوت ۱۹۸۲] با آقای نیرمی، همکار تجاری آقای باکمایر منعقد ساخته است. نوسازی اظهار می‌دارد که آقای نیرمی با امضای این سند با فسخ قرارداد شرکت نوسازی موافقت کرد و مضافاً می‌گوید که به موجب این سند، "پس از رفع اختلافات موجود در مورد سی درصد از وجوه ماعخوزه وسیله [اچ‌ان‌بی] از شرکت نوسازی، استرداد به عمل آمده". به این دلیل، شرکت نوسازی نتیجه می‌گیرد که "خواهان نمی‌توانسته است به شرحی که اقامه دعوی نموده مطالباتی را عنوان نماید".

۵۰ - شرکت نوسازی ظاهراً می‌گوید که توافق وی با آقای نیرمی به اختلاف بین آن شرکت و اچ‌ان‌بی فیصله داده و لذا آقای باکمایر را از طرح دعوایی برمبنای قرارداد شرکت نوسازی در دیوان ممنوع می‌کند. در موافقتنامه حل و فصل، ضمن

مطالب دیگر، ذکر شده است که قرارداد شرکت نوسازی فسخ گردیده و شرایط زیر مورد قبول آقای نیرمی قرار گرفته است:

۱ - چون پیش‌پرداختی که هنگام عقد قرارداد به شرکت اچ‌ان‌بی پرداخت گردیده نیز خلاف مفاد قرارداد بوده و قبل از تحویل کامپکتور به مجری پرداخت شده - لذا نسبت به سی درصد سهم خود بازپرداخت پیش‌دریافت را قبول نمودند.

۲ - در همین مورد مبلغ دوازده درصد کارمزد و سود تضمینی که از طرف شرکت سهامی نوسازی و عمران تهران به بانک پرداخت شده و می‌شود، آقای نیرمی نسبت به سهم سی درصد خود پرداخت این مبلغ را نیز قبول دارند که تا تاریخ فسخ قرارداد بپردازند.

۳ - در مورد عدم اجرای قرارداد و تاخیر در اجرای مفاد آن که خساراتی به شرکت نوسازی و عمران تهران وارد گردیده آقای نیرمی رئیس هیئت مدیره و سهامدار سی درصد شرکت مشاورین اچ‌ان‌بی نسبت به سهام خود و با قبول مسئولیت شرکت اچ‌ان‌بی خسارات یاد شده را بر طبق مندرجات قرارداد نسبت به سهم خود پذیرفتند.

ضمناً" قرار شد نسبت به دریافت مبالغ پیش‌پرداخت و خسارات مندرج در بند ۱ و ۲ و ۳ مربوط به سهامدار دیگر که آمریکایی است از طریق قانونی توسط شرکت نوسازی اقدام گردد.

۵۱ - نحوه انشاء متن حاکی است که گرچه آقای نیرمی ظاهراً" هم به عنوان شریک در اچ‌ان‌بی و هم به عنوان رئیس هیئت مدیره آن موافقتنامه را امضاء نموده، لکن تعهد مورد امضای وی، فقط به ۳۰ درصد سهم او و همسرش در اچ‌ان‌بی مربوط می‌شده است. نظر دیوان اینست که شرایط این موافقتنامه کافی برای توجیه این نتیجه‌گیری نیست که آقای نیرمی قصد داشته به نمایندگی آقای باکمایر نیز اقدام کند. از اینرو، دیوان وارد بررسی این مسأله نمی‌شود که آیا موافقتنامه حل و فصل ولو آنکه غرض از آن متعهد کردن آقای باکمایر نیز می‌بود، بر ادعای مطروح توسط وی بر مبنای قرارداد شرکت نوسازی تا‌ثیر می‌گذاشت یا خیر.

۵۲ - ایزیران اظهار می‌دارد که ادعای آقای باکمایر در دیوان بر مبنای قرارداد ایزیران،

باید به لحاظ وجود یک موافقتنامه حل و فصل نیز رد شود. ایزیران و آقای نیرمی که حسب ادعا به نمایندگی از جانب اچ‌ان‌بی عمل می‌کرد، موافقتنامه مزبور را در ۱۷ شهریورماه ۱۳۶۲ [هشتم سپتامبر ۱۹۸۳] منعقد ساختند. در موافقتنامه، ایزیران، "شرکت" و اچ‌ان‌بی "مؤسسه" نامیده شده و در قسمت ذریبط آن مقرر گردیده است:

ج - متعاقب امضای قرارداد و دریافت مبلغ پیش‌پرداخت، مؤسسه مقادیری تجهیزات به محل آمادگاه اصلی و عمومی ایک جهت اجرای موضوع قرارداد ارسال نمود.

د - در مورخه ۵۹/۱۱/۷ شرکت بلحاظ قصور مؤسسه در اجرای تعهدات خود طی نامه شماره ۱۰۰۰/م ۴۰-۴۶۹/۳۰۸ اقدام به فسخ قرارداد شماره ۰۰۲ نموده و متعاقباً "ضمانتنامه بانکی پیش‌پرداخت به شماره ۳۷/۴۹۹ بِنفع شرکت واریز گردید.

.....

ماده یک - شرکت موافقت نمود تجهیزات ارسال شده از ناحیه مؤسسه به آمادگاه اصلی ایک را مطابق موافقت شماره ۰۱/۴۰/۳۸/۶۵/۱۳۱ مورخ ۶۲/۶/۱۰ ف - لوح نزاجا به آقای بهروز نیرمی نماینده تام‌الاختیار مؤسسه مسترد دارد. نماینده مزبور موظف به خروج تجهیزات از محل آمادگاه می‌باشد.

.....

ماده پنج - مؤسسه بدینوسیله قبول و اعلام نمود که بجز موارد مندرج در ماده ۱ و ۴ این مصالحه‌نامه هیچگونه حقی برای مؤسسه مفروض نبوده و با اجرای مفاد ماده ۱ و ۴ فوق حق طرح هرگونه ادعایی علیه شرکت، دولت جمهوری اسلامی ایران، شرکتها و مؤسسات تابعه و وابسته آن را در خصوص موضوع قرارداد ۰۰۲ و پیامدهای آن را از خود سلب می‌نماید.

ایزیران همچنین یک فقره "صورت‌مجلس تحویل" تسلیم نموده که حاکی است آقای نیرمی وسایل اچ‌ان‌بی را تحویل گرفته است.

۵۳ - ایزیران استدلال می‌کند که چون آقای نیرمی منفرداً حق امضاء داشته، لذا موافقتنامه نسبت به اچ‌ان‌بی الزام‌آور است. ایزیران همچنین خاطرنشان می‌کند که

موافقتنامه به تأیید آقای صرافیان نیز رسیده که از جانب آقای باکمیر وکالت داشته است. بالاخره، ایزیران اشاره می‌کند که موافقتنامه بر ماده ۱۲ قرارداد ایزیران مبتنی بوده که در آن به موضوع حل اختلاف به تراضی اشاره شده است.

۵۴ - آقای باکمیر ادعا می‌کند که "هیچگونه اطلاعیه‌ای در مورد موافقتنامه به [وی] داده نشده و [وی] از پیشنهاد عقد موافقتنامه ادعایی یا انعقاد آن به کلی بی‌خبر بوده است". بنا به اظهار وی "موافقتنامه مزبور نسبت به خواهان الزام‌آور نیست، زیرا وی آن را منعقد نساخته و نیز به این دلیل که امضای آن - به فرض که امضاء هم شده باشد - تحت اجبار صورت گرفته است". خواهان استدلال می‌کند که به مجرد اینکه وی ادعای خود را به ثبت رساند، به ایزیران اطلاع داده شد که خواهان از دیوان استمداد نموده و لذا ایزیران موظف بوده هرگونه پیشنهاد حل اختلاف را به اطلاع وی برساند. در رابطه با اجبار ادعایی [در امضاء موافقتنامه] آقای باکمیر می‌گوید پس از آنکه ایزیران پیش‌پرداخت خود را وصول کرد و بانک بازپرداخت وام معتناهی را مطالبه کرد، اچ‌ان‌بی دیگر وجه نقد کافی برای انجام پرداختها نداشت و در مضیقه مالی شدیدی قرار گرفت. بعداً ایزیران و بانک حسب ادعای شخص آقای نیرمی را تحت فشار مالی قرار دادند.

۵۵ - دیوان متذکر می‌شود که متن موافقتنامه اچ‌ان‌بی را ملزم ساخته است "حق طرح هرگونه ادعایی علیه... ایزیران... و پیامدهای آن را از خود سلب [نماید]". اگر قصد طرفین موافقتنامه این بود که مصالحه آنها ادعای مطروح علیه ایزیران را نیز در بر گیرد - که قاعدتاً طرفین می‌دانستند که آقای باکمیر تا آن تاریخ آن را نزد دیوان ثبت کرده - منطق حکم می‌کند که موافقتنامه را مشروط به استرداد آن ادعا نمایند و یا حداقل مشخصاً بدان اشاره کنند. اما به طوری که دیوان ملاحظه می‌نماید، طرفین چنین نکردند. با اینحال حتی اگر فرض شود که طرفین می‌خواستند آقای باکمیر را نیز متعهد سازند، دیوان با توجه به کلیه اوضاع و احوال پرونده

حاضر معتقد است که این موافقتنامه حق خواهان را نسبت به قرارداد ایزیران ساقط نمی‌کند. این اوضاع و احوال، از جمله عبارتست از مدت زمان سپری شده بین ثبت ادعای خواهان و انعقاد موافقتنامه، نقش اساسی آقای باکمایر در اچ‌ان‌بی، ساخت شرکت مدنی اچ‌ان‌بی و فقد ادله و مدارک راجع به هرگونه اقدامی از ناحیه ایزیران برای اینکه آقای باکمایر را مستقیماً در انعقاد موافقتنامه دخالت دهد (دیوان ملاحظه می‌کند که گرچه مکاتبات بین آقای نیرمی و آقای باکمایر که در پرونده موجود است حاکی است که خواهان قاعدتاً باید آگاه می‌بود که شریک وی سرگرم مذاکره برای یافتن طرقی جهت حل اختلاف اچ‌ان‌بی با ایزیران است، اما این واقعیت از اهمیت موضوع اخیر نمی‌کاهد). همچنین بنگرید به: بند ۱۵۶ زیر.

(ب) سلب مالکیت

(یک) اچ‌ان‌بی

۵۶ - خواهان اظهار می‌دارد که از تابستان سال ۱۹۷۸ تا نوامبر سال ۱۹۷۹ که وی ایران را ترک گفت، دولت ایران یا واحدهای تحت کنترل آن اقداماتی صورت دادند که سبب محرومیت وی از استفاده، کنترل و منافع اموالی شد که او در ایران داشت. بنا به اظهار آقای باکمایر، این مداخلات توانایی انجام کسب و کار در ایران را به کلی از وی سلب و سرانجام او را وادار به ترک دائمی کشور در سوم آذرماه ۱۳۵۸ [۲۴ نوامبر ۱۹۷۹] کرد و بدانوسیله سبب از دست رفتن حقوق و عالیق وی در اچ‌ان‌بی گردید. خواهان ضمن جمع‌بندی موارد مداخله، اظهار می‌دارد که اچ‌ان‌بی از ورود به کارگاه طرح نوسازی - اکباتان و پایگاههای نظامی که قرارداد ایزیران باید در آنها اجرا می‌شد ممنوع شده بود. آقای باکمایر مضافاً می‌گوید که نه دولت ایران و نه هیچیک از مؤسسات وابسته به آن صورتحسابها را نمی‌پرداختند و به سؤالات و درخواستهای اچ‌ان‌بی برای فراهم ساختن موجبات

بازگشت او به کار، پاسخ نمی‌دادند. بر مبنای این رویدادها خواهان تقاضا دارد سهم وی از منافع از دست رفته و ارزش معاملاتی اچ‌ان‌بی، وجوهی که وی به اچ‌ان‌بی وام داده و نیز مبالغی که اچ‌ان‌بی به عنوان حقوق عقب افتاده به وی بدهکار است، به وی بازپرداخت شود.

۵۷ - دیوان در صفحه ۴۷ قرار اعدادی شماره ۱-۲۴-۳۲ پرونده استارت (چاپ شده در 154 Iran-U.S. C.T.R. 4) نظر داد که "اقدامات یک دولت در حقوق مالکانه ممکن است تا حدی مداخله آمیز باشد و آن حقوق را طوری بی فایده نماید که می‌بایست آن را سلب شده تلقی نمود، ولو اینکه دولت آن را سلب شده اعلام نکرده و مالکیت مال رسماً" به نام مالک اصلی باقی بماند". سلب مالکیت هنگامی صورت می‌گیرد که به عنوان مثال، مالک از "استفاده موثر، کنترل و مزایای حقوق مالکانه خود" محروم گردد. همان ماعخذ، صفحه ۴۷ (چاپ شده در 154 Iran-U.S. C.T.R. 4). در اینجا لازم به تذکر است که "قصد دولت اهمیت کمتری از آثار اقدامات دولت بر صاحب مال داشته و شکل کنترل یا مداخله از واقعیت اثر آن کنترل و مداخله حایز اهمیت کمتری می‌باشد". بنگرید، برای مثال به: صفحه ۱۰ حکم شماره ۲-۷-۱۴۱، مورخ هشتم تیرماه ۱۳۶۳ [۲۹ ژوئن ۱۹۸۴] در پرونده تیتس، ایت، مک کارتی، استراتن و مهندسین مشاور تامس-آفای ایران و دیگران (چاپ شده در 219, 225-26 Iran-U.S. C.T.R. 6). معذک، این امر، خواهان مدعی سلب مالکیت را از تعهد اثبات حد لازم مداخله دولت مبری نمی‌سازد.

۵۸ - در قضاوت راجع به اینکه آیا آقای باکمیر از عهده اثبات ادعای خود برآمده است یا خیر، دیوان متذکر می‌شود که خواهان تصدیق کرده است که هیچ تاریخ مشخصی برای سلب مالکیت ادعایی به آسانی قابل تشخیص نیست. آقای باکمیر بدواً اظهار داشت که سلب مالکیت مدتها پیش، یعنی در بهار ۱۹۷۹ که اچ‌ان‌بی بر اثر اقدام

دولت به کلی از فعالیت باز ماند، و محققاً تا سوم آذرماه ۱۳۵۸ [۲۴ نوامبر ۱۹۷۹] که خروج اجباری خواهان از ایران بر اثر اقدامات دولت، وی را از هرگونه دسترسی به مال خود محروم ساخت، به وقوع پیوست. با اینحال، در لوایح خواهان همچنین ذکر شده است که "گرچه خواهان صبورانه تلاش می‌کرد که امور تجاری خود را از آمریکا اداره کند، مداخلات ایران ادامه یافت و سرانجام توانایی کنترل امور اچ‌ان‌بی کلا" از خواهان سلب گردید" و "پس از آنکه وی مجبور به ترک ایران شد، توانایی وی برای کنترل اچ‌ان‌بی زایل گردید." علاوه بر این، آقای باکمیر شهادت داده است که بعضی از نامه‌های آقای نیرمی به خواهان، پس از خروج نامبرده از ایران "گواه بر نقش حیاتی من در اچ‌ان‌بی بعد از خروج من از ایران است"، و "به مجرد اینکه ایران را ترک کردم، توانایی کنترل اچ‌ان‌بی بتدریج از دست من خارج شد."

۵۹ - اظهارات آقای باکمیر ثابت می‌کند بین از دست رفتن تدریجی کنترل وی بر اموال خود و خروج وی از ایران رابطه سببیت وجود دارد. خواهان در مورد خروج خود اظهار می‌دارد که وی مجبور به ترک ایران شد، اما هیچ اقدامی از ناحیه دولت ایران را در آن رابطه مشخص نمی‌کند. بر عکس، همانطور که در لوایح خواهان آمده، "سرانجام شرایط در ایران به اندازه‌ای وخیم شد که ماندن در کشور و نظارت بر امور تجاری برای خواهان غیرممکن گردید". دیوان به این واقعیت توجه دارد که شرایط مزبور - که طبق اظهار خواهان شامل اعتصابات، قطع جریان برق و ایذاء شخصی بود - باید به علایق خواهان در ایران لطمه وارد کرده باشد. (۱) معذک، همانطور که دیوان در استارت اعلام نموده:

اما سرمایه‌گذاران در ایران مانند سرمایه‌گذاران در کلیه کشورهای دیگر باید این ریسک را قبول کنند که ممکن است با اعتصاب، تعطیل کار، اختلال، تغییر نظام اقتصادی و سیاسی و حتی با انقلاب روبرو شوند. تحقق هیچیک از این مخاطرات لزوماً به این معنا نیست که حقوق مالکانه‌ای را که از این رویدادها متأثر شده، بتوان گرفته شده تلقی کرد. از نظر حقوق بین‌الملل انقلاب به خودی خود استحقاق جبران خسارت به سرمایه‌گذاران نمی‌دهد.

(۱) برای مثال، بنگرید به: بندهای ۹۵، ۱۰۳ و ۱۳۱ الی ۱۳۶ زیر.



۶۰ - با در نظر گرفتن سابقه امر، نظر دیوان، بدون آنکه تاعثیری در ادعاهای آقای باکمیر برمبنای نقض قرارداد داشته باشد، اینست که اقدامی از ناحیه دولت که مصادره علایق خواهان محسوب گردد، به اثبات نرسیده است. از اینرو، دیوان بناچار ادعای خواهان را در مواردی که بر سلب مالکیت مبتنی است، رد می‌کند.

(دو) وسایل موجود در گمرک

۶۱ - آقای باکمیر اظهار می‌دارد که در فوریه ۱۹۷۸، اچ‌ان‌بی وسایل جمع‌آوری زباله به شرکت منگولدز انجینیرینگ آفریقای جنوبی سفارش داد تا آنها را در کلوب شاهنشاهی برای مقامات ذی‌علاقه شهر تهران به نمایش گذارد. بنا به اظهار خواهان، اچ‌ان‌بی مبلغ ۲۳،۳۶۴/۷۸ دلار به اضافه ۲،۹۰۰/- دلار بابت هزینه حمل وسایل پرداخت و دستگاه‌ها در حوالی دهم تیرماه ۱۳۵۷ [اول ژوئیه ۱۹۷۸] به بندر خرمشهر وارد شد. پس از دریافت مجوز ورود وسایل از وزارت صنایع و معادن، اچ‌ان‌بی در نهم آبانماه ۱۳۵۷ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۸] طی نامه‌ای به آقای عدل مدیر کلوب شاهنشاهی، که اسناد حمل به نام وی صادر شده بود، تقاضای کمک کرد تا وسایل به طور موقت و بدون پرداخت عوارض گمرکی ترخیص شود.

۶۲ - اما بطوری که خواهان در شهادتنامه خود اظهار داشته:

آقای عدل در مورد ترخیص این کالاها از گمرک با ما همکاری نکرد. در تاریخ ۵ دسامبر ۱۹۷۸، کارکنان گمرک ایران به اعتصاب دست زدند و این جریان باعث اشکال بیشتر برای ما شد و سعی مرا جهت ترخیص این کالاها از گمرک با مشکلات مواجه کرد.

در فوریه ۱۹۷۹، دو واقعه دیگر اتفاق افتاد که باعث اشکال بیشتر برای اچ‌ان‌بی جهت ترخیص دستگاه‌ها از گمرک گردید. نخست، جمهوری اسلامی ایران روابط سیاسی خود را با جمهوری آفریقای جنوبی قطع کرد. ثانیاً، روحیه ضد آمریکایی در ایران به علت اینکه خط مشی دولت جدید چنین بود، نیروی تازه‌ای پیدا کرد. بلافاصله بعد از ۹ فوریه ۱۹۷۹، انجام مذاکره

برای من با هر مؤسسه دولتی ایران مشکل تر و یا تقریباً غیرممکن شده بود.

خواهان ادعا می‌کند که "گرچه اچ‌ان‌بی کلیه حقوق و عوارض مربوط را پرداخت و همه اسناد لازم را تسلیم نمود، لکن خواننده، جمهوری اسلامی ایران از ترخیص دستگاه‌ها برای اچ‌ان‌بی خودداری نمود و کماکان نیز خودداری می‌کند. بدین طریق، اچ‌ان‌بی از استفاده، کنترل و منافع دستگاه‌ها کلاً محروم شده است". براین اساس، آقای باکمایر ادعایی به مبلغ ۱۶،۳۵۵/۳۳ دلار بابت سهم ۷۰ درصد خود از ارزش ادعایی دستگاه‌ها اقامه نموده است.

۶۳ - اداره گمرک اظهار می‌دارد که صرف ارسال کالا الزاماً دال بر آن نیست که گمرک آن را دریافت کرده باشد. اداره گمرک همچنین استدلال می‌کند که خواهان توقیف کالا را مدلل نساخته و همچنین ضمن اشاره به اینکه خواهان هیچگونه اظهارنامه گمرکی، تأییدیه پرداخت عوارض ورود و یا ضمانتنامه بانکی ارائه ننموده، اظهار می‌دارد که اچ‌ان‌بی ثابت نکرده است که مقررات ایران را برای ورود کالا رعایت کرده است.

۶۴ - نامه مورخ نهم آبانماه ۱۳۵۷ [۳۱ اکتبر ۱۹۷۸] آقای باکمایر که در آن، ازجمله اشعار گردیده است که دستگاه‌ها "از پایان ژوئن ۷۸ در ایران بوده و شماره تعرفه گمرکی (۲ ب ۸۴/۵۹) به آنها داده شده"، به نحو رضایتبخشی برای دیوان ثابت می‌کند که دستگاه‌ها در واقع به اداره گمرک خرمشهر تحویل داده شده است. دیوان ملاحظه می‌کند خواهان در شهادتنامه خود اظهار داشته است که مشکلاتی که بعداً در ترخیص دستگاه‌ها به وجود آمد، عمدتاً به عدم همکاری از ناحیه شخص مورد نظر برای دریافت دستگاه‌ها و اوضاع و احوال انقلابی حاکم بر ایران در آن زمان مربوط می‌شد. دلایل مشابهی نیز در نامه مورخ ۱۴ آذرماه ۱۳۵۷ [پنجم

دسامبر ۱۹۷۸] اچان بی به منگولدز انجینیرینگ ذکر شده است. در آن نامه، ضمن مطالبی اظهار گردیده است که "اتفاقات زیادی روی داده که برنامه دستگاه‌های بلعنده زباله (Gorger) را مختل ساخته است... گمرکات دست به اعتصاب زده‌اند، لذا نه ترخیص دستگاه‌های بلعنده زباله برای ما مقدور است و نه ترخیص نمونه دستگاه نقله". دیوان ضمن یادآوری اصول مندرج در حکم پرونده استارت و با توجه به فقد ادله مشخص راجع به اقدامات حاکی از مداخله، بر این نظر است که سابقه امر مبنایی برای احراز سلب مالکیت قابل انتساب به دولت ایران به دست نمی‌دهد. بنگید به: بند ۵۷ بالا. در نتیجه، دیوان ادعای آقای باکمایر را مردود می‌شناسد.

(سه) وجه تودیع شده در بانک

۶۵ - دیوان اکنون به ادعای ۴،۵۰۰/- دلاری آقای باکمایر علیه بانک [ملت] می‌پردازد. خواهان اظهار می‌دارد که در تاریخ ۱۳ آبانماه ۱۳۵۸ [چهارم نوامبر ۱۹۷۹] وی معادل ریالی مبلغ فوق‌الذکر را نزد شعبه هجرت بانک تودیع کرد تا یک رقم ۳،۰۰۰/- دلار و یک رقم ۱،۵۰۰/- دلار به دو حساب متعلق به بستگان وی در بانک آو آمریکا واقع در اورنج، کالیفرنیا حواله گردد. بانک حسب ادعا به وی قول داد که به مجرد رفع ممنوعیت ارسال اینگونه حواله‌ها به ایالات متحده که در آن زمان در شرف اجرا بود، وجوه تودיעی را حواله نماید. خواهان می‌گوید که با اینحال هرگز حواله‌ای صورت نگرفت و شهادتنامه‌ای از چارلی پیرسن، کارمند بانک آو آمریکا تسلیم کرده است که این ادعای خواهان را به طور کلی تأیید می‌نماید. آقای باکمایر همچنین نامه‌ای تسلیم کرده است به تاریخ ۱۶ تیرماه ۱۳۵۹ [هفتم ژوئیه ۱۹۸۰] خطاب به آقای نیرمی، که طی آن آقای باکمایر تماسهای خود را با شخصی که طبق اظهار وی کارمند بانک مورد بحث است، شرح داده و از آقای نیرمی خواسته است که موضوع را پیگیری نماید. آقای نیرمی در ۲۵ شهریورماه ۱۳۵۹ [۱۶ سپتامبر ۱۹۸۰] پاسخ داد که کارمند مورد بحث به وی اطمینان داده

که حواله را فرستاده، اما نمی‌تواند سابقه آن را در بانک پیدا کند.

۶۶ - بانک در عین حال که منکر نیست که انتقال هرگز صورت نگرفته، استدلال می‌کند که خواهان مدرک تودیع مبلغ را ارائه نداده است. بانک خاطرنشان می‌سازد که خواهان نتوانسته رسیدی ارائه کند و دفتر ثبت حواله‌های ارزی بانک تودیع چنین مبلغی را نشان نمی‌دهد. خواهان در پاسخ اظهار می‌دارد که سابقه مبلغ تودיעی جزو مدارکی بود که حسب ادعای وی، هنگام خروج از ایران در فرودگاه از او گرفته شد.

۶۷ - فقد تقریبی مدارک مستند در تأیید ادعای آقای باکمیر، این موضوع را مطرح می‌سازد که ارزش اثباتی شهادتنامه خواهان چقدر است. با توجه به اهمیت این مسأله، جا دارد ملاحظاتی که دیوان در سنجش این قبیل ادله باید مورد توجه قرار دهد، به تفصیل تشریح گردد. پرفسور ویرالی فقید، عضو برجسته سابق دیوان و رئیس پیشین این شعبه در یادداشت مورخ ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۶۶ [۱۷ فوریه ۱۹۸۸] خود این ملاحظات را به شرح زیر بیان نمود:

در بسیاری موارد، خواهانها یا کارمندان آنها شهادتنامه‌های مصدق و یا شهادت شفاهی به دیوان ارائه کرده‌اند. پرونده‌هایی که چنین موضوعی در آنها مطرح شده باشد انگشت شمار است. معمولاً طرفین راجع به ارزش اثباتی اینگونه اظهارات کتبی یا شفاهی شدیداً با یکدیگر مجادله دارند و هر یک از آنان به ویژگیهای نظام قضایی خود استناد می‌کند. طرفهای آمریکایی اصرار دارند که برای این قبیل ادله باید چنانکه در دادگاههای ایالات متحده معمول است، ارزش اثباتی کامل قابل شد. طرفهای ایرانی استدلال می‌نمایند که این قبیل اظهاریه‌ها، در حقوق ایران، مثل بسیاری نظامهای حقوقی دیگر به عنوان مدرک قابل قبول نیست، زیرا توسط افرادی ارائه می‌شود که منافعشان در گرو جریان دعوی است و یا خود آنان وابسته به خواهانها بوده و یا هستند.

دیوان در گذشته روش عملی و متعادلی در مورد این مسأله اتخاذ کرده، بدین نحو که براساس مورد تصمیم گرفته است که آیا با توجه به آن اظهاریه‌ها و کلیه ادله تسلیمی دیگر در پرونده، ویژگیهای پرونده و طرز رفتار هر دو طرف در جریان رسیدگی، هر یک از طرفین دعوی به نحو

شایسته از عهده اثبات ادعای خود برآمده است یا خیر. ظاهراً این روش عملی همیشه به خوبی درک نشده، زیرا مباحثاتی یکسان غالباً با عبارات یکسان به طور مداوم یکی پس از دیگری در پرونده‌ها پیش کشیده می‌شود.

دیوان به عنوان یک دادگاه بین‌المللی که با توافق دو دولت مستقل تأسیس شده نمی‌تواند در هیچ زمینه‌ای از جمله در زمینه ادله، آئین دادرسی و یا رویه‌های قضایی داخلی یک طرف را، در مواردی که این آئین‌ها و رویه‌ها با آئین‌ها و رویه‌های عموماً پذیرفته شده توسط دیوانهای داوری بین‌المللی منطبق نباشد، بر آئین‌ها و رویه‌های طرف دیگر رجحان دهد. در این رابطه، لازم به تذکر است که اظهاریه‌های طرفین و یا کارمندان آنان به صورت شهادتنامه‌های مصدق یا شهادت شفاهی غالباً به عنوان دلیل و مدرک، به چنین دیوانهایی ارائه می‌شود. این قبیل اظهاریه‌ها معمولاً پذیرفته می‌شود، لکن ظاهراً ارزش اثباتی آنها با احتیاط و به طریقی سنجیده می‌شود که عموماً با روش این دیوان، به ترتیبی که تشریح شد، قابل مقایسه است.

روشن است که ارزش منتسب به این نوع ادله نه تنها با سنتهای حقوقی و اخلاقی، بلکه با سیستم مجازات شهادت کذب در هر کشور مستقیماً ارتباط دارد که به سهولت و فوریت قابل اجرا و از چنان شدت و حدتی برخوردار باشد که شهود را از ادای شهادت کذب باز دارد. چنین نظامی در درون دیوانهای بین‌المللی وجود ندارد و توسل به دادگاههای داخلی کشور شاهد یا گواه توسط طرف دیگر، کاری مشکل، وقت گیر، پر خرج و نامطمئن است. در نبود هیچگونه مجازات عملی (غیر از رد ادله فاقد اعتبار)، دیوانهای بین‌المللی نمی‌توانند برای این نوع ادله شفاهی یا کتبی همان ارزشی را قایل شوند که پاره‌ای نظامهای حقوقی داخلی برای آنها قائل می‌شوند. این مطلب را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که محظورهای اخلاقی که مانع از اظهار مطالب غیرواقع در دادگاههای داخلی می‌شود، در دعاوی بین‌المللی، به ویژه هنگامی که طرف مقابل، یک دولت خارجی است که رفتار وی در افکار عمومی کشور طرف دیگر به شدت محکوم شده، از همان قوت برخوردار نخواهد بود.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که در بسیاری از دعاوی مطروح در دیوان، خواهانها با مشکلات مشخصی در زمینه ادله مواجهند که خود آنان مسئول آن نیستند. چنین وضعیتی به ویژه در مواردی مصداق می‌یابد که خواهانهای آمریکایی به دلیل رویدادهای انقلاب و هرج و مرج حاکم بر ایران در آن زمان، مجبور می‌شدند ایران را سریعاً ترک کنند، بدون آنکه امکان یا فرصت داشته باشند که بایگانی خود، از جمله مدارکی را که معمولاً به عنوان دلیل موعید دعاوی آنان باید تسلیم شود یا خود ببرند. در بسیاری موارد، اوضاع ایران در فاصله تأسیس دولت انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۱ فوریه ۱۹۷۹] و اشغال سفارت آمریکا در ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸ [چهارم نوامبر ۱۹۷۹] به قدر کافی تثبیت نشده بود که شخص به ایران مراجعت کند و یا در صورت مراجعت... به پرونده‌های بجای مانده دست یابد. پس از ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸ [چهارم نوامبر ۱۹۷۹] تا تاریخهای

مهم ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] و ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲]، جمع آوری مدارک در ایران توسط اتباع ایالات متحده تقریباً غیرممکن بود. روشن است که این واقعیات باعث گردید که خواهانهایی که نسخه‌هایی از بایگانی خود را در خارج از ایران نگهداری نکرده بودند نتوانند به طرقي که در اوضاع و احوال عادی انتظار می‌رود، به آسانی از عهده اثبات دعوای خود برآیند. با توجه به این واقعیات، دیوان نمی‌تواند در مورد ادله اثبات دعوا ضوابط سختی برای خواهانها قابل شود، بدون آنکه نسبت به آنان بی‌عدالتی ورزد. معذک، در اتخاذ روشی قابل انعطاف در این زمینه، دیوان نباید وظیفه خود را در حمایت از خوانندگان در برابر ادعاهایی که به نحو شایسته مدلل نشده‌اند، از نظر دور بدارد. به هر صورت، دیوان باید متقاعد شود که واقعیاتی که احکام دیوان بر آنها متکی است، به خوبی احراز گردیده و با مقررات قواعد رسیدگی دیوان کاملاً منطبق باشد.

برای حفظ تعادل منصفانه و معقول بین این الزامات متناقض، دیوان باید اوضاع و احوال ویژه هر پرونده و نیز کلیه عواملی را مورد توجه قرار دهد که می‌تواند اظهاریه‌های تسلیمی خواهانها را تأیید یا نفی نماید. تعداد این قبیل عوامل تقریباً نامحدود است و از پرونده‌ای به پرونده دیگر تفاوت می‌کند. وجود یا عدم تناقض درونی در خود این اظهاریه‌ها و یا بین آنها و رویدادها و واقعیاتی که به طرق دیگر معلوم شده، به وضوح یکی از این عوامل است. اذعان صریح یا تلویحی طرف دیگر، همچنین عدم ایراد و اعتراض و یا عدم ارائه ادله معارض، هنگامی که چنین ادله‌ای آشکارا موجود و یا به آسانی قابل دسترسی است، از عوامل دیگر محسوب می‌شود. با این وصف، در رابطه با عامل اخیر، دیوان نباید این واقعیت را نادیده بگیرد که ویرانی ناشی از رویدادهای انقلاب یا جنگ، ترک ایران توسط افراد مسئول اداره امور مؤسسات در زمان وقوع واقعیات مورد اشاره در ادعا، و تغییرات در کادر رهبری یا مدیریت مؤسسات ذیربط نیز می‌تواند از توانایی خوانندگان در ارائه ادله بکاهد. تعیین اینکه خود خوانندگان مسئول چنین مشکلی هستند یا خیر و اگر هستند تا چه میزان، کاری است غالباً دشوار.

۶۸ - با در نظر گرفتن این ملاحظات، دیوان خاطرنشان می‌سازد که لوایح خواهان حاوی اظهارات متناقضی در مورد سوابق وجه تودیعی است. گرچه آقای باکمیر در پاسخ اولیه خود به لایحه دفاعی بانک اظهار داشته که "ادله و مدارک وجود این اسناد طی داوری شفاهی به دیوان تسلیم خواهد شد"، اما بعداً نامبرده در شهادتنامه خود ادعا کرد که اسناد و مدارک مزبور هنگام خروج وی از ایران ضبط شده است. با توجه به این تناقض ظاهری، دیوان متقاعد نشده است که بانک واقعاً وجه مورد بحث را دریافت کرده است. در نتیجه، هرچند مکاتبات خواهان با آقای نیرمی حاکی

است که آقای باکمایر وجوه را به یک نفر ایرانی داده است که در مورد حواله به وی کمک می‌کرد، سابقه امر مبنای کافی به دست نمی‌دهد تا بتوان بانک را بابت عدم حواله وجه مسئول شناخت. لذا، دیوان ادعای آقای باکمایر را علیه بانک ملت مردود می‌شناسد.

(ج) ادعاهای مبتنی بر قرارداد

(یک) قرارداد موبگ

۶۹ - خواهان می‌گوید که اچ‌ان‌بی برای تهیه و نصب ۱۲۰ دستگاه جمع‌آوری زباله در یک طرح خانه‌سازی واقع در سه نقطه ایران، قراردادی با صنایع نظامی منعقد کرد. خواهان به عنوان مدرک قرارداد، نسخه‌ای از سفارش خریدی به نام جی.ک.آی. - موبگ، شرکت سویسی که به عنوان پیمانکار اصلی پروژه عمل می‌نمود، تسلیم کرده است. قرار بود اچ‌ان‌بی دستگاه‌های جمع‌آوری زباله را از یک شرکت آمریکایی به نام مالتی - پک خریداری نماید. کل قیمت، معادل ریالی ۶۶۶،۱۲۰/- دلار بود که قرار بود ۲۰ درصد آن پیشاپیش به مجرد امضای قرارداد پرداخت شود. مبلغ ۲۶۶،۴۴۸/- دلار معادل ۴۰ درصد قیمت، با ورود دستگاه‌های جمع‌آوری زباله به بندر ایرانی تعیین شده، و مابقی پس از اتمام نصب کلیه دستگاه‌ها قابل پرداخت بود.

۷۰ - خواهان اظهار می‌دارد که پس از آنکه اچ‌ان‌بی اجرای قرارداد را شروع و پنجاه و یک دستگاه جمع‌آوری زباله را تحویل داد، "به اچ‌ان‌بی اجازه داده نشد که دستگاه‌های دیگری به ایران ارسال و یا هیچیک از دستگاه‌های تحویل شده را نصب نماید"، که در نتیجه، "آن پروژه خاص متوقف گردید". آقای باکمایر تصدیق می‌کند که اچ‌ان‌بی تا آن موقع پیش‌پرداختی معادل مبلغ ریالی ۱۳۳،۰۰۰/- دلار، به

اضافه مبلغ ۱۱۳،۲۴۰/- دلار، معادل ۴۰ درصد قیمت پنجاه و یک دستگاه جمع آوری زباله دریافت کرده بود. آقای باکمیر با اظهار این مطلب که اچان بی کل قیمت دستگاه‌های تحویل شده (۲) را به مالتی - پک پرداخت کرد، مبلغ ۶۶،۶۰۱/۸۵ دلار بابت سهم ۷۰ درصد خود از سود قابل حصول از فروش و نصیبی که اچان بی در نتیجه امتناع صنایع نظامی از دادن اجازه اتمام اجرای پروژه توسط اچان بی از دست داد، مطالبه می نماید.

۷۱ - ادعای قراردادی آقای باکمیر بر این فرض مبتنی است که سفارش خرید رابطه مستقیمی بین اچان بی و صنایع نظامی ایجاد کرده است. به طوری که خواهان اظهار داشته، "با وجود اینکه سفارش خرید را جی.ک.آی. - موبگ به اچان بی داد، استنباط من همواره این بود که جی. ک.آی. - موبگ به عنوان کارگزار صنایع نظامی در پروژه عمل می کند و دولت ایران مبتکر، مالک، ذینفع و کنترل کننده نهایی پروژه می باشد." آقای باکمیر در تاعیید موضع خود، چهار فرم نمونه حمل [بارنامه] از اسناد و مدارک پروژه تسلیم نموده که در آن، صنایع نظامی به عنوان گیرنده محموله معرفی شده است، بدون آنکه ذکری از جی.ک.آی. - موبگ شده باشد. در خاتمه، خواهان اظهار می دارد که اچان بی "با صنایع نظامی" قرارداد بست. به همین نحو، آقای باکمیر می گوید که خلاصه دفتر کل وی حاوی مبالغ دریافتی "از جی.ک.آی. - موبگ - صنایع نظامی" است.

(۲) خواهان می گوید که بدین ترتیب، اچان بی بدون محاسبه سودی بابت معامله، کلاً مبلغ ۲۴،۸۵۴/۵۰ دلار بیش از آنچه که طبق قرارداد خرج کرده بود، دریافت نمود. دیوان ملاحظه می نماید که دفتر کل آقای باکمیر فقط بخشی از پرداخت ادعایی اچان بی به مالتی - پک را نشان می دهد. طبق اظهار خواهان، این امر ناشی از "ناقص بودن دفتر کل" است. آقای باکمیر در تاعیید استدلال خود مبنی بر اینکه اچان بی کل قیمت ۵۱ دستگاه جمع آوری زباله را پرداخت کرده، شهادتنامه ای نیز حاکی از این مطلب از جیمز اورورگ، رئیس مالتی - پک تسلیم نموده است. ادله و مدارک مستند از قبیل اسناد پرداخت یا اعلامیه های بانکی، همراه شهادتنامه نامبرده ارائه نشده است.



۷۲ - خواننده، صنایع نظامی با اظهار این مطلب که جی.ک.آی.- موبگ سفارش خود را "به طور مستقیم و بدون اطلاع و یا هرگونه مداخله‌ای از جانب خواننده"، ارسال کرده، وجود هرگونه رابطه قراردادی را با اچ‌ان‌بی انکار می‌کند. لذا به نظر صنایع نظامی، آقای باکمایر باید علیه جی.ک.آی.- موبگ طرح دعوا کند.

۷۳ - دیوان قبلا" در موارد مختلف به موضوع نمایندگی پرداخته است. در صفحه ۱۸ حکم شماره ۳-۳۲۵-۱۸۷، مورخ ۲۸ مردادماه ۱۳۶۴ [۱۹ اوت ۱۹۸۵] در پرونده فوتورا تریدینگ اینکوریپوریتد و سازمان آب و برق خوزستان (چاپ شده در 46, 57 Iran-U.S. C.T.R. 9) ، دیوان با ملاحظه این مطلب که رابطه حقوقی مورد بحث به آسانی از سوابق موجود نزد دیوان قابل تشخیص نیست، خاطرنشان ساخت که

از نظر حقوقی مابین یک عامل و یک پیمانکار مستقل نمی‌توان صرفاً از روی شیوه کار آن مؤسسه تمایز قایل شد. یک عامل ممکن است با نهایت استقلال عمل کند درحالی‌که اگر ترتیبات قراردادی نسبتاً پیچیده‌ای در میان باشد، چه بسا یک پیمانکار مستقل از مؤسسه‌ای که بدان خدمت می‌کند، قابل تمیز نباشد. در این مفهوم، از نظر حقوقی وجه تمایز بین یک عامل و یک پیمانکار مستقل را تنها با مراجعه به قراردادی که ارتباط فیما بین آنها را معین می‌نماید، می‌توان مشخص نمود.

دیوان در بند ۴۸ حکم شماره ۳-۳۲۴-۲۶۳، مورخ هشتم آبانماه ۱۳۶۵ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۶] در پرونده فوتورا تریدینگ اینکوریپوریتد و شرکت ملی نفت ایران (چاپ شده در 99, 112 Iran-U.S. C.T.R. 13) ، با مسایل اثباتی مشابهی مواجه بود. در آن پرونده دیوان نظر داد که "مدارک تسلیمی به دیوان برای تأیید ادعای خواهان مبنی بر اینکه [خواننده] ذینفع اصلی در طرف دیگر قرارداد است، کفایت نموده و بار تسلیم ادله معارض را بر دوش [خواننده] قرار می‌دهد." همان ماعخذ.

۷۴ - با این وصف، در پرونده حاضر دیوان معتقد است که ادله و مدارک تسلیمی خواهان کافی برای انتقال بار اثبات دعوا [به خوانده] نیست. مقایسه شود با: بند ۸ حکم شماره ۲-۱۹-۳۵۶، مورخ ۱۶ فروردین ماه ۱۳۶۷ [پنجم آوریل ۱۹۸۸] در پرونده امریکن فارم پرادکتس اینترنشنال، اینک و مهندسیین مشاور سیروس و دیگران (چاپ شده در 18 Iran-U.S. C.T.R. 175, 178-79) ("امریکن فارم پرادکتس"). در واقع، قسمت اعظم ادله و مدارک تسلیمی، این ادعای آقای باکمیر را نفی می‌کند که جی.ک.آی.- موبگ به نمایندگی صنایع نظامی قرارداد بسته است. سفارش خرید توسط جی.ک.آی.- موبگ داده شد. این سند سه صفحه‌ای حاوی هیچگونه اشاره‌ای، خواه تلویحی و خواه صریح، به صنایع نظامی نیست. ظاهراً شرایط عمومی [قرارداد] جی.ک.آی.- موبگ، که ایضاً متضمن شرط پذیرش نصب توسط جی.ک.آی.- موبگ است، پیوست سفارش بود. دیوان همچنین متذکر می‌شود که آقای اورورک در شهادتنامه خود اظهار داشته است که دستگاه‌های جمع‌آوری زباله قرار بود "مستقیماً" برای جی.ک.آی.- موبگ ارسال شود. در صورت وجود نواقص ترمیم نشده، جی.ک.آی.- موبگ حق داشت هزینه تعمیر را از مبلغ پرداختی به اچ‌ان‌بی کسر کند. در دفتر کل آقای باکمیر، اولین مبلغ دریافتی بابت قرارداد، تحت عنوان "پیش‌پرداخت (موبگ)" توصیف و برای مشخص کردن دریافت قسط چهل درصد بعدی بهای قرارداد توسط اچ‌ان‌بی، صرفاً "به موبگ" اشاره شده است. در دفتر کل، ذکری از صنایع نظامی در ارتباط با هیچیک از مبالغ دریافتی به عمل نیامده است. (۳)

(۳) حتی اگر احراز شده بود که صنایع نظامی به طور مستقیم به اچ‌ان‌بی پول پرداخت کرده، این امر الزاماً دال بر آن نیست که بین این دو واحد رابطه قراردادی مستقیم وجود داشته است. مقایسه شود با: صفحات ۶-۸ حکم شماره ۳-۱۸۵-۷، مورخ ۱۱ شهریورماه ۱۳۶۲ [دوم سپتامبر ۱۹۸۳] در پرونده جاس‌تی. مین اینترنشنال، اینک و مهندسیین مشاور مهاب و دیگران (چاپ شده در 3 Iran-U.S. C.T.R. 270, 273-4) ("جاس‌تی. مین").

۷۵ - بنابراین، سابقه امر موعد این نتیجه‌گیری است که سفارش خرید رابطه‌ای قراردادی بین اچ‌ان‌بی به عنوان پیمانکار جزء و جی.ک.آی.- موبگ به عنوان پیمانکار ایجاد کرده است. این واقعیت که جی.ک.آی.- موبگ در عقد قرارداد به نفع صنایع نظامی عمل کرده، منافاتی با نقش وی به عنوان پیمانکار مستقل ندارد. در واقع، همانطور که دیوان در صفحه ۱۴ قرار اعدادی شماره ۱۰۴۳ دیوان عمومی، مورخ ۱۸ آذرماه ۱۳۶۱ [نهم دسامبر ۱۹۸۲] در پرونده اویل فیلد آو تکزاس اینک و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران (چاپ شده در 1 Iran-U.S. C.T.R. 347, 357) خاطرنشان ساخته، انجام خدمات به دستور یک طرف و کسب سود برای طرف دیگر در طبیعت پیمانکاری است.

۷۶ - یک اصل مسلم اینست که معمولاً پیمانکار دست دوم حق مستقیمی علیه طرفی که پیمانکار [اصلی] با وی قرارداد منعقد کرده، ندارد. بنگرید به: صفحه ۸ حکم شماره ۷۰-۱۸۵-۳ در پرونده جاس تی. مین، چاپ شده در 3 Iran-U.S. C.T.R. at 274. مدلل نشده است که

اوضاع و احوال پرونده حاضر چنانست که قابل شدن استثناء بر این اصل را ایجاب کند. اچ‌ان‌بی قبول کرد که طرف قرارداد، جی.ک.آی.- موبگ خواهد بود و قاعدتاً می‌دانسته که ناچار است برای دریافت وجه به همان سازمان مراجعه کند. ادعای قراردادی باکمیر علیه سازمان صنایع نظامی، مبنایی در سابقه پرونده ندارد.

۷۷ - آقای باکمیر ادعای خود را به نحو تخییری، بر مبنای فرضیه اجرت‌المثل مطرح ساخته که وجه تشابه با مفهوم داراشدن غیرعادلانه دارد. آقای باکمیر با اظهار این مطلب که "اچ‌ان‌بی طی سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹، به تقاضای ویژه خواننده، جمهوری اسلامی ایران، خدماتی به خواننده ارائه نمود و خدمات و کالاهایی به وی فروخت و خواننده موافقت کرد قیمت معقول آنها را به خواهان بپردازد"، مبلغ ۱۲،۵۸۹/۸۵ دلار تحت این عنوان مطالبه می‌کند. نامبرده رقم مزبور را به طریق

زیر محاسبه کرده است. در یک قرارداد نمایندگی فروش با مالتی - پک، مبلغ ۸۴۰ دلار سود بابت فروش هر دستگاه جمع آوری زباله مسلم بود. با محاسبه پنجاه و یک دستگاه تحویل شده تحت قرارداد، این رقم به ۴۲،۸۴۰/- دلار بالغ می‌شد. از آنجا که دریافتی اچ‌ان‌بی فقط ۲۴،۸۵۴/۵۰ دلار بیش از هزینه‌های واقعی خود بدون محاسبه سود بوده، لذا حسب ادعا صنایع نظامی هنوز مبلغ ۱۷،۹۸۵/۵۰ دلار به وی بدهکار است. ادعای آقای باکمایر بابت ۷۰ درصد این رقم است.

۷۸ - در واقع جی.ک.آی. - موبگ بود، و نه صنایع نظامی، که طبق قرارداد متعهد شده بود وجه دستگاه‌های جمع آوری زباله را به اچ‌ان‌بی بپردازد. ادله و مدارک موصوف در بند ۷۴ بالا، ظاهراً "حاکمی است که مبالغی که اچ‌ان‌بی طبق قرارداد دریافت کرد، در واقع توسط جی.ک.آی. - موبگ پرداخت شده بوده است. این فرض منطقی است که پیمانکار اصلی مزبور، به نوبه خود باید بهای دستگاه‌های جمع آوری زباله را از صنایع نظامی دریافت می‌کرد. لذا برای اینکه آقای باکمایر در ادعای خود بر مبنای اجرت‌المثل حاکم شناخته شود، باید به نحو رضایت بخشی برای دیوان ثابت کند که نه تنها قیمت دستگاه‌ها به طور کامل به اچ‌ان‌بی پرداخت نشده، بلکه صنایع نظامی نیز همان مبلغ را به جی.ک.آی. - موبگ پرداخت نکرده است. از آنجا که چنین دلیل و مدرکی ارائه نشده ادعای آقای باکمایر بر مبنای اجرت‌المثل باید رد شود. مقایسه شود با بند ۱۰ حکم شماره ۲-۱۹۰-۳۵۶ در پرونده امریکن فارم پرادکتس (چاپ شده در 179 C.T.R. Iran-U.S. 18).

(دو) قرارداد شرکت نوسازی

۷۹ - در تاریخ چهارم خردادماه ۱۳۵۶ [۲۵ مه ۱۹۷۷] اچ‌ان‌بی قراردادی با شرکت نوسازی منعقد کرد. شرکت نوسازی سازنده و پیمانکار اصلی پروژه اکباتان، طرح بزرگ خانه‌سازی در تهران بود. طبق اظهار خواهان، قرارداد شرکت نوسازی یکی از سه قرارداد وابسته بهم بود که شرکت نوسازی برای نصب دستگاههای جمع‌آوری زباله در هر یک از ۲۸۲ برج مسکونی پروژه اکباتان منعقد کرده بود. دو قرارداد دیگر، یکی با مالتی - پک سازنده دستگاه جمع‌آوری زباله در آمریکا و دیگری با یک شرکت ایرانی به نام شوتکو منعقد شده بود که قرار بود کانالهای زباله را ساخته و روی دستگاههای جمع‌آوری زباله نصب کند.

۸۰ - آقای باکمیر اظهار می‌دارد که به موجب یک موافقتنامه انحصاری نمایندگی فروش بین اچ‌ان‌بی و مالتی - پک، اچ‌ان‌بی ترتیبی داده بود که شرکت نوسازی ۲۸۲ دستگاه جمع‌آوری زباله از مالتی - پک خریداری نماید. طبق اظهار خواهان، برای اینکه قیمت خرید دستگاه‌ها و در نتیجه عوارض وارداتی آنها کمتر شود، طرفین موافقت کردند کمیسیون فروش متعلق به اچ‌ان‌بی را از قیمت خرید که شرکت نوسازی به مالتی - پک می‌پرداخت کسر نمایند. آقای باکمیر اظهار می‌دارد در آن قسمت از قرارداد شرکت نوسازی که مقرر شده است در برابر تحویل هر دستگاه جمع‌آوری زباله مبلغ ۷۹۲/۷۰ دلار به عنوان "پیش‌پرداخت" به اچ‌ان‌بی پرداخت شود، این مبلغ در واقع کمیسیون فروشی است که شرکت نوسازی موافقت کرده بود به ترتیب فوق به اچ‌ان‌بی پرداخت نماید. مبلغ فوق متعاقباً طبق اصلاحیه مورخ ۲۴ اسفندماه ۱۳۵۶ [۱۵ مارس ۱۹۷۸] به رقم ۸۳۶/۳۰ دلار افزایش یافت.

۸۱ - وظیفه اچ‌ان‌بی نصب دستگاههای جمع‌آوری زباله و هماهنگ کردن عوامل سه‌گانه

پروژه جمع آوری زباله بود. خواهان اظهار می دارد که طبق قرارداد، شرکت نوسازی باید مبلغ ۸۲۰/ـ دلار بابت نصب هر دستگاه جمع آوری زباله به اچ ان بی پرداخت می کرد. علاوه بر آن، طبق قرارداد ۵ درصد از مبلغ هر پرداخت، بابت ضمانت حسن انجام کار کسر می شد. حسب اظهار آقای باکمیر، چنانچه اچ ان بی قرارداد را نقض نمی کرد، وجوه مذکور ظرف شش ماه بعد از تحویل دستگاه های جمع آوری زباله، به آن مسترد می شد.

۸۲ - در تاریخ ۲۴ خردادماه ۱۳۵۶ [۱۴ ژوئن ۱۹۷۷] بانک تهران یک اعتبار اسنادی به مبلغ ۱،۲۳۷،۶۹۸/ـ دلار برای فروش دستگاه های جمع آوری زباله به نفع مالتی - پک افتتاح کرد. خواهان یک نسخه از اعتبار اسنادی مذکور و نیز پروفرمای مربوط به آن را تسلیم کرده است. یادداشتهای ظهر اعتبار اسنادی حاکی است که از تاریخ ۲۶ آبانماه ۱۳۵۶ الی ۱۷ شهریورماه ۱۳۵۷ [۱۷ نوامبر ۱۹۷۷] الی هشتم سپتامبر ۱۹۷۸] ده بار و جمعا" مبلغ ۱،۱۸۴،۹۸۵/ـ دلار از این اعتبار اسنادی برداشت شده است. به طوری که آقای اورورک رئیس مالتی - پک در شهادتنامه خود تأیید کرده این امر مبین آنست که مالتی - پک تعداد ۲۷۰ دستگاه جمع آوری زباله را حمل و بهای آن را دریافت کرده است.

۸۳ - آقای باکمیر خاطرنشان می سازد که متعاقب تحویل این دستگاه های جمع آوری زباله به شرکت نوسازی، "مشاوران اچ ان بی مقدار زیادی کار انجام دادند و حقشان بود که حقوق خود را طبق قرارداد دریافت نمایند". اچ ان بی کمیسیون فروش خود را بابت ۲۷۰ دستگاه جمع آوری زباله از شرکت نوسازی دریافت کرد و آخرین پرداخت آن در سپتامبر ۱۹۷۹ انجام گرفت. آقای باکمیر اظهار می دارد که "کارهای موضوع سه قرارداد مزبور به خوبی پیش می رفت... تا اینکه انقلاب ایران به وقوع پیوست و شرکت نوسازی به قراردادش وفادار نماند" و "رویدادهای انقلاب باعث شد که ۱۲ دستگاه دیگر جمع آوری زباله فرستاده نشود". طبق اظهار خواهان، حتی

پس از آنکه شرکت نوسازی تحت کنترل دولت ایران در آمد، وی مناسبات خود را با آقای فخامی کارمند شرکت نوسازی همچنان ادامه داد اما اوضاع مآلاً وی را وادار کرد که در اواخر نوامبر ۱۹۷۹ ایران را ترک کند.

۸۴ - آقای باکمایر براساس کارهایی که اچان بی حسب ادعا تا آن تاریخ انجام داده بود و نیز براساس این ادعا که شرکت نوسازی قرارداد را نقض کرده، یک رشته دعاوی مشخص علیه شرکت نوسازی اقامه کرده است. اول آنکه، نامبرده مدعی ۵ درصد کسوری است که حسب ادعا شرکت نوسازی از مبلغ ۸۳۶/۳۰ دلار بابت هر یک از ۲۷۰ دستگاه جمع آوری زباله که به اچان بی پرداخت کرده، کسر کرده است. خواهان اظهار می دارد که طبق قرارداد "این مبلغ می بایست شش ماه بعد از تحویل، به اچان بی پرداخت می شد". سهم آقای باکمایر که معادل ۷۰ درصد از مبلغ فوق است بالغ بر ۷،۹۰۳/۰۴ دلار می شود.

۸۵ - ادعای دوم مربوط به تغییرات سیم پیچی دستگاهها است که حسب ادعا اچان بی انجام داده است. طبق اظهار آقای باکمایر، اچان بی در حین نصب دستگاههای جمع آوری زباله متوجه شد که بر اثر اشتباه مهندسین شرکت نوسازی در تهیه مشخصات فنی، دستگاههای مزبور برای برق ۲۲۰ ولت سیم پیچی شده و در نتیجه با سیستم ۳۸۰ ولت که در ایران به کار می رفت، تناسب ندارد. آقای باکمایر اظهار می دارد که متعاقب تقاضای شفاهی آقای فخامی، وی تغییرات لازم را در مورد ۲۹ دستگاه اولیه انجام داد. خواهان ۲،۵۳۷/۵۰ دلار بابت سهم ۷۰ درصد خود از مبلغ معوقه مذکور برای کارهای انجام شده فوق مطالبه می نماید. وی همچنین خواستار ۳،۷۹۵/۷۵ دلار سهم خود از سودی است که اگر اجازه داده می شد تعویض سیم پیچی ۲۴۱ دستگاه تحویل شده دیگر انجام شود، عاید اچان بی می گردید.

۸۶ - مضافاً، آقای باکمیر اظهار می‌دارد "به علت تغییر مدیریت شرکت نوسازی در زمان انقلاب و هرج و مرج در آن زمان، شرکت نوسازی دستگاههای جمع‌آوری زباله را پس از تحویل و قبل از اتصال در محل امن و سرپوشیده‌ای نگهداری ننمود. در نتیجه، بعضی از دستگاهها به مقدار معتنابهی به علت عوامل جوی و تخریب آسیب دیدند". طبق اظهار خواهان، قصور شرکت نوسازی باعث شد که اچ‌ان‌بی ۲۴۱ نفر - ساعت صرف تعمیر و تعویض قطعات ۲۹ دستگاه اولیه کند. آقای باکمیر نسخ صورتحسابهای تعمیراتی را که برای شرکت نوسازی ارسال شده بود تسلیم کرده و از این بابت مبلغ ۲،۱۵۳/۱۶ دلار به عنوان سهم خود از مبلغ قابل پرداخت به اچ‌ان‌بی مطالبه می‌کند. علاوه بر آن، وی خواستار ۳،۲۱۸/۸۰ دلار به عنوان سهم خود از سودی است که بابت تعمیر ۲۴۱ دستگاه باقیمانده عاید اچ‌ان‌بی می‌گردید "اگر شرکت نوسازی قرارداد را نقض نکرده و اجازه داده بود که اچ‌ان‌بی وظایف قراردادی خود را کاملاً اجرا نماید".

۸۷ - خواهان اظهار می‌دارد که علیرغم مشکلات زیادی که در کارگاه اکباتان وجود داشت، اچ‌ان‌بی توانست نصب ۲۹ دستگاه اولیه جمع‌آوری زباله را تکمیل نماید. به طوری که آقای فخامی طی یک اظهاریه محضری تأیید کرده، سیستمهای مذکور در پایان آوریل ۱۹۷۹، کاملاً قابل بهره‌برداری بوده‌اند. ادعای چهارم آقای باکمیر، به مبلغ ۱۶،۶۴۶/- دلار بابت سهم خود از حق‌الزحمه نصب دستگاههای مزبور است که طبق قرارداد به اچ‌ان‌بی تعلق می‌گرفت. خواهان علاوه بر آن، اظهار می‌دارد که اگر اچ‌ان‌بی اجازه می‌یافت ۲۵۳ دستگاه باقیمانده را نصب نماید، مبلغ ۲۰۷،۴۶۰/- دلار دیگر طبق قرارداد بابت حق‌الزحمه نصب دریافت می‌نمود. براساس محاسبه مبلغ ۱۶۰/- دلار به عنوان سود خالص اچ‌ان‌بی بابت هر دستگاه، آقای باکمیر مبلغ ۲۸،۳۳۶/- دلار به عنوان سهم خود از مبلغ خالص عدم‌النفع، مطالبه می‌کند.



۸۸ - آقای باکمایر همچنین ۶،۶۵۸/۶۸ دلار بابت کمیسیون فروشی مطالبه می‌کند که در صورت تحویل ۱۲ دستگاه جمع‌آوری زباله باقیمانده توسط مالتی - پک، به وی تعلق می‌گرفت. علاوه بر آن، خواهان حقوق معوقه و وامهایی را مطالبه می‌کند که حسب ادعا به اچ‌ان‌بی پرداخت نموده و قرار بود اچ‌ان‌بی آن را "از سود حاصل از قراردادهای خود... اگر انقلاب ایران باعث نقض قراردادها نمی‌شد" مسترد دارد. (۴)

۸۹ - شرکت نوسازی اظهار می‌دارد که هرگز مانع تحویل و نصب دستگاههای جمع‌آوری زباله نشده و استدلال می‌کند که اظهارات آقای باکمایر در این زمینه با ادعای وی در مورد تعمیر و تغییر تعدادی از این دستگاهها متضاد است. طبق اظهار خواننده، هیچ مدرکی در تأیید این ادعا که عملیات خواهان در ایران با موانعی مواجه شد، ارائه نشده است. شرکت نوسازی اظهار می‌دارد که آقای باکمایر کار خود را بدون آنکه اخراج شود ترک کرده و در نتیجه مستحق دریافت هیچ عدم‌النفعی نمی‌باشد و نیز متذکر می‌گردد که اگر خواهان، بگفته خودش، کمیسیون فروش از شرکت نوسازی دریافت کرده، دیگر دلیلی وجود ندارد که قبول کنیم برای سایر کارهایی که اچ‌ان‌بی انجام داده، وجهی دریافت نکرده باشد.

۹۰ - شرکت نوسازی خاطرنشان می‌سازد که کسور حسن انجام کار فقط در صورتی قابل استرداد بود که اچ‌ان‌بی کار خود را به طور رضایتبخشی انجام می‌داد. خواننده

(۴) خواهان همچنین اظهار می‌دارد که چون وی واسطه سفارش شرکت نوسازی به شوتکو بوده بنابراین طبق قرار با آقای صرافیان مالک شوتکو، مستحق به دریافت ۱۰ درصد از دریافتی ناخالص شوتکو است و براساس قرارداد منعقد شده بین شرکت نوسازی و شوتکو سهم خود را به مبلغ ۷۱۹/۹۴، ۱۴۰، دلار محاسبه کرده است. وی با ادعای اینکه بر اثر انقلاب از دریافت این مبلغ محروم شده معادل آن از دولت ایران ادعای خسارت کرده است. لیکن همانطور که در بند ۲۶ فوق اشعار گردیده، دیوان این بخش از ادعای آقای باکمایر را به دلایل شکلی مندرج در آن بند، رد کرده است.

استدلال می‌کند که براین اساس، ادعای خواهان دایر بر اینکه دولت ایران مانع انجام کار وی شده با ادعای بازپرداخت کسور حسن انجام کار، تضاد پیدا می‌کند. در مورد تغییراتی که اچ‌ان‌بی انجام داده، شرکت نوسازی اظهار می‌دارد که "در اینمورد نیز نه قراردادی ارائه نموده‌اند و نه دستوری که حکایت از موافقت یا خواست شرکت نوسازی بنماید در دست می‌باشد، لذا محاسباتی که [خواهان] پیش خود معمول داشته و از این طریق مبالغی به عنوان طلب خود به رشته تحریر در آورده‌اند، قابل ترتیب اثر و توجه نمی‌باشد و محکوم به رد است". به علاوه، خوانده اظهار می‌دارد همانطور که آقای فخامی در شهادتنامه خود اظهار کرده، وی به عنوان معاون بازرگانی شرکت نوسازی، فاقد صلاحیت "صدور دستورات فنی برای تغییر و اصلاح بوده است". از آنجا که آقای فخامی حسب ادعا بعد از انقلاب از کار برکنار شده، شرکت نوسازی شهادتنامه وی را بی اعتبار می‌داند.

۹۱ - در مورد تعمیرات نیز شرکت نوسازی اظهار می‌دارد که آقای باکمیر به استناد هیچ قراردادی اقدام به تعمیر نکرده است. شرکت نوسازی متذکر می‌گردد که به فرض که اچ‌ان‌بی متعهد به نصب دستگاههای جمع آوری زباله بوده، این دستگاهها در اختیار خواهان قرار داشت و در نتیجه اگر خسارتی بدانها وارد شده، اچ‌ان‌بی مسئول بوده آنها را به هزینه خود تعمیر کند.

۹۲ - در مورد ادعای آقای باکمیر بابت حق الزحمه نصب ۲۹ دستگاه جمع آوری زباله، شرکت نوسازی اظهار می‌دارد "اساساً" دستگاهی به خواهان تحویل نشده تا وی آن را نصب نموده و مستحق دریافت وجهی باشد". شرکت نوسازی ضمن تسلیم یک نسخه از قرارداد بین خود و شوتکو استدلال می‌کند که این شرکت شوتکو بود که متعهد به نصب دستگاهها شده بود و نه اچ‌ان‌بی. در عین حال، شرکت نوسازی ادعای متقابلی به مبلغ ۹۶۹،۶۲۲،۵۰۰/- ریال علیه آقای باکمیر بابت سهم وی از جریمه دیرکرد قراردادی اقامه کرده است که حسب ادعا به دلیل قصور اچ‌ان‌بی در نصب ۲۵۳ دستگاه جمع آوری زباله تعلق گرفته است.

۹۳ - شرکت نوسازی مخالف این اظهار خواهان است که طرفین قرارداد شرکت نوسازی در نظر داشتند که اولین قسط آن قرارداد را بابت کمیسیون فروش اچان بی منظور نمایند. بگفته خواننده، قرار بود مبلغ ۷۹۲/۷۰ دلار "بابت پیش پرداخت بعد از تحویل هر دستگاه و بقیه پس از نصب هر دستگاه و تأیید صحت آن از طرف کارفرما به اچان بی پرداخت شود". شرکت نوسازی مدعی است که مبلغ ۱۶،۶۵۷،۵۶۰/- ریال به اچان بی پرداخت کرده و براین اساس، دومین ادعای متقابل خود را به مبلغ ۱۱،۶۶۰،۲۹۲/- ریال بابت سهم ۷۰ درصد آقای باکمیر از مبلغ فوق، مطرح می کند. شرکت نوسازی اظهار می دارد که "وی [آقای باکمیر] باید این مبلغ را مسترد دارد زیرا وی هیچ کاری که نامبرده را مستحق دریافت آن کند، انجام نداده است".

۹۴ - خواننده در توضیح راجع به سومین ادعای متقابل خود علیه آقای باکمیر اظهار می دارد که:

مبلغ ۵،۸۵۶،۶۹۹/- ریال بابت سهم ۷۰ درصد آقای باکمیر از مبلغ ۸،۳۶۶،۷۱۳/- ریال سود تضمین شده و کلرمزد پرداختی شرکت نوسازی به بانک در مورد مبلغ یاد شده در بند دوم این قسمت می باشد که آقای باکمیر مبلغ مزبور را باید بپردازد.

و بالاخره، شرکت نوسازی بابت مبلغ دعاوی متقابل خود بهره مطالبه و درخواست می نماید که هزینه های حقوقی که در این پرونده متحمل شده به وی بازپرداخت شود.

۹۵ - دیوان بدواً به دعاوی آقای باکمیر بابت عدم النفع می پردازد. مبنای دعاوی فوق این استدلال است که شرکت نوسازی قرارداد را نقض کرده و بدین ترتیب مانع آن شده است که وی مبالغ فوق را تحصیل نماید. لیکن، دیوان متذکر می گردد که در سوابق پرونده مدارک مستقیم چندان دانی دائر بر نقض اصولی [قرارداد] وجود ندارد. (۵)

(۵) مشخص ترین ادعای خواهان اینست که از ادامه کار وی و اچان بی "در بهار سال ۱۹۷۹ ممانعت شد و آنان اجازه بازگشت نیافتند". لیکن آقای باکمیر دلایل کافی در مورد نقش شرکت نوسازی در این زمینه ارائه نکرده است. دیوان به این اظهار آقای باکمیر که شرکت نوسازی مبالغ قابل پرداخت قراردادی را حتی در سپتامبر ۱۹۷۹ به وی پرداخت کرده، توجه دارد.

آقای باکمیر وقتی صحبت از اغتشاشات سیاسی، اختلالات، مشکلات، تاخیرات و سوء مدیریت می‌کند از اظهاراتش چنین برمی‌آید که در واقع اثرات نامساعد انقلاب ایران در اجرای قرارداد شرکت نوسازی را بر طرفین توصیف می‌نماید. خواهان هیچ مورد مشخصی را مدلل نکرده است که اثرات فوق جنبه فورس‌ماژور طبق روابط قراردادی طرفین نداشته باشد. (۶) در نتیجه، دیوان دعاوی آقای باکمیر را بابت عدم النفع طبق قرارداد شرکت نوسازی رد می‌کند. به همان دلیل، دیوان دعاوی وی را بابت حقوق پرداخت نشده و وام‌های معوقه و کمیسیون مربوط به فروش ۱۲ دستگاه تحویل نشده نیز مردود می‌شمارد. همانطور که خواهان خود اظهار می‌دارد "تحولات سیاسی مانع ارسال محمولات بعدی گردید".

۹۶ - ادعای آقای باکمیر بابت حق‌الزحمه تغییرات ۲۹ دستگاه جمع‌آوری زباله، این سؤال را مطرح می‌کند که مسئولیت نادرست بودن مشخصات دستگاه‌ها به عهده کدام یک از طرفین بوده است. با آنکه در قرارداد آمده است که اچ‌ان‌بی باید دستگاه‌های جمع‌آوری زباله را طبق طرح تفصیلی و مشخصات فنی پیشنهادی خود اچ‌ان‌بی نصب نماید، معیناً خواهان اظهار می‌دارد که مهندسان شرکت نوسازی مرتکب اشتباه در مشخصات شده‌اند. آقای باکمیر در پاسخ به سؤالی از طرف دیوان در این خصوص توضیح داد که وی نسخه اطلاعات مربوط به دستگاه‌های جمع‌آوری زباله را به مهندسان شرکت نوسازی داد و سپس آنان مشخصات خود را مستقیماً برای مالتی - پک در ایالات متحده ارسال داشتند. در جلسه استماع،

(۶) هنگامی که در جلسه استماع سؤال شد که چه اقدامات مشخصی از ناحیه شرکت نوسازی مانع نصب دستگاه‌های جمع‌آوری زباله توسط اچ‌ان‌بی شد، آقای باکمیر پاسخ داد که شرکت نوسازی دچار اعتصابات شده بود و کار دیگری به اچ‌ان‌بی ارجاع نکرد.

خوانده اظهارات آقای باکمیر را در این مورد تصدیق کرد و این موضوع از طریق نامه‌ای که اچ‌ان‌بی در تاریخ ۲۶ اسفندماه ۱۳۵۷ [۱۷ مارس ۱۹۷۹] به شرکت نوسازی ارسال داشته نیز تأیید می‌گردد. در آن نامه اظهار شده "مشخصات ۱۱ ب - ۲ شرکت نوسازی/اکباتان به شرکت مالتی - پک ارسال شده است". بنابراین دیوان قانع شده است که شرکت نوسازی مرتکب اشتباه در مشخصات شده است.

۹۷ - موضوع دوم اینست که آیا تغییرات دستگاه‌ها بدنبال توافقی بین اچ‌ان‌بی و شرکت نوسازی در آن خصوص انجام شد یا خیر. آقای فخامی شهادت داد که "امکان نداشت هیئت مدیره شرکت نوسازی را قانع کرد که انعقاد قرارداد جدیدی را با اچ‌ان‌بی در مورد تغییر دستگاه‌ها تصویب نماید، در نتیجه من از اچ‌ان‌بی درخواست کردم که امور مربوطه را انجام دهد و بعداً که بتوان تأییدیه هیئت مدیره را کسب کرد، شرکت نوسازی وجه آن را پرداخت خواهد کرد". با آنکه توضیحات آقای فخامی حاکی از آنست که تأییدیه هیئت مدیره صرفاً جنبه تشریفاتی داشته و شهادتنامه بعدی وی حاکی است که وی در موقعیتی بوده که بتواند اجازه پرداخت صادر نماید، معهداً اظهارات فوق ناگزیر به این نتیجه می‌رسد که تغییراتی که آقای فخامی درخواست کرده، قراردادی بین شرکت نوسازی و اچ‌ان‌بی به وجود نیاورد.

۹۸ - با توجه به مراتب فوق، این سؤال پیش می‌آید که آیا خواهان می‌تواند براساس دیگری یعنی اصل داراشدن بلاجهت وجهی دریافت کند یا خیر. در صفحه ۲۸ حکم شماره ۱-۳۳-۱۳۵ مورخ اول تیرماه ۱۳۶۳ [۲۲ ژوئن ۱۹۸۴] صادره در پرونده سی - لند سرویس، اینکوریوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در 6 Iran-U.S. C.T.R. 149, 169 ("سی - لند")، دیوان اظهار کرده است که برای استناد به این اصل،

لازم است که یک طرف به ضرر طرف دیگر دارا شده و این هر دو باید

ناشی از پیامد همان عمل یا رویداد باشد. برای داراشدن باید توجیهی وجود نداشته و از طریق قرارداد یا طریق دیگر، وسیله‌ای در اختیار طرف زیان‌دیده نباشد که وی با استفاده از آن بتواند از طرفی که دارا شده مطالبه خسارت کند.

۹۹ - در پرونده لاک‌هید کورپوریشن و دولت ایران و دیگران (" لاک‌هید ") نیز که خواهان کارهایی را بدون وجود قراردادی انجام داده بود، دیوان همین ضابطه را به کار برد و نتیجه گرفت که:

هر نفعی که عاید [خوانده] شده، [خواهان] به زیان خود آن را به [خوانده] داده است. [خواهان] با تصمیم یکجانبه به ادامه خدمات، بدون آنکه با [خوانده] ترتیبات دیگری برای پرداخت بدهد، این خطر را که احتمال دارد در وصول حق‌الزحمه با اشکال مواجه گردد، پذیرفت. با اینکه احتمال داشته که ادامه کار تصمیم تجاری صحیحی باشد، ولی روشن است که [خواهان] با وجود آگاهی از خطرات موجود در ماههایی که به کار ادامه می‌داد، تا پس از متوقف شدن کار هیچ اقدامی با [خوانده] در جهت حل مسأله به عمل نیاورد. [خواهان] اکنون نمی‌تواند از عواقب ناگوار خطری که خود داوطلبانه پذیرفته شانه خالی کند و ادعا نماید که منتفع شدن [خوانده] از خدمات [خواهان] (که دلیلی در دست نیست که به تقاضای [خوانده] انجام گرفته)، خلاف انصاف و عدالت است.

بند ۲۳ حکم شماره ۲-۸۲۹-۳۶۷ مورخ ۱۹ خردادماه ۱۳۶۷ [نهم ژوئن ۱۹۸۸] چاپ شده در 18 Iran-U.S. C.T.R. 292, 309-10 .

۱۰۰ - دیوان متذکر می‌گردد که در پرونده لاک‌هید ، با آنکه قراردادی که خواهان به موجب آن با خوانده قبلاً همکاری می‌کرد منقضی شده بود، معهداً خواهان با این امید که قرارداد تجدید خواهد شد، کار خود را ادامه داد. برخلاف آن مورد، در پرونده حاضر چنین به نظر می‌رسد که اچ‌ان‌بی کارهای اضافی را به این دلیل بر عهده گرفت که در غیرآنصورت اشتباه مشخصات مانع از اجرای تعهدات وی تحت قرارداد می‌شد که در آن وقت، هنوز معتبر بود. اگر مدت قرارداد قبلاً منقضی شده بود، اچ‌ان‌بی باید عواقب نامطلوب خطری را که داوطلبانه تقبل کرده بود، قبول می‌کرد. لیکن، در اوضاع و احوال حاضر و با توجه به انتظاراتی که شرکت

نوسازی در چهارچوب روابط قراردادی خود با اچان بی داشت، دیوان منطقاً جایز می‌داند که اچان بی بابت تغییراتی که در ۲۹ دستگاه اولیه انجام داد، وجه دریافت نماید.

۱۰۱ - در اینکه اچان بی کارهای فوق را انجام داده، بحثی وجود ندارد. آقای باکمیر نسخه‌هایی از دو صورتحسابی را که اچان بی برای شرکت نوسازی صادر کرده تسلیم کرده است. صورتحساب اولی به تاریخ ۲۶ اسفندماه ۱۳۵۷ [۱۷ مارس ۱۹۷۹] و صورتحساب دومی بدون تاریخ است. در این صورتحسابها تغییرات انجام شده تشریح و به "اسناد قبولی آن بوسیله نماینده شرکت نوسازی" اشاره شده است. (۷) جمع کل صورتحسابهای اچان بی ۲۵۵،۹۲۵/- ریال و ۷۰ درصد آن که سهم خواهان است بالغ بر ۱۷۹،۱۴۷/۵۰ ریال می‌شود. دیوان معادل دلاری این مبلغ را به نفع خواهان حکم می‌دهد که با اعمال نرخ تبدیل هر دلار برابر با ۷۰ ریال بالغ بر ۲،۵۵۹/۲۵ دلار می‌شود. علاوه بر آن، دیوان مقرر می‌دارد که آقای باکمیر مستحق دریافت ده درصد بهره ساده در سال است که از تاریخ ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۱ ژوئن ۱۹۷۹] به مبلغ فوق تعلق می‌گیرد.

(۷) در صورتحساب مورخ ۲۶ اسفندماه ۱۳۵۷ [۱۷ مارس ۱۹۷۹] قید شده است که اچان بی با استفاده از "یک ترانسفورمر استپ - داون ۵۰۰ واتی خریداری شده" تغییرات را انجام داده است. سوابق پرونده حاوی نامه‌ای به تاریخ ۳۰ آبانماه ۱۳۶۰ [۲۱ نوامبر ۱۹۸۱] از آقای نیرمی به آقای باکمیر است که اشعار می‌دارد شرکت نوسازی "قبول کرده است که وجه ترانسفورمرها را پرداخت نماید". ادعای خواهان در این مورد به "کار واقعی سیم پیچی" مربوط می‌شود و همانطور که خواهان اظهار می‌دارد "تنها هزینه‌ای که اچان بی برای این کار متحمل شد حقوق تکنیسین بود".

۱۰۲ - در مورد ادعای آقای باکمایر بابت دستمزد تعمیر دستگاه‌ها، دیوان متذکر می‌گردد که طرفین درباره این که کدامیک مسئول نگهداری و حفاظت دستگاه‌های جمع‌آوری زباله پس از تحویل آنها به کارگاه بوده، اختلاف نظر دارند. قرارداد شرکت نوسازی شرطی در این زمینه ندارد. پروفرمای مورخ ۱۸ اسفندماه ۱۳۵۵ [نهم مارس ۱۹۷۷] اچ‌ان‌بی اشعار می‌دارد که "خریدار برای بیمه کلیه ضایعات و خسارات، کالاها را از کشور مبداء تا محل کارگاه اکباتان، بیمه خواهد کرد". از یک طرف، انتظار می‌رود که شاید وظیفه اچ‌ان‌بی به عنوان "هماهنگ کننده طرح" و "ادغام کننده کلیه سیستمها" شامل این مسئولیت باشد و از طرف دیگر، با توجه به ابعاد پروژه، دخالت پیمانکاران متعدد و موقعیت حساسی که کارفرما به عهده داشت، منطقی است که مسئولیت حفاظت و بیمه کارگاه را قابل انتساب به شرکت نوسازی دانست.

۱۰۳ - لیکن در نهایت امر ضرورتی ندارد که دیوان در این باره تصمیم بگیرد زیرا دیوان به این نتیجه رسیده است که صرفنظر از اینکه کدامیک از طرفین مسئولیت حفاظت دستگاه‌ها را بر عهده داشته، باز معقول آنست که خسارات وارده را معلول شرایط فورس‌ماژور دانست. همانطور که در صورتحسابهای تسلیمی مورخ ۲۶ اسفندماه ۱۳۵۷ و ۲۶ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۱۷ مارس و ۱۶ مه ۱۹۷۹] خواهان ذکر شده، بیشتر خسارات به علت تخریب و سرقت بوده است. اعتصابات کارگران شرکت نوسازی قاعدتاً باعث شده بود که کارگاه در مواقعی در اوایل ۱۹۷۹ بلاحفاظ باقی بماند.

۱۰۴ - همانطور که در مورد تغییرات صدق می‌کرد، تعمیرات انجام شده توسط اچ‌ان‌بی نیز شرط قبلی ایفای تعهدات این شرکت در قبال قرارداد شرکت نوسازی بود. بنابراین، شایسته است که اچ‌ان‌بی اجرت کارهایی را که به نفع شرکت نوسازی انجام داده، دریافت نماید. جمع کل صورتحسابهای اچ‌ان‌بی بالغ بر ۲۲۸،۶۵۰/- ریال



است. در جلسه استماع خواننده اظهار داشت که مبالغ پرداختی توسط شرکت نوسازی به اچ‌ان‌بی شامل صورتحسابهای فوق نیز می‌باشد. ولی در سوابق پرونده هیچ مدرکی دال بر این موضوع دیده نمی‌شود. دیوان حکم به پرداخت ۷۰ درصد از مبلغ صورتحسابها که سهم خواهان است، صادر می‌کند. براین اساس، آقای باکمایر محق به دریافت ۲،۲۸۶/۵۰ دلار می‌باشد. علاوه بر آن، دیوان مقرر می‌دارد که از تاریخ ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹] ده درصد بهره ساده در سال به مبلغ فوق تعلق می‌گیرد.

۱۰۵ - صورتحسابهای اچ‌ان‌بی بابت تغییرات و تعمیرات، و توضیحاتی که در آنها داده شده مدارک موجود از زمان اجرای قرارداد است که طبق ادعای آقای باکمایر ثابت می‌کند که اچ‌ان‌بی کارهای مربوط به نصب بیست و نه سیستم اولیه را به اتمام رسانده است. اما شرکت نوسازی اظهار می‌دارد که کار نصب دستگاههای جمع‌آوری زباله را به شوتکو سپرده بود نه به اچ‌ان‌بی. (۸) دیوان متذکر می‌گردد که در نامه مورخ ۱۴ آذرماه ۱۳۵۵ [پنجم دسامبر ۱۹۷۶] حاوی پیشنهاد اولیه اچ‌ان‌بی به شرکت نوسازی، نام شرکت کلارچ ایران با مسئولیت محدود، که شوتکو جانشین آن شد، به عنوان مسئول نصب ذکر شده است. در قرارداد بین شرکت نوسازی و شوتکو، که خواننده آن را تسلیم کرده، شرح وظایف شوتکو تاحدودی مبهم است ولی برعکس، قرارداد شرکت نوسازی به صراحت اچ‌ان‌بی را "مسئول عملیات نصب ۲۸۲ دستگاه جمع‌آوری زباله" قلمداد می‌کند. شرایط پرداخت قرارداد نیز به نصب

---

(۸) آقای نیرمی در نامه مورخ ۲۰ فروردین ماه ۱۳۶۱ [نهم آوریل ۱۹۸۲] خود به آقای باکمایر، عکس‌العمل آقای صرافیان، صاحب شوتکو را در این باره شرح داده است. طبق اظهار آقای صرافیان، این قبیل تعهدات "به اشتباه در قرارداد وی گنجانده شده است. وی در موقع امضاء قرارداد به این موضوع اشاره کرده ولی بدون آنکه توجهی به آن بکنند به وی گفته‌اند که این موضوع اهمیتی ندارد... وی توضیح داد که منظور از نصب، اتصال دستگاه جمع‌آوری زباله با کانالهای زباله است و من قرارداد شرکتان را ارائه کردم... البته جزئیات قیمتها که نشان نمی‌دهد هزینه‌های نصب در قرارداد وی منظور شده باشد، می‌تواند به وی کمک کند."

سیستمها اشاره دارد. اگر این کار به عهده شرکت نوسازی بود، بعید به نظر می‌رسد که اچ‌ان‌بی آن را انجام می‌داد. علاوه بر آن، دیوان متذکر می‌گردد که نامه مورخ ۱۴ آبان‌ماه ۱۳۵۶ [پنجم نوامبر ۱۹۷۷] حاوی پیشنهاد اچ‌ان‌بی در مورد پروژه صنایع نظامی نیز اشاره به نصب ۲۸۲ دستگاه جمع‌آوری زباله توسط اچ‌ان‌بی در پروژه اکباتان دارد. همچنین، دعاوی متقابل خواننده بابت جرایم دیرکرد و استرداد وجوهی که به اچ‌ان‌بی پرداخت شده مبتنی بر این فرض است که اچ‌ان‌بی طبق قرارداد مسئول نصب بود.

۱۰۶ - با بررسی ملاحظات فوق، دیوان قانع شده که اچ‌ان‌بی کار خود را طبق قرارداد شرکت نوسازی انجام داده است. با توجه به اشاراتی که در مورد قبولی سیستمها توسط نماینده شرکت نوسازی در صورتحسابهای اچ‌ان‌بی به عمل آمده و نیز با توجه به فقد مدارکی که حاکی از شکایاتی توسط شرکت نوسازی باشد و تأیید آقای فظامی که سیستمها کاملاً قابل بهره‌برداری بوده، دیوان نظر می‌دهد که خواهان به موجب قرارداد مستحق دریافت وجه است. براساس مبلغ ۸۲۰/ دلار بابت هر دستگاه، کل سهم آقای باکمیر بالغ بر ۱۶،۶۴۶/ دلار می‌شود. به‌علاوه، دیوان مقرر می‌دارد که از تاریخ ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹] ده درصد بهره ساده در سال به مبلغ فوق تعلق گیرد.

۱۰۷ - ادعای متقابل شرکت نوسازی برای استرداد سهم آقای باکمیر از وجوهی که به اچ‌ان‌بی پرداخت شده مستلزم بررسی مبنای این پرداختها است. خواننده با این اظهار خواهان مخالفت دارد که پرداخت مبالغ فوق روش باصرفه‌ای جهت پرداخت کمیسیون فروش بود که در قبال فروش دستگاههای جمع‌آوری زباله، به اچ‌ان‌بی تعلق می‌گرفت. طبق استدلال شرکت نوسازی "مسئله پیش‌پرداخت و کارمزد دو مسئله جداگانه است و نمی‌توان بجای کارمزد، پیش‌پرداخت یا بجای پیش‌پرداخت، کارمزد را به کار برد زیرا هر یک عنوان حقوقی خاص خود را دارد و قابل جایگزینی با یکدیگر

نمی‌باشد". (۹) قرارداد در واقع مقرر می‌دارد که قسط اول هر دستگاه جمع‌آوری زباله که تحویل شد "به عنوان پیش‌پرداخت نصب" به اچ‌ان‌بی پرداخت خواهد شد. (۱۰) از سوی دیگر، همانطور که در بند بعدی ذکر شده، سوابق پرونده همچنین حاوی ادله و مدارک متقنی حاکی از منظور از این پرداختها به شرح مندرج در شهادتنامه‌های آقای باکمایر و آقای اورورک از شرکت مالتی - پک و اظهاریه آقای فخامی می‌باشد و به نظر می‌رسد که این توضیحات با نقش اچ‌ان‌بی به عنوان مبتکر فروش و هماهنگ کننده پروژه سازگاری دارد.

۱۰۸ - به عنوان مثال، در پیشنهادی که اچ‌ان‌بی طی نامه مورخ ۱۴ آذرماه ۱۳۵۵ [پنجم دسامبر ۱۹۷۶] مطرح نمود، رویه مورد نظر برای تنظیم صورتحسابها به شرح زیر تشریح شده است:

با استفاده از روش شرکت مشاورین اچ‌ان‌بی برای تنظیم صورتحسابها می‌توان مبلغ معتدبایی به نفع شرکت نوسازی صرفه‌جویی کرد. شرکت مالتی - پک راضی شده است که فقط قیمت تهیه و ساخت و مخارج بالاسری را در صورتحساب بنویسد و مخارج عمومی، حق نمایندگی، مخارج بانکی و غیره را پس از ورود دستگاه‌ها به ایران محاسبه و دریافت کند.

(۹) دیوان متذکر می‌گردد که در عین حال، خواننده حین بحث درباره شهادتنامه آقای اورورک طبق عباراتی که خود به کار برده خاطر نشان می‌سازد که آقای اورورک تصدیق کرده است که "شرکت نوسازی کمیسیون فروش ۲۷۰ دستگاه را به آقای باکمایر پرداخت کرده است".

(۱۰) همینطور، آقای نیرمی در نامه مورخ چهارم تیرماه ۱۳۶۱ [۲۵ ژوئن ۱۹۸۲] خطاب به آقای باکمایر اظهار می‌دارد که "پیش از ۱۵ میلیون ریال به عنوان پیش‌پرداخت برای نصب دستگاه‌های جمع‌آوری زباله به ما پرداخت کرده‌اند". با اینحال وی در همین نامه از مبلغ دستمزد نصب دفاع کرده و آن را "گزاف" نمی‌داند زیرا اچ‌ان‌بی کمیسیونی از مالتی - پک دریافت نکرده است.

پروفورمای اچان بی نیز بین قیمت خرید دستگاههای جمع آوری زباله و هزینه های بعد از حمل، شامل "هزینه نصب و سایر هزینه های متحمله در ایران و قطعات کمکی"، تمایز قایل شده است. هزینه نصب مندرج در پیشنهاد اچان بی که در چندین مدرک دیگر موجود در پرونده تأیید می شود، با مبلغ دومین قسط قرارداد شرکت نوسازی مطابقت دارد. دیوان مضافاً متذکر می گردد با آنکه اوضاع و احوال موجود مانع آن شده بود که اچان بی بعد از تکمیل نصب بیست و نه سیستم اولیه در بهار ۱۹۷۹، حتی یک واحد دیگر از دستگاههای جمع آوری زباله را نصب نماید، مع هذا شرکت نوسازی پرداخت قسط اول را به اچان بی تا آخرین تحویلی که در سپتامبر آن سال انجام گرفت، ادامه داد.

۱۰۹ - با بررسی کلیه عوامل پیشگفته، دیوان می پذیرد که قرار بود قسط اول، کمیسیون فروش اچان بی را نیز دربر گیرد. علیرغم آنچه خواهان و آقای اورورک تلویحاً اظهار می دارند، این واقعیت که عقد قرارداد شرکت نوسازی در واقع قبل از امضاء قرارداد نمایندگی فروش اچان بی با مالتی - پک انجام گرفته، ناسازگار با نظر فوق نمی باشد. سوابق پرونده حاوی ادله و مدارک بسیاری است حاکی از آنکه پیشنهاد اچان بی و عقد قرارداد شرکت نوسازی مبتنی بر ترتیباتی بوده که آقای باکمیر با مالتی - پک داده بود. در نتیجه، چون دستگاههای جمع آوری زباله که شرکت نوسازی بابت آنها به اچان بی کمیسیون فروش پرداخت کرده تحویل شده اند، دیوان ادعای متقابل شرکت نوسازی را بابت استرداد سهم آقای باکمیر از مبالغ مزبور، رد می کند.

۱۱۰ - آقای باکمیر استدلال می کند که دیوان علاوه بر رد ادعای متقابل شرکت نوسازی بابت کمیسیون فروش، باید شرکت نوسازی را مکلف سازد که ۵ درصد از آن مبالغ را که به عنوان ودیعه نگاه داشته، مسترد دارد. خواهان اظهار می دارد که "طبق ماده ۴ قرارداد، این مبلغ باید شش ماه پس از تحویل به اچان بی پرداخت

می‌گردید". آقای باکمایر مشخصاً اظهار می‌دارد که "قرار بود این مبلغ پس از اینکه دستگاه‌های مزبور عملاً" به مدت ۶ ماه در کارگاه اکباتان قرار گرفت، به مشاوران اچ‌ان‌بی بازپرداخت شود نه ۶ ماه بعد از نصب".

۱۱۱ - لیکن دیوان متذکر می‌گردد که استدلال خواهان بر ترجمه نادرستی از قرارداد مبتنی است. طبق ترجمه انجام شده توسط بخش ترجمه دیوان، تضمین مندرج در ماده ۴، شامل اجرای صحیح کلیه کارها می‌گردد و تنها مربوط به دستگاه‌های جمع‌آوری زباله از زمان تحویل آنها به کارگاه نمی‌باشد. این ترجمه به وضوح، معقول تر از ترجمه‌ای است که خواهان ارائه کرده و خریدار را قادر می‌سازد که قبل از انقضای مدت ضمانت سیستمها را آزمایش کند و نه تنها شامل تحویل عملی دستگاه‌ها، بلکه شامل نصب آنها نیز که در قرارداد تعیین شده می‌گردد. با توجه به اینکه استدلال آقای باکمایر بر تفسیر نادرستی از قرارداد مبتنی است، دیوان تحت اوضاع و احوال ویژه این پرونده، مقتضی می‌داند که ادعای نامبرده را در مورد سهم خود از کسور رد نماید.

۱۱۲ - دیوان همچنین ادعای متقابل شرکت نوسازی را بابت جرائم دیرکرد رد می‌کند. همانطور که به دلایل مندرج در بند ۹۵ فوق، دعاوی خواهان بابت عدم النفع محکوم به رد است، خواننده نیز دلایلی ارائه نکرده تا بر آن اساس صدور حکمی به نفع وی به استناد نقض قرارداد توسط اچ‌ان‌بی، قابل توجیه باشد. علاوه بر آن، دیوان متذکر می‌گردد که قرینه‌ای در پرونده حاکی از شکایت شرکت نوسازی در زمان اجرای قرارداد وجود ندارد. بالاخره، با توجه به رد دعاوی متقابل، ادعای کلی شرکت نوسازی بابت کارمزد بانکی که در رابطه با پروژه متحمل شده، نیز باید رد شود.

(سوم) - قرارداد ایزیران

۱۱۳ - آخرین قراردادی که دیوان باید به آن رسیدگی کند، قراردادی است که اچان‌بی در تاریخ ۱۸ تیرماه ۱۳۵۷ [نهم ژوئیه ۱۹۷۸] با ایزیران منعقد کرده است. ایزیران (که مخفف اینفورمیشن سیستمز ایران است) یک سازمان دولتی ایران متعلق به شرکت صنایع الکترونیکی ایران است که برای ارتش ایران، کامپیوتر تهیه می‌کرد و خدمات پشتیبانی فنی، آموزشی و خرید انجام می‌داد. طبق شهادتنامه آقای چارلز اچ. هیوز، مدیر سابق بخش قراردادهای و حقوقی ایزیران که از ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۵ الی ۱۹ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۵ مه ۱۹۷۶ الی هشتم فوریه ۱۹۷۹] در استخدام ایزیران بود، شرکت مزبور به عنوان پیمانکار اصلی هر یک از نیروهای مسلح عمل می‌کرد و پیمانکاران فرعی مانند اچان‌بی را برای تدارک تجهیزات ویژه، خدمات نصب و دانش فنی استخدام می‌نمود.

۱۱۴ - خدماتی که قرار بود اچان‌بی تحت قرارداد ایزیران ارائه نماید مربوط به پروژه موسوم به سیستم لجستیکی اتوماتیکی کامپیوتری ("کلس") بود که ایزیران برای نیروهای زمینی شاهنشاهی ایران هماهنگ می‌کرد. (۱۱) طبق قرارداد مزبور، اچان‌بی باید برای ۱۴ انبار نظامی واقع در داخل یا نزدیکی شهرهای اصفهان، آبیک، مراغه، کرمانشاه و مشهد، محفظه، قفسه‌بندی و سیستم روشنایی تولید و نصب می‌کرد. پنج انبار اولیه باید تا تاریخ هفتم آذرماه ۱۳۵۷ [۲۸ نوامبر ۱۹۷۸] و مابقی تا هشتم اردیبهشت ماه [۲۸ آوریل] سال بعد، تکمیل می‌شد. کل مبلغ قرارداد بالغ بر ۱۸۰،۶۹۸،۰۰۰/- ریال بود که ۲۵ درصد آن را قرار بود

(۱۱) همچنین، رجوع کنید به: بند ۳ حکم شماره ۲-۱۰۰۸۷-۴۴۶ مورخ ۱۲ آبان‌ماه ۱۳۶۸ [سوم نوامبر ۱۹۸۹] صادره در پرونده ویلیام ری هالیفیلد و جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در 276, 277 C.T.R. Iran-U.S. 23.

اچان بی به عنوان پیش پرداخت در برابر ارائه ضمانتنامه بانکی دریافت نماید. ۷۵ درصد بقیه باید برحسب پیشرفت کار پرداخت می شد. علاوه بر آن، قرارداد مقرر می داشت که اچان بی یک ضمانتنامه حسن انجام کار معادل ۱۰ درصد مبلغ قرارداد، ارائه نماید. چنانچه اچان بی موفق به انجام تعهدات قراردادی خود نمی شد، ایزیران می توانست قرارداد را لغو و خسارات خود را از محل ضمانتنامه بانکی و ضمانتنامه حسن انجام کار، جبران نماید.

۱۱۵ - طبق اظهار آقای باکمیر، اچان بی پس از تهیه ضمانتنامه حسن انجام کار در تاریخ ۱۱ تیرماه ۱۳۵۷ [دوم ژوئیه ۱۹۷۸] اعتباری برای تأمین هزینه های مالی خود تحت قرارداد، دریافت نمود. اعتبار مذکور با وجوه پیش پرداختی معادل ۴۵،۱۷۴،۵۰۰/- ریال که ایزیران آن را در یک حساب امانی واریز نموده بود تضمین شد. اچان بی ماشین آلات جدیدی خریداری، کارخانه بزرگتری اجاره و مجهز کرد، ادوات لازم را برای تولید محفظه و قفسه بندی طبق مشخصات ایزیران تهیه نمود، و ترتیب خرید فولاد و رنگ را داد.

۱۱۶ - ولی، خواهان اظهار می دارد که "تقریباً" بلافاصله... از کارهای اچان بی تحت قرارداد ایزیران، توسط ایزیران، ارتش ایران و دولت ایران جلوگیری شد. حسب ادعا، چون کارمندان ارتش کلیدهای اشتباهی به ایزیران داده بودند، اچان بی ناچار شد از ۲۵ مردادماه تا پنجم شهریورماه ۱۳۵۷ [۱۶ تا ۲۷ اوت ۱۹۷۸] منتظر بماند تا بتواند کارهای نصب را آغاز نماید. خواهان اظهار می دارد که مأموران امنیتی پادگان، برخلاف تعهدات شفاهی ایزیران و علیرغم رویه معمول در مورد سایر پیمانکاران، اجازه نمی دادند که کارکنان اچان بی در طول مدت نصب در پادگان اقامت نمایند و در نتیجه باعث هزینه بیشتر و کاهش زمان کارآیی شدند.

۱۱۷ - طبق اظهار آقای باکمیر، ناآرامیهای سیاسی و اعتصاباتی که در آن مدت روی

می داد نیز شروع به مشکل کردن شرایط کار کرد. منطقه‌ای که کارخانه اچ‌ان‌بی در تهران در آن واقع بود از ۲۱ شهریورماه تا ۱۲ مهرماه ۱۳۵۷ [۱۲ سپتامبر تا چهارم اکتبر ۱۹۷۸] بدون نیروی برق بود. ظرف چهار ماه بعد نیز برق در فواصل غیرمنظم قطع می‌شد. در نتیجه بازده تولیدی اچ‌ان‌بی به ۲۵ درصد ظرفیت پیش‌بینی شده تقلیل یافت. حسب ادعا، مشکلات برق بر نصب محفظه و قفسه‌بندیهای اچ‌ان‌بی در انبارها نیز اثر گذاشت. خواهان اظهار می‌دارد "تقریباً" در تمام مدتی که در آبیگ کار می‌کردیم یعنی از سپتامبر ۱۹۷۸ الی فوریه ۱۹۷۹، انبار شماره ۲۳ که کار ما در آنجا بود با خاموشی مطلق برق روبرو بود". خاموشی برق مساعی اچ‌ان‌بی را برای نصب تجهیزات کاهش داد و آن شرکت را وادار کرد تا ژنراتورهای دیزلی قابل حمل خریداری نماید.

۱۱۸ - آقای باکمیر علاوه بر آن، اظهار می‌دارد که مأموران حفاظتی ارتش و پاسداران انقلاب از دسامبر ۱۹۷۸ به بعد به مدتهای طولانی از ورود کارکنان اچ‌ان‌بی به پادگان آبیگ جلوگیری می‌کردند. متعاقباً، طبق اظهار خواهان، پس از آنکه اچ‌ان‌بی چندین بار سعی کرد وارد پادگان شود و کار خود را از سر گیرد، "در تاریخ ۳۰ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ [۱۹ فوریه ۱۹۷۹] شورای انقلاب از ورود [آنها] جلوگیری کرد و گفت که برای ورود به محل باید نامه‌ای از نخست‌وزیری داشته [باشند]". در این فاصله، حسب ادعا، طبق اعلامیه دولت که اخراج کارگران را ممنوع می‌نمود، اچ‌ان‌بی همچنان حقوق تمام کارکنان خود را پرداخت می‌کرد.

۱۱۹ - اچ‌ان‌بی به دفعات از ایزیران درخواست کرد که اقدامات لازم را برای ایجاد امکان انجام کارهای قراردادی به عمل آورد. طبق اظهار آقای باکمیر، در طول بهار، تابستان و پائیز سال ۱۹۷۹، آقای نیرمی شریک آقای باکمیر و آقای میرفخرایی وکیل اچ‌ان‌بی هفته‌ای یک یا دو بار به دفاتر ایزیران مراجعه و نامه‌هایی جهت دریافت اجازه از سر گرفتن کار به اچ‌ان‌بی ارسال می‌کردند. مشخصاً، اچ‌ان‌بی



از ایزیران درخواست کرد که اجازه نامه ای را که ظاهراً ارتش به عنوان شرط اجازه ورود اچان بی به پادگان می خواست صادر نماید. لیکن، طبق اظهار خواهان، "هیچ نوع همکاری با او نشد". در تاریخ چهارم شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۶ اوت ۱۹۷۹] ایزیران به درخواستهای اچان بی پاسخ و اطلاع داد که نیازهای ارتش مورد بررسی قرار گرفته و بمجرد آنکه تصمیمی در آن باره اخذ گردد، مراتب به اطلاع اچان بی خواهد رسید.

۱۲۰ - طبق اظهار خواهان، این وضع پس از خروج خواهان از ایران در نوامبر ۱۹۷۹، همچنان ادامه داشت. آقای نیرمی و آقای میرفخرایی سعی می کردند که حق الزحمه کارهایی را که اچان بی انجام داده و نیز اجازه از سر گرفتن کار پروژه را دریافت نمایند. لیکن، چنین اجازه ای داده نشد. وضع قرارداد تا ۱۹ آذرماه ۱۳۵۹ [دهم دسامبر ۱۹۸۰] مبهم باقی ماند. در این تاریخ ایزیران با ضبط ضمانتنامه بانکی اچان بی، پیش پرداخت خود را پس گرفت. در تاریخ هفتم بهمن ماه ۱۳۵۹ [۲۷ ژانویه ۱۹۸۱] ایزیران طی ارسال یک اطلاعیه رسمی به اچان بی اطلاع داد که به لحاظ تأخیرهای غیرقابل توجیه در اجرای تعهدات مربوطه از ناحیه آن مؤسسه، قرارداد مربوطه منفسخ تلقی گردید.

۱۲۱ - خواهان استدلال می کند که ایزیران با رفتار مشروح در بندهای قبل، مرتکب نقض قرارداد شده است. طبق اظهار خواهان، اچان بی قبل از آنکه ایزیران مانع ادامه کار وی شود، ۴۰ درصد از کار نصب سیستم روشنایی ۱۲ انبار از ۱۴ انبار را تکمیل و محفظه و قفسه بندی انبار آبیگ را نصب کرده بود. حسب ادعا، اچان بی مبلغ ۱،۰۷۱،۱۹۵/- دلار صرف اجاره کارخانه، خرید تجهیزات و مواد خام، دستمزد و هزینه های اداری و نیز نصب سیستم روشنایی کرده بود. آقای باکمیر سهم خود از این هزینه ها را مطالبه می کند. وی همچنین خواستار سهم خود از عدم النفع ناشی از قصور ادعایی ایزیران است که مبلغ آن را ۲۵۶،۰۰۰/- دلار

محاسبه کرده، و نیز دستمزدی را که بر اثر قصور ایزیران نتوانست دریافت نماید، مطالبه می‌کند. علاوه بر آن، خواهان خواستار بهره‌ای به نرخ ۱۲ درصد در سال نسبت به مبلغ ادعاست.

۱۲۲ - ایزیران منکر آنست که مانع ورود اچ‌ان‌بی به کارگاه شده و از همکاری با اچ‌ان‌بی خودداری کرده است. ایزیران اظهار می‌دارد که "اصولا" ایزیران قرارداد شماره ۰۰۲ فیما بین را هرگز نقض ننموده، بلکه نقض قرارداد... از ناحیه مؤسسه اچ‌ان‌بی صورت پذیرفته است". ایزیران استدلال می‌کند که به استناد نقض ادعایی قرارداد بوسیله اچ‌ان‌بی، کاملا" حق داشته که پیش‌پرداخت خود را پس بگیرد و قرارداد را فسخ نماید.

۱۲۳ - خواننده به عنوان یک نکته مقدماتی اظهار می‌دارد که قرارداد "به صورت صحیحی که معمولاً باید باشد، منعقد نشده است". ایزیران در تأیید اظهارات خود به "نحوه عقد قرارداد بین مؤسسه‌ای که در زمان انعقاد آن جنبه غیرانتفاعی، آموزشی و مشاورتی داشت" و به "عدم توانایی و آمادگی و ضعف امکانات مؤسسه اچ‌ان‌بی در زمان انعقاد قرارداد" اشاره می‌کند. بگفته ایزیران، "مؤسسه‌ای که غیرتجاری است و هدف آن مشاوره‌ای است، نمی‌تواند و حق ندارد امور اجرایی را به عهده گیرد".

۱۲۴ - خواننده اظهار می‌دارد که اچ‌ان‌بی ضمانتنامه حسن انجام کار را که طبق قرارداد الزامی بوده ارائه نکرد. (۱۲) ایزیران خاطرنشان می‌سازد که "متعاقبا"، و

---

(۱۲) خواهان اظهار می‌دارد که اچ‌ان‌بی ضمانتنامه لازم را تسلیم کرد ولی ایزیران بعداً آن را عودت داد. دیوان متذکر می‌گردد که ارائه ضمانتنامه از نظر طرفین شرط قبلی انعقاد قرارداد بود که ایزیران مبادرت به امضاء آن کرد. ادله و مدارکی دایر بر اعتراض بعدی ایزیران نیز وجود ندارد.

پس از مدتها تاخیر مقادیری آهن آلات و ابزار اولیه کار از ناحیه مؤسسه اچان‌بی به محل کار در آبیگ ارسال گردیده است. خواننده مقدار کاری را که آقای باکمایر اظهار می‌دارد اچان‌بی انجام داده، قبول ندارد. در واقع، ایزیران اظهار می‌دارد که [خواهان] "نه تنها حتی یک انبار از مجموعه ۵ انبار را تکمیل و تحویل نداده، بلکه حتی مصالح و مواد اولیه مربوط به قفسه‌بندی و سیستم روشنایی را هرگز به شهرهای مراغه، اصفهان، مشهد و کرمانشاه حمل ننموده است". ادعای مربوط به انجام سرمایه‌گذاری مبالغ معتناهی از ناحیه اچان‌بی، بر فرض صحت، "دلیلی بر عدم توانایی و آمادگی و ضعف امکانات مؤسسه اچان‌بی در زمان انعقاد قرارداد و بعد از آن بوده است".

۱۲۵ - به نظر ایزیران، اچان‌بی دلیل قابل قبولی برای عدم اتمام پروژه ندارد. خواننده متذکر می‌گردد طبق قرارداد "تاریخ تکمیل و تحویل مذکور در فوق لااقل ۲ ماه و نیم قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بوده و تا تاریخ مذکور نیز هیچگونه بهانه یا شکایتی مبنی بر وجود مشکلات کاری از ناحیه مؤسسه اچان‌بی مطرح نشده" بود خواننده اظهار می‌دارد که آقای باکمایر "حداقل تا هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۲۷] آوریل ۱۹۷۹] هیچ اختطاری راجع به وجود مشکلات کاری نداده بود". در مورد نامه مورخ ششم اسفندماه ۱۳۵۷ [۲۵] فوریه ۱۹۷۹] اچان‌بی به ایزیران، که ایزیران مدعی است از وجود آن فقط وقتی مطلع شد که خواهان در جریان این دادرسی آن را به ثبت رساند، ایزیران استدلال می‌کند متن آن صرفاً "موعد اینست که اچان‌بی حداقل تا ششم اسفندماه ۱۳۵۷ [۲۵] فوریه ۱۹۷۹] در اجرای عملیات قراردادی خود با هیچ مشکلی روبرو نبوده است. خواننده اظهار می‌دارد که خواهان هیچ ادله و مدارکی در تأیید ادعای خود دایر بر اینکه از ورود اچان‌بی به انبارها جلوگیری شده، ارائه نکرده است. به‌علاوه، ایزیران اظهار می‌دارد که هیچگاه متعهد نبود برای پرسنل اچان‌بی مسکن تهیه کند، و همچنین خاطرنشان می‌کند که قرارداد کارفرما را ملزم به تأمین نیروی برق نکرده است.

۱۲۶ - خواننده اظهار آقای باکمیر را مبنی بر اینکه از دادن پاسخ به درخواستهای همکاری در مورد قرارداد امتناع کرده، رد می‌کند. طبق اظهار ایزیران، با توجه به تعهدات مندرج در قرارداد و تاخیرات حاصله در اجرای آن، شرطی راجع به درخواستهای مورخ ششم اسفندماه ۱۳۵۷ و هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۲۵ فوریه و ۲۷ آوریل ۱۹۷۹] اچ‌ان‌بی در مورد محل اقامت کارگران، مالیاتهای قرارداد و بازپرداخت قیمت مصالح وجود نداشت. در مورد نامه‌هایی که آقای میرفخرایی به ایزیران تسلیم نموده، ایزیران ضمن اعتراف به وصول این مکاتبات، استدلال می‌کند که "بلحاظ عدم ارائه وکالتنامه از طرف آقای میرفخرایی و نیز عدم احراز سمت وکالت مؤسسه اچ‌ان‌ام توسط مشارالیه، طبیعی است ایزیران نمی‌توانست پاسخی به تقاضاهای ایشان بدهد". طبق اظهار ایزیران، "حتی مؤسسه اچ‌ان‌بی نیز هرگز ایشان را به عنوان وکیل خود به ایزیران معرفی ننموده است". در مورد نامه‌های ارسالی توسط آقای نیرمی، ایزیران متذکر می‌گردد که اولین نامه یک ماه بعد از انقضای مدت تکمیل قرارداد، ارسال شد. خواننده همچنین اظهار می‌دارد که "در تاریخ غیر مشخصی در اوایل سال ۵۸، مؤسسه اچ‌ان‌بی نشانی قانونی خود را بدون اعلام آن به ایزیران تغییر می‌دهد، به طوری که عملاً امکان ارسال مکاتبات را از ایزیران سلب می‌نماید".

۱۲۷ - ایزیران خاطرنشان می‌نماید که اگر "قصد ایزیران بر هم زدن یا فسخ یک طرفه عملیات پیمان بود، به استناد ماده هشتم قرارداد و گذشت یک ماه از عدم انجام تعهد ایزیران می‌توانست اقدام به فسخ قرارداد و مطالبه جرائم تاخیر نماید". برعکس، ایزیران می‌گوید "تقاضای واریز ضمانتنامه بانکی را تا تاریخ ۵۹/۹/۱۹ معوق گذاشت، ولی با احراز عدم توانایی اچ‌ان‌بی در تحویل موضوع قرارداد، دلیلی برای ابقای آن وجود نداشت". خواننده اظهار می‌دارد که آخرالامر اختلافات مالی خود را با اچ‌ان‌بی از طریق مصالحه‌نامه مورخ ۱۷ شهریورماه ۱۳۶۲ [هشتم سپتامبر ۱۹۸۳]، که در بند ۵۲ الی ۵۵ فوق مورد بحث قرار گرفته، فیصله داد. ایزیران

متذکر می شود که به موجب مصالحه نامه مذکور، کلیه تجهیزات و لوازم اچان بی را به آقای نیرمی تحویل داده است. در جریان رسیدگی حاضر، ایزیران هزینه های حقوقی خود را مطالبه می کند.

۱۲۸ - بدین ترتیب، اختلاف طرفین بر محور اجرای قرارداد دور می زند و ایزیران و آقای باکمیر (اچان بی) هر کدام دیگری را متهم به نقض تعهدات قراردادی خود می نماید. لیکن، قبل از تحقیق درباره این موضوع، دیوان باید به استدلالات مقدماتی خواننده در مورد عقد قرارداد بپردازد. استدلال ایزیران اینست که اچان بی با توجه به وضع خود "به عنوان یک مؤسسه غیرتجاری مشاورین صنعتی و فرهنگی" حق نداشت وارد یک چنین معامله تجاری شود. به علاوه، ایزیران اظهار می دارد که اچان بی سرمایه کافی نداشت و در نتیجه "منطقاً" نمی توانست مسئولیتی "در قبال قرارداد" به عهده گیرد.

۱۲۹ - براین اساس، ظاهراً نظر ایزیران این است که قرارداد فاقد اعتبار بوده است. دیوان متذکر می گردد که خواننده هیچ توضیحی از نظر مبنای حقوقی این استنتاج خود نداده است. در غیاب چنین توضیحی، استدلال ایزیران صرفاً "به صورت یک اظهار نظر باقی می ماند. علاوه بر آن، نحوه عمل ایزیران حاکی از آن است که آن شرکت قرارداد را معتبر تلقی می کرده است. ایزیران در زمان عقد قرارداد، به اغلب احتمال از موقعیت اچان بی مطلع بود و مسلماً می بایست آگاه بوده باشد. آقای باکمیر طی نامه ای به تاریخ ششم تیرماه ۱۳۵۷ [۲۷ ژوئن ۱۹۷۸] به ایزیران پیشنهاد کرد که قرارداد بجای اچان بی، با یک شرکت تجاری وابسته به اچان بی منعقد گردد. در قرارداد به ماهیت غیرتجاری اچان بی و شماره ثبت آن شرکت اشاره شده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که ایزیران با امضای قرارداد، از هر ایرادی که به وضع اچان بی داشته، اعراض کرده است. انتقال پیش پرداخت و تسهیلاتی که متعاقباً ایزیران برای تسهیل کارهای اچان بی

فراهم کرد، موید این نتیجه‌گیری است. همچنین، رجوع کنید به: ص ۱۸ حکم شماره ۳-۴۰-۵۰ مورخ ۱۸ خردادماه ۱۳۶۲ [هشتم ژوئن ۱۹۸۳] صادره در پرونده آران. پامروی و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در 2 Iran-U.S. C.T.R. 372, 380 ("پامروی").

۱۳۰ - اکنون که دیوان درباره موضوع مقدماتی مطروح توسط خواننده به ترتیب فوق اعلام نظر نمود، به مسئله اجرای قرارداد توسط طرفین می‌پردازد. ایزیران علاوه بر رد ادعای خواهان دایر بر نقض قرارداد، استدلال می‌کند که در واقع این اچ‌ان‌بی بوده که با قصور در تکمیل کار طبق برنامه تحویل، تعهدات قراردادی خود را نقض کرده است. براین اساس، خواننده تلویحا اظهار می‌دارد که اچ‌ان‌بی در زمانی که درخواست همکاری کرد، خود در انجام وظایف خویش تاخیر کرده بود. ایزیران خاطرنشان می‌سازد که مدت‌ها قبل از آنکه بالمآل قرارداد را فسخ کرد می‌توانست ادعای جریمه دیرکرد بنماید.

۱۳۱ - آقای باکمپیر در عین حال که می‌پذیرد اچ‌ان‌بی وظایف خود را طبق برنامه زمانی قرارداد انجام نداده و بالمآل اجرای قرارداد نیمه تمام باقی مانده، هر نوع مسئولیت اچ‌ان‌بی را در این خصوص رد می‌نماید. علاوه بر عواملی که آقای باکمپیر (به شرح مندرج در بندهای ۱۱۶ الی ۱۱۹ فوق) به ایزیران منتسب می‌کند، خواهان ناآرامیهای سیاسی، اعتصابات و خاموشی برق را به عنوان دلایل تاخیرات حاصله از اواخر ۱۹۷۸ تا اوایل ۱۹۷۹ ذکر می‌کند. آقای میرفخرایی وکیل اچ‌ان‌بی طی نامه مورخ ۱۲ آذرماه ۱۳۵۹ [سوم دسامبر ۱۹۸۰] خطاب به مدیرعامل ایزیران به شرایط فورس‌ماژور نیز استناد می‌کند. در نامه مزبور تحت عنوان "فورس‌ماژور ناشی از اعتصابات عمومی در سال ۱۳۵۷"، چنین اشعار شده است:

توقف عملیات اجرایی پیمانها در نیمه دوم سال ۱۳۵۷ در سطح کشور اعم از بخش عمومی یا خصوصی به علت اعتصابات عمومی به شرح بخشنامه شماره ۲۴۷-۴-۱۰۴۴۱۵-۱ مورخ ۱۳۵۸/۲/۳ (فتوکپی پیوست) مورد تأیید سازمان برنامه و بودجه قرار گرفته است و در صورتی که شمول مدت شش ماه تمدید آن به قرارداد شرکت اچ‌ان‌بی منعقد با آن کارفرمای محترم مورد تردید باشد حداقل حاکی از حالت فورس‌ماژوری است که حاکم بر اجرای قراردادها در سطح کشور و از آنجمله قرارداد مورد نظر بوده است. جمهوری اسلامی ایران ناظر به کلیه قراردادهای منعقد در سال ۱۳۵۷ و تلویحا" موید فورس‌ماژوری است که موجب عدم اجرا و تحویل بموقع کار در سال ۱۳۵۷ گردیده است. از آنجا که به شرح فوق تأخیر در تحویل کار موضوع قرارداد منشأی خارج از اراده پیمانکار در انجام تعهدات خود دارد مشمول مقررات ماده سیزدهم قرارداد که برای طرفین لازم الاجراست می‌گردد.

۱۳۲- توضیحات آقای میرفرخایی با وضع عمومی اغتشاشات ایران که وجه مشخصه این کشور در ماههای پیش از پیروزی انقلاب است، مطابقت دارد. رجوع کنید به: بند ۱۰۲ حکم شماره ۳-۲۱-۵۲ مورخ هفتم

شهریورماه ۱۳۷۰ [۲۹ اوت ۱۹۹۱] صادره در پرونده ویلیام ج. لویت و جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در --

Iran-U.S. C.T.R. -- ("پرونده دوم لویت") که در آن از صفحه ۲۲ حکم شماره ۱-۳۳-۱۳۵

صادر در پرونده سی - لند، چاپ شده در 6 Iran-U.S. C.T.R. 165

نقل قول شده است. همانطور که دیوان در صفحه ۱۱ قرار اعدادی شماره ۲۴-۴۹-۲ مورخ پنجم مردادماه ۱۳۶۲ [۲۷ ژوئیه ۱۹۸۳] چاپ شده در 3

Iran-U.S. C.T.R. 147, 152-153 خاطرنشان ساخت، تا دسامبر ۱۹۷۸، اعتصابات، اغتشاشات، و سایر کشمکشهای داخلی در جریان انقلاب اسلامی، حداقل در شهرهای

بزرگ ایران شرایط کلاسیک فورس‌ماژور را بوجود آورده بود. همچنین، رجوع کنید به: بند ۸۱ حکم شماره ۳-۵۶-۳۱ مورخ ۲۳ تیرماه ۱۳۶۶ [۱۴ ژوئیه ۱۹۸۷]

صادر در پرونده آموکو اینترنشنال فایننس کورپوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در

Iran-U.S. C.T.R. 189, 212 . 15

۱۳۳ - با اینحال خواننده اظهار می‌دارد که اچ‌ان‌بی دلیل قابل قبولی برای تاخیراتی که در ابتدا رخ داد، ندارد. همانطور که در بند ۱۲۵ فوق ذکر شد، ایزیران اظهار می‌دارد که طبق قرارداد تاریخ تکمیل و تحویل بیش از ۲ ماه و نیم قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بوده و حداقل تا هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۲۷ آوریل ۱۹۷۹] اچ‌ان‌بی هیچ مشکلی را گزارش نکرده است. هیچکدام از این اظهارات درست نیست. برنامه زمانی تکمیل پروژه - رجوع کنید به: بند ۱۱۴ بالا - نشان می‌دهد که تاریخهای تحویل سیستمها درست در دوره‌ای است که دیوان قبلا "آن را به عنوان "دوران التهاب و بی نظمی قبل از انقلاب و مقارن انقلاب" شناخته است. صفحه ۲۵ حکم شماره ۱-۳۳-۱۳۵ صادره در پرونده سی - لند ، چاپ شده در 6 Iran-U.S. C.T.R. 166 . همچنین ، رجوع کنید به: صفحه ۱۵ حکم شماره ۱-۴۸-۱۹۷ مورخ هشتم آبانماه ۱۳۶۴ [۳۰ اکتبر ۱۹۸۵] صادره در پرونده توش راس اند کامپنی و جمهوری اسلامی ایران ، چاپ شده در 9 Iran-U.S. C.T.R. 284, 295 ، بند ۵۰ قرار اعدادی شماره ۳-۱۶۷-۶۵ مورخ ۱۹ آذرماه ۱۳۶۵ [دهم دسامبر ۱۹۸۶] صادره در پرونده آناگوردا - ایران، اینکورپوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران ، چاپ شده در 13 Iran-U.S. C.T.R. 199, 213 .

۱۳۴ - سوابق پرونده همچنین نشان می‌دهد که اچ‌ان‌بی در مورد مشکلاتی که در اجرای قرارداد با آن روبرو بوده، با ایزیران در تماس دایم بوده است. اچ‌ان‌بی در نامه مورخ ششم اسفندماه ۱۳۵۷ [۲۵ فوریه ۱۹۷۹] خود خطاب به ایزیران اظهار می‌دارد که اچ‌ان‌بی "طی چند هفته گذشته با آقای خالدی هر روز به طور شفاهی در تماس بوده است. طبق دستور نامبرده ما آماده و در انتظار دریافت دستور جهت مراجعت به کار بوده‌ایم". در ادامه نامه آمده است که "وقتیکه قرارداد ادامه یابد ما این مسایل و نیز سایر هزینه‌های اضافی در خور توجه را که طی آن مدت توام با مسایل و مشکلات متحمل شده‌ایم، بدون درخواست مبلغ اضافی، جبران



خواهیم کرد". و نیز اضافه شده که "به علت ناآرامیهای سیاسی از اعزام برق کاران خود به یک انبار در کرمانشاه و یک انبار در مشهد خودداری کردیم". نامه دیگر اچان‌بی به ایزیران به تاریخ هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۲۷ آوریل ۱۹۷۹] که آقای باکمایر تسلیم کرده، حاوی اشارات مشابهی است و "مشکلات شدیدی که مشاوران اچان‌بی در اثر ناآرامیهای سیاسی در مدت هشت ماه گذشته تحمل کرده‌اند" و "مشکلات خارجی متعدد و بدیهی که اچان‌بی در مورد اجرای قرارداد شماره ۰۰۲ متحمل گردیده است"، در آن ذکر شده است.

۱۳۵ - مطالب مندرج در اطلاعیه‌های اچان‌بی در آن زمان با اظهارات آقای هیوز کارمند سابق ایزیران تأیید می‌شود. شهادتنامه آقای هیوز حاوی مطالب زیر می‌باشد:

به نظر من، انقلاب ایران در ۱۷ شهریورماه ۱۳۵۷ [هشتم سپتامبر ۱۹۷۸] که حکومت نظامی اعلام شد شروع گردید. در مدت هشت ماه قبل از آن، مقداری ناآرامی سیاسی و اجتماعی وجود داشت که بتدریج مشکلاتی در عملیات تجاری عادی ایجاد کرد. بمحض اعلام حکومت نظامی وضع رو به وخامت گذاشت و از جمله اینکه اعتصابات و تظاهراتی رخ داد... اطلاع داشتم که در پاییز ۱۳۵۷ کار روی خیلی از پروژه‌های ایزیران از جمله پروژه کلس مختل شد. این اختلالات معلول اعتصابات، تظاهرات، قطع برق و عوامل دیگری بود که مستقیماً به ناآرامیهای سیاسی مربوط می‌شد.

۱۳۶ - با توجه به مطالب فوق، دیوان نتیجه می‌گیرد که شرایط فورس‌ماژور که در طول نیمه دوم سال ۱۹۷۸ و نیمه اول سال ۱۹۷۹ در ایران حاکم بود، بر اجرای قرارداد توسط اچان‌بی موثر بوده است. با توجه به این واقعیت که اچان‌بی این مشکلات را با ایزیران در میان گذاشته، اینکه در سوابق پرونده هیچ شکایتی از طرف ایزیران در آن زمان راجع به تاخیر در کار وجود ندارد، اعتبار ادعای آقای باکمایر را در مورد وجود شرایط فورس‌ماژور تأیید می‌کند. (۱۳)

(۱۳) اولین مکاتبه موجود در پرونده که طی آن ایزیران اظهار نارضایتی می‌کند، اطلاعیه فسخ قرارداد است که به تاریخ هفتم بهمن‌ماه ۱۳۵۹ [۲۷ ژانویه ۱۹۸۱] می‌باشد.

۱۳۷ - اینک پس از بررسی استدلال ایزیران مبنی بر اینکه اچ‌ان‌بی طرف متخلف است، دیوان به تحقیق درباره دعای خواهان در مورد نقض قرارداد می‌پردازد. با اینکه اهمیت پاره‌ای از دعای فوق، مانند امتناع ایزیران از دادن اجازه اقامت کارگران اچ‌ان‌بی در پادگان و قصور ایزیران در تأمین نیروی برق در انبارها (۱۴) را در چهارچوب روابط قراردادی طرفین می‌توان با تردید تلقی نمود، با اینحال چکیده مطالب آقای باکمیر این است که ایزیران مانع آن شد که اچ‌ان‌بی قرارداد را اجرا کند. واردترین ادعا در این باره، این اظهار آقای باکمیر است که ایزیران مانع ورود اچ‌ان‌بی به محل کار شد و این اظهاری است که خواننده آن را به عنوان "کذب محض" رد می‌کند. براین اساس، بررسی سوابق پرونده به شرح زیر، بر محور این موضوع دور می‌زند.

۱۳۸ - در نامه مورخ ششم اسفندماه ۱۳۵۷ [۲۵ فوریه ۱۹۷۹] اچ‌ان‌بی به ایزیران که وضع پروژه در آن تشریح شده نتیجه گرفته شده است که "مشاوران اچ‌ان‌بی بی‌صبرانه آماده و در انتظار دریافت دستورات ایزیران برای ادامه دادن کار قرارداد ارجاعی، می‌باشند". نامه بعدی که در پرونده موجود است، نامه مورخ هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۲۷ آوریل ۱۹۷۹] اچ‌ان‌بی است که اشاره به جلسه‌ای بین نمایندگان اچ‌ان‌بی، ایزیران و ارتش دارد. طبق این نامه، هدف از این جلسه "درخواست صدور اجازه برای پرسنل شرکت اچ‌ان‌بی بود تا بتوانند جهت ادامه کار نصب قفسه‌بندی و سیستم روشنایی در انبار شماره ۲۳ به پادگان آبیگ وارد شوند". اچ‌ان‌بی به ایزیران اطلاع داد که "سرهنگ دوم آدمیان شفاها" اجازه دادند که کار ادامه یابد و افراد مونتاژگر ما می‌توانند از ساعت ۷ بامداد تا ۷ بعد از ظهر و هفت روز در هفته مشغول به کار شوند". این نامه ادامه می‌دهد که "اچ‌ان‌بی پیشرفت رضایتبخشی داشت تا اینکه بلافاصله پس از انقلاب به پرسنل ما دستور داده شد که آبیگ را ترک کنند. اکنون از اینکه می‌توانیم به کار مراجعت نمایم خوشحال هستیم".

(۱۴) خدماتی که به نظر دیوان طبق مفاد قرارداد ایزیران موظف به ارائه آنها نبود.

۱۳۹ - ظاهراً" ایزیران به این نامه‌ها پاسخ نداد. در ۱۱ خردادماه ۱۳۵۸ [اول ژوئن ۱۹۷۹] اچ‌ان‌بی نامه‌ای به شرح زیر به ایزیران نوشت:

احتراماً" پیرو نامه‌های شماره ۲۵۰۲۷۹ مورخ ۲۵ فوریه ۱۹۷۹ و شماره ۰۴۲۷۷۹ مورخ ۲۷ آوریل ۱۹۷۹ این شرکت به شرکت ایزیران در مورد عدم امکان ادامه کار در آبیگ به شرح علل مندرجه در نامه‌های مذکور و با توجه به اینکه مدت غیرمعارفی از زمان تقدیم نامه‌ها به آن شرکت محترم می‌گذرد و آن شرکت هیچگونه اقدامی در مورد خواسته‌های این شرکت ننموده و حتی نامه‌های فوق‌الذکر تاکنون بلاجواب مانده است، خواهشمند است بیشتر موجبات تضرر این شرکت را فراهم نساخته و دستور فرمایند نسبت به رفع موانع مذکور به منظور ادامه کار اقدام مقتضی معمول و مراتب را به این شرکت علام فرمایند.

بعد از آنکه نامه فوق نیز بی جواب ماند، اچ‌ان‌بی طی نامه مورخ ۲۲ مردادماه ۱۳۵۸ [۱۳ اوت ۱۹۷۹] با لحن صریحتری موضوع را مجدداً یادآوری کرد. نامه مزبور به شرح زیر است:

احتراماً" پیرو تقاضای شماره ۴۲۷۸۰ مورخ ۵۸/۳/۱۱ مبنی بر فراهم نمودن امکان اجرای قرارداد مورخ ۳۷/۴/۱۱ منعقد بین این شرکت و شرکت ایزیران مراتب نیز شفاهاً در مذاکراتی که با حضور وکیل این شرکت آقای دکتر مرفخرایی و آقای احمدزاده سرپرست اداره حقوقی و قراردادهای ایزیران با آن مدیریت عامل انجام گرفت به عرض رسید به اطلاع می‌رساند که چون متأسفانه پس از ۸ ماه هیچگونه ترتیب اثری از طرف شرکت ایزیران داده نشده در تاریخ ۵۸/۵/۲ را "سا" و مجدداً" به فرمانده پادگان آبیگ سرکار سرهنگ طهماسب و سرکار سرهنگ ۲ دفتریان مسئول امر در اینمورد مراجعه گردید با وجود احتیاج مبرمی که پادگان مزبور به قفسه‌بندی انبارهای مورد نظر در قرارداد دارد، ولی مجوز کتبی آن شرکت را در مورد ادامه کار این شرکت لازم می‌دانند. علیهذا مراتب به منظور صدور اجازه‌نامه مورد نظر مجدداً" اعلام می‌گردد. خواهشمند است این شرکت را از نتیجه امر مطلع سازند.

۱۴۰ - در تاریخ چهارم شهریورماه ۱۳۵۸ [۲۶ اوت ۱۹۷۹] قسمت قراردادهای و حقوقی ایزیران بالاخره پاسخی به شرح زیر به اچ‌ان‌بی داد:

احتیاجات و نیازهای نیروی زمینی جمهوری اسلامی و دیگر ارگانهای ارتش تحت بررسی است و تا این تاریخ اعلامی درخصوص احتیاجات در برنامه آتی انجام پذیرفته است، بدیهی است، بلافاصله پس از ابلاغ چگونگی امر به آن شرکت ابلاغ خواهد شد.

مکاتبه بعدی بین اچان بی و ایزیران که در سوابق پرونده موجود است، نامه مورخ ۱۱ خردادماه ۱۳۵۹ [اول ژوئن ۱۹۸۰] آقای میرفخرایی به شرح زیر است:

احتراما" در مورد وضع قرارداد ۰۰۲ مورخ ۱۳۵۷/۴/۱۱ منعقد با موکل شرکت اچان بی چه کتبا" و چه شفاه" از آن مدیریت محترم و سایر مسئولین امر در شرکت ایزیران به طور مکرر در این مدت ۱۶ ماه پس از انقلاب تقاضای تعیین تکلیف گردید که متأسفانه تاکنون به نتیجه ای نرسیده است. اگرچه در قرارداد منعقد برای این قبیل تسامحات کارفرما مقررات خاصی پیش بینی نشده است ولی گمان نمی رود که ضرر مستمر واصله به موکل ناشی از استنکاف آن شرکت محترم در تعیین تکلیف موکل از نظر مقررات عمومی کشور قابل توجیه باشد. لذا اکنون که فرماندهی لجستیکی نیروی زمینی تصریحا" احتیاج خود را در مورد قفسه بندی انبارها به شرح قرارداد مرقوم اعلام نموده است و محذور غیرموجه مذکور در نامه شماره ۱۰۵۰۰/ق/۶-۱۰۳-۱ مورخ ۵۸/۶/۴ مرتفع گردیده، خواهشمند است تکلیف قرارداد را نفیا" یا اثباتا" هرچه سریعتر معلوم و اعلام فرمایید.

با تقدیم احترام  
دکتر عبدالله مودب میرفخرایی  
وکیل شرکت اچان بی

۱۴۱ - آقای نیرمی طی نامه مورخ ۲۵ شهریورماه ۱۳۵۹ [۱۶ سپتامبر ۱۹۸۰]، آقای باکمایر را در جریان آخرین تحولات پروژه قرار داد و در قسمت ذیربط اظهار نمود:

در مورد قفسه بندی و محفظه ها بیکار نشستیم. جلسات متعددی داشتیم ولی تمامی آنها کمابیش بی نتیجه بود، پاسخ [آنها] این است که تمام بودجه خود و از جمله بودجه پروژه ما را صرف پروژه های دیگر کرده اند. حال حتی یک دینار هم ندارند و هیچکس هم نیست که جرات تصمیم گیری داشته باشد. من شخصا" معتقدم که آنها با وضع فعلی راهی جز لغو قرارداد ندارند.

۱۴۲ - مکاتبه بعدی موجود در پرونده، نامه مورخ ۱۲ آذرماه ۱۳۵۹ [سوم دسامبر ۱۹۸۰] آقای میرفخرایی به مدیرعامل ایزیران است که در آن به شرایط فورس‌ماژور، به شرح بند ۱۳۱ بالا، اشاره شده است. در نامه آقای میرفخرایی که بصورت یک گزارش است اظهار شده است: "اهم نقطه‌نظرهای پیمانکار و عوامل موثر در توقف اجرای قرارداد به اطلاع می‌رسد"، و چنین آغاز می‌کند که "همانطور که اطلاع دارند بیشتر از مدت ۲۱ ماه است که شرکت اچ‌ان‌بی پیمانکار پیمان شماره ۰۰۲ مورخ ۵۷/۴/۱۱ برای اجرای تعهدات خود به طور مستمر پافشاری می‌نماید". در این گزارش، ضمن اشاره به این موضوع که ایزیران حسب ادعا از دادن اجازه از سر گرفتن کار به اچ‌ان‌بی امتناع می‌کند، از جمله اظهار شده است که:

از آنجا که آن کارفرمای محترم در جریان جزئیات امر قرار داشته و مراتب به طور وضوح در پرونده‌های شرکت ایزیران، وزارت دفاع، فرماندهی لجستیکی کاملاً منعکس است ذکر جزئیات امر در امتناع آن کارفرمای محترم از صدور اجازه لازم برای شروع مجدد کار موضوع قرارداد علیرغم تقاضاها و پیگیریهای روزمره و مستمر پیمانکار لازم به نظر نمی‌رسد.

فقط به عنوان تذکر به اطلاع می‌رساند که بلافاصله بعد از انقلاب و حتی قبل از اتمام سال ۱۳۵۷ یعنی در ۶ اسفندماه اولین تقاضای کتبی پیمانکار در اینمورد تقدیم گردید و مجدداً در ۵۸/۲/۷ و ۵۸/۳/۱۳ تقاضا تکرار شد و پس از وصول جواب کتبی شماره ۵۸/۶/۴-۱۰۳-۶/ق/۱۰۵۰۰ (فتوکپی پیوست) مبنی بر موکول کردن امر به آتیه نامعلوم فقط به پیگیریهای شفاهی به شرح اقدامات معموله منعکس در پرونده‌های امر اکتفا شد.

آقای میرفخرایی وضع اچ‌ان‌بی را خلاصه کرده می‌نویسد:

تصدیق می‌فرمایند که عدم اجرای قرارداد پس از رفع فورس‌ماژور به شرح معروض و سایر مدارک مثبت امتناع کارفرما از صدور اجازه لازم برای شروع مجدد کارهای نیمه تمام بوده و پیمانکار جز انتظار و تحمل زیان متزاید نقشی در آن نداشته است.

گزارش فوق با درخواست از ایزیران جهت بررسی وضع و اقدام مقتضی "به منظور

جلوگیری از ورود هر نوع زیانی به طرفین قرارداد" پایان می‌یابد.

۱۴۳ - ایزیران متعاقب برداشت پیش‌پرداخت در تاریخ ۱۹ آذرماه ۱۳۵۹ [دهم دسامبر ۱۹۸۰]، طی نامه مورخ هفتم بهمن‌ماه ۱۳۵۹ [۲۷ ژانویه ۱۹۸۱] به اچ‌ان‌بی اطلاع داد که "به لحاظ تاخیرهای غیرقابل توجیه... از ناحیه آن مؤسسه، قرارداد مربوطه منفسخ تلقی گردید". نامه مورخ ۱۵ اسفندماه ۱۳۵۹ [ششم مارس ۱۹۸۱] آقای نیرمی به آقای باکمیر موضوع فسخ قرارداد را با عبارات زیر شرح می‌دهد:

متأسفانه بعد از آنهمه تلاشی که به خرج دادیم، ایزیران قرارداد قفسه‌بندی و محفظه‌های ما را فسخ کرد. ادعای آنها در مورد فسخ، پایه و اساسی ندارد... همانطور که شما با بخشی از مذاکرات ما آشنایی دارید، جلسات متعددی با آنها داشتیم. چند ماه قبل تعدادی از مدیران تغییر کردند و انجام مذاکرات بسیار مشکل شد. بزرگترین مشکل آنها نداشتن پول بود و به هر دینار آن احتیاج داشتند. ما به این نتیجه رسیده بودیم که هرچه هم تلاش کنیم باز قرارداد را فسخ خواهند کرد زیرا بشدت به پول احتیاج داشتند و کلیه استدالات ما هیچ کمکی به ما نمی‌کرد... مشکل این بود که ایزیران بودجه یا وجهی نداشت که قرارداد از نو شروع شود. جو کشور نیز آنها را تشویق به فسخ قرارداد می‌کرد.

آقای نیرمی در مورد زمان فسخ قرارداد به آقای باکمیر اطلاع داد که:

قرارداد را در روز هفتم بهمن‌ماه [۲۷ ژانویه] فسخ کردند ولی فقط یک هفته قبل اطلاعیه به ما رسید. دلیلش این بود که نامه فسخ قرارداد را به آدرس قبلی شرکت ما ارسال کرده بودند، گو اینکه تا آنجا که بخاطر دارم ما به آنها اطلاع داده بودیم که از طریق صندوق پستی با ما مکاتبه کنند. وقتی نامه سفارشی آنها برگشت داده شد موضوع را تلفنی به ما اطلاع دادند. در تمامی این مدت مذاکرات ما با آنها ادامه داشت ولی ظاهراً قسمت دیگری مبادرت به این کار کرده یا حداقل آنها اینطور ادعا می‌کنند.

۱۴۴ - به نظر دیوان، ادله‌ای که در بندهای قبلی نقل شد محرز می‌کند که ایزیران به عمد مانع ورود اچ‌ان‌بی به محل کار شد. خواننده ادله و مدارکی در تعارض با این نتیجه‌گیری ارائه نکرده است. ایزیران نه تنها مانع از سر گرفتن کار اچ‌ان‌بی شد،

بلکه به اکثر درخواستهای اچان بی نیز پاسخ نداد. (۱۵) حتی بعد از آنکه اچان بی صریحا" به ایزیران اطلاع داد که ارتش نیاز به اجازه کتبی ایزیران دارد تا اچان بی پروژه را از سر گیرد، خوانده همچنان از صدور اجازه امتناع ورزید. متعاقبا" هنگامی که اچان بی از ایزیران درخواست کرد که حداقل "تکلیف قرارداد را نفیا" یا اثباتا" ... معلوم و اعلام" نماید، ایزیران باز هم تکلیف اچان بی را روشن نکرد تا اینکه ایزیران بالاخره در اوایل سال ۱۹۸۱ اطلاعیه فسخ را ارسال داشت.

۱۴۵ - ایزیران با ممانعت از ورود اچان بی به محل کار، به وضوح قرارداد را نقض کرده است. (۱۶) این قصور برای اچان بی عواقب مهمی داشت زیرا فرصت اجرای تعهدات قراردادی را از وی سلب کرد. براین اساس، دیوان نتیجه می گیرد که با آنکه طرفین درباره وضع قرارداد همچنان مذاکره می کردند و پیش پرداخت تا ماه دسامبر

(۱۵) استدلال خوانده در مورد سمت آقای میرفخرایی قانع کننده نیست. علاوه بر این واقعیت که درخواستهای اچان بی از طریق آقای نیرمی و آقای باکمایر نیز به عمل می آمد، اگر ایزیران دلیلی برای تردید در اختیارات آقای میرفخرایی داشت باید موارد تردید خود را با اچان بی در میان می گذاشت نه اینکه آن را در بی خبری نگاه می داشت.

(۱۶) با آنکه خواهان در لوایح خود این امکان را که شرایط فورس ماژور احتمالا" در اجرای قرارداد از ناحیه ایزیران اثر داشته در نظر نمی گیرد، معهدا" به نظر می رسد که آقای میرفخرایی در نامه مورخ ۱۲ آذرماه ۱۳۵۹ [سوم دسامبر ۱۹۸۰] تلویحا" اظهار می دارد که یک دستور صادره توسط وزارت دفاع مانع صدور اجازه مورد نظر توسط ایزیران شد. دیوان متذکر می گردد که خوانده خود نیز در توضیح راجع به امتناع از صدور اجازه اجرای قرارداد به اچان بی، به شرایط فورس ماژور استناد نمی کند و صرفا" منکر آنست که هرگز مانع ورود اچان بی به محل کار شده باشد. در نتیجه، لزومی ندارد که دیوان تعیین نماید آیا و اصولا" یک واحد نظامی می تواند موجها" به یک دستور صادره از طرف وزارت دفاع به عنوان دلیل عدم اجرای تعهدات قراردادی خود استناد کند یا خیر و چنانچه جواب مثبت باشد، آیا بخصوص با توجه به نامه مورخ ۲۲ مردادماه ۱۳۵۸ [۱۳ اوت ۱۹۷۹] اچان بی به ایزیران چنین مانعی در پرونده حاضر وجود دارد یا خیر. مقایسه کنید با صفحه ۲۰ حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰ مورخ ششم تیرماه ۱۳۶۴ [۲۷ ژوئن ۱۹۸۵] صادره در پرونده سیلووانیا تکنیکال سیستمز اینکورپوریتد و دولت جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 298, 312 8 ("سیلووانیا"). آقای میرفخرایی اظهار می دارد که بهر صورت هر مانعی از این دست "در تاریخ اول دیماه ۱۳۵۸ [۷۹/۱۲/۲۲] بوسیله نامه شماره ۵۲-۵۶-۲۰۴ مورخ ششم آذرماه ۱۳۵۸ [۷۹/۱۱/۲۷] و نامه شماره ۶۶-۵۶-۲۰۴ مورخ اول دیماه ۱۳۵۸ [۷۹/۱۲/۲۲] وزارتخانه مذکور، مرتفع شده بود."

۱۹۸۰ مسترد نشده بود، امتناع مستمر خوانده از دادن فرصت ازسر گرفتن کار به اچان‌بی، که ادامه اجرای قرارداد را غیرممکن کرد، عملاً" در حکم فسخ قرارداد بود. رجوع کنید به: بند ۳۹ حکم شماره ۱-۲۰۹-۲۹۷ مورخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ [۲۲ آوریل ۱۹۸۷] صادره در پرونده ویلیام ج. لویت و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در Iran-U.S. C.T.R. 14, 191, 203 ("پرونده اول لویت"). مشکل بتوان تعیین کرد که قصور ایزیران در چه تاریخی منجر به فسخ قرارداد شد. با توجه به کلیه اوضاع و احوال ذیربطه، نظر دیوان اینست که قرارداد را می‌توان در تاریخ ۱۱ دیماه ۱۳۵۸ [اول ژانویه ۱۹۸۰] فسخ شده تلقی نمود.

۱۴۶ - ایزیران به علت نقض تعهدات قراردادی خود که منجر به ختم قبل از موعد قرارداد گردید، باید خساراتی را که خواهان بر اثر آن متحمل شده، بپردازد. اختلافی نیست که غیر از پیش‌پرداختی که بعداً" پس گرفته شد، ایزیران بابت کارهایی که اچان‌بی انجام داده بود وجهی به آن پرداخت نکرد. در نتیجه، خواهان مستحق است سهم خود را از مبلغی که اچان‌بی در قرارداد سرمایه‌گذاری کرده و سودی که از دست داده، دریافت نماید.

۱۴۷ - طبق اظهارات آقای باکمایر، سرمایه‌گذاری اچان‌بی به دلار آمریکا (۱۷) به شرح زیر بوده است. مبلغ ۱۷۵،۰۰۰/- دلار بابت خرید تجهیزات و ماشین‌آلات، ۲۵،۲۱۰/- دلار برای نصب آنها در کارخانه، ۳۸،۸۱۰/- دلار برای لوازم تولید سیستمها، ۱۰۴،۲۵۰/- دلار برای فولاد، ۲۱،۹۵۵/- دلار برای رنگ مورد نیاز تولید محفظه و قفسه‌بندیها، و ۲،۰۵۵/- دلار بابت هزینه حمل این قطعات به محل کار. خواهان همچنین مدعی مبلغ ۱۳۲،۱۵۵/- دلار بابت دستمزد کارگران، ۱،۲۷۵/- دلار بابت هزینه مسکن، ۱۱۴،۹۲۵/- دلار بابت هزینه نصب سیستم

(۱۷) بر مبنای هر دلار معادل ۷۰/۶ ریال.



روشنایی و ۴۵۵،۵۸۰/- دلار بابت هزینه‌های غیرمستقیم است. (۱۸) خواهان اظهار می‌دارد که اچ‌ان‌بی از سودی به مبلغ ۲۵۶،۰۰۰/- دلار محروم شده است. (۱۹)

۱۴۸ - با آنکه خواننده اظهار می‌دارد که اچ‌ان‌بی هیچکدام از انبارها را تکمیل نکرد، معذالک بر آوردی از هزینه‌های اچ‌ان‌بی ارائه نکرده است. (۲۰) بجای آن، خواننده استدلال می‌کند که سرمایه‌گذاری مبلغ معتنا بهی از ناحیه اچ‌ان‌بی، بر فرض صحت، صرفاً "مبین آنست که پیمانکار در زمان انعقاد قرارداد فاقد منابع کافی بوده است.

۱۴۹ - خواهان اظهار می‌دارد که "مسابی" اچ‌ان‌بی "در اجرای قرارداد با موفقیت شگفت آوری روبرو بود" لیکن وی مقادیر ناچیزی مدارک مستند مستقیم از هزینه‌های ادعایی آن مسابی تسلیم کرده است. لارنس آ. میلز، حسابدار رسمی، در شهادتنامه‌ای که در تایید آقای باکمایر تسلیم کرده، در بحث مربوط به ادعای ایزیران صرفاً همان اظهارات مندرج در شهادتنامه خواهان را با تغییر عبارات بیان می‌کند. آقای باکمایر اظهار می‌دارد که به دلیل شرایط حاکم "شرکایش مدارک مربوط به شرکت را که به دفاتر تقاضا کرده، برایش ارسال نکرده‌اند". و در نتیجه، وی مدعی است که "پرونده مربوط به آنها و آنچه باعث ثبوت گفته‌های من می‌شود فعلاً در ایران هستند و در دسترس من نیستند". (۲۱) بنابراین آقای باکمایر

(۱۸) جمع هزینه‌های فوق بالغ بر ۱،۰۷۱،۲۱۵/- دلار است و نه مبلغ مورد ادعای آقای باکمایر مذکور در بند ۱۲۱ فوق که ناشی از اشتباه در جمع فرعی مندرج در بند ۱۵۵ زیر می‌باشد.

(۱۹) علاوه بر آن، خواهان اظهار می‌دارد "مدیران اچ‌ان‌بی که در حقیقت من و نیرمی بودیم تصمیم گرفتیم که من ماهیانه حقوقی معادل ۱۰،۰۰۰/- دلار دریافت نمایم". این اظهار اساس ادعای حقوق از دست رفته را تشکیل می‌دهد. دیوان این ادعا را به لحاظ فقد دلیل رد می‌کند. به علاوه، چون بگفته آقای باکمایر وی موافقت کرده بود که دریافت حقوق مذکور را موکول به پرداخت وجوه قراردادها نماید، بنابراین مبلغ آن جزء هزینه‌های انجام شده اچ‌ان‌بی نبوده است.

(۲۰) رجوع کنید به: زیرنویس شماره ۲۳ زیر.

(۲۱) بگفته خواهان، پاره‌ای از این مدارک جزء مدارکی بود که حسب ادعای وی، همانطور که در بند ۶۶ فوق ذکر گردیده، هنگام عزیمت به آمریکا در فرودگاه از وی گرفته شده است.

برآوردهای خود را بر "دانش شخصی و آنچه در زمان تنظیم و ثبت دادخواست اولیه در ذهن داشته" مبتنی کرده است. طبق اظهار خواهان، وی شخصا در خرید و تحویل لوازم و ماشین آلات دخالت داشت و صورتحسابهای اچان بی را می دید.

۱۵۰- با اینکه خواهان در ارائه سوابق کامل [هزینه‌ها] دچار مشکل بوده، (۲۲) معهدا دیوان ملاحظه می نماید که مدارک تسلیمی وی حاوی قراین کلی متعددی دال بر هزینه‌های اچان بی در اجرای قرارداد می باشد. این موضوع بخصوص در مورد مکاتبات آقای نیرمی با آقای باکمیر صادق است. به عنوان مثال، خواهان در ۱۶ تیرماه ۱۳۵۹ [هفتم ژوئیه ۱۹۸۰] به شریک خود توصیه کرد که "نامه‌ای حاوی شرح تفصیلی هزینه‌های ما تا به امروز، برای ایزیران تهیه کند" که "نشان دهد [هزینه‌های ما] نزدیک به ۴۵ میلیون ریال رقم پیش پرداخت است". آقای نیرمی در نامه مورخ ۲۵ شهریورماه ۱۳۵۹ [۱۶ سپتامبر ۱۹۸۰] به آقای باکمیر اطلاع داد که وی "شروع به تهیه صورت هزینه‌ها کرده است" و درخواست کرد که در این کار به وی کمک کند:

هزینه‌های مسلمی هست که تصور نمی کنم با آن مخالفت کنند. آیا نسخه‌ای از گزارش میزان کارهایی که انجام داده‌ایم داریم؟ تا آنجا که بخاطر دارم این نامه را سال گذشته آقای جوانی که اسمش را فراموش کرده‌ام در [دفتر] خیابان کاخ نوشته است. من نتوانستم نسخه‌ای از آن گزارش را پیدا کنم. اگر درصد کاری را که در آن نامه گزارش شده می دانید لطفاً به من اطلاع دهید.

(۲۲) همچنین، رجوع کنید به: صفحه ۱۸ حکم شماره ۵۰-۴۰-۳ صادره در پرونده پامروی، چاپ شده در 384 Iran-U.S. C.T.R. 2، بند ۴۱ حکم شماره ۲۹۷-۲۰۹-۱ صادره در پرونده اول لوییت، چاپ شده در 203 Iran-U.S. C.T.R. 14، که دیوان ضمن بحث درباره امکان دسترسی به مدارک، به ملاحظات اثباتی دعوا ناظر بر هزینه‌های متحمله در ایران نیز پرداخته است. به علاوه، به ملاحظات مندرج در بند ۶۷ فوق نیز اشاره می شود.

۱۵۱ - آقای نیرمی در نامه مورخ ۱۷ اسفندماه ۱۳۵۹ [هشتم مارس ۱۹۸۱] اعلام کرد که "بعد از آنکه ایزیران ۴۵ میلیون ریال برداشت کرد، بدهی ما به بانک بیش از ده میلیون ریال شده است". آقای نیرمی در نامه مورخ ششم شهریورماه ۱۳۶۰ [۲۸ اوت ۱۹۸۱] که در آن امکان تکمیل امور مربوط به نصب در یکی از انبارهای آبیگ بررسی شده متذکر می‌گردد که ایزیران "هزینه تاسیسات برقی ما را نیز خواهد پرداخت". به‌علاوه، آقای نیرمی به آقای باکمیر اطلاع داد که وی "طی نامه‌ای به بانک توضیح داده است که ما در انبار ۲۳ به تعداد کافی قفسه‌بندی و محفظه برای فروش و پرداخت بدهی خود داریم". نامه بعدی آقای نیرمی که در سوابق موجود است به تاریخ ۳۱ شهریورماه ۱۳۶۰ [۲۲ سپتامبر ۱۹۸۱] بوده و راجع به امکان ارجاع دعوای اچ‌ان‌بی به دادگاههای ایران به منظور "توجیه چهل میلیون ریال هزینه" بحث می‌کند. نامه مورخ ۲۰ فروردین ماه ۱۳۶۱ [نهم آوریل ۱۹۸۲] وی موعید آنست که ایزیران آماده "مذاکره درباره کاری که در مورد سیستم سیم کشی ما انجام گردیده" بوده است.

۱۵۲ - اطلاعاتی اچ‌ان‌بی به ایزیران نیز گواه میزان تکمیل کار و هزینه‌های انجام شده می‌باشد. نامه مورخ ششم اسفندماه ۱۳۵۷ [۲۵ فوریه ۱۹۷۹] ضمن اشاره به هزینه‌های اضافی معتناهایی که پیمانکار متحمل شده، گزارش می‌دهد که اچ‌ان‌بی ۴۰ درصد از کارهای الکتریکی را در ۱۲ انبار واقع در آبیگ، مراغه و اصفهان انجام داده و لوازم کافی برای تکمیل "محفظه‌های تیپ یک" به انبار شماره ۲۳ آبیگ، حمل کرده است. (۲۳) اچ‌ان‌بی در نامه مورخ هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۲۷ آوریل ۱۹۷۹] به ایزیران گزارش داد پیش از اینکه به کارکنانش دستور

(۲۳) در جلسه استماع، خواننده اظهار داشت که ادعای آقای باکمیر در مورد تکمیل ۴۰ درصد کار فقط در مورد چهار انبار عنوان شده است. هنگامی که از خواننده درخواست شد برآورد خود را [از هزینه‌های انجام شده] ارائه نماید، وی اظهار کرد که اطلاعات لازم را جهت ارائه پاسخ در اختیار ندارد، اما اگر ادعای پیمانکار در مورد تکمیل ۴۰ درصد کار صحیح باشد، باید تأییدیه انجام کار را در دست داشته باشد.

داده شود که محل کار را ترک کنند، در کارهایش "پیشرفت رضایتبخشی" داشته است. علاوه بر آن، اچان بی متذکر گردید که به دلیل شرایط انقلابی "هزینه‌های ما تا به امروز به مراتب بیشتر از بودجه شده و بیش از ۳۵،۰۰۰،۰۰۰/- ریال صرف این قرارداد کرده‌ایم". علاوه بر آن، در "صورتجلس تحویل" که به موجب مصالحه‌نامه سپتامبر ۱۹۸۳ تهیه شد، (رجوع کنید به: بندهای ۵۲ تا ۵۵ فوق) خاطرنشان شده است که حدود ۲۰ روز صرف "مشخص کردن کامل کلیه لوازم و تجهیزات متعلق به اچان بی و تعیین مقدار و آمادگی حمل و تحویل آنها شده است".

۱۵۳ - مدارک فوق این نتیجه‌گیری را توجیه می‌کند که هزینه‌های اچان بی در قرارداد معتنا به بوده است. دیوان اکنون باید با توجه به مراتب فوق مقادیر مشخص این هزینه‌ها را تعیین نماید. در این رابطه دیوان متذکر می‌گردد که رویه معمول دیوان اینست که اگر اوضاع و احوال اجازه نمی‌دهد که رقم دقیق [مخارج] محاسبه گردد، دیوان باید به تشخیص خود رقم منصفانه‌ای تعیین کند. به عنوان مثال، رجوع کنید به: بند ۳۳۹ حکم شماره ۱-۲۴-۳۱۲ مورخ ۲۳ مردادماه ۱۳۶۶ [۱۴ اوت ۱۹۸۷] صادره در پرونده استارت هاوزینگ کوریوریشن و دیگران و دولت جمهوری اسلامی ایران و دیگران، چاپ شده در 16 Iran-U.S. C.T.R. 112, 221.

۱۵۴ - خواهان اظهار می‌دارد که اچان بی متحمل هزینه‌هایی به مبلغ ۲،۰۵۵/- دلار بابت حمل و نقل گردید. آقای جرج دشویک مدیر حمل و نقل اچان بی در شهادتنامه خود در تأیید اظهارات آقای باکمیر اظهار می‌دارد که "حداقل شش بار با کامیون کفی لوازم محفظه و قفسه‌بندی به انبارهای پادگان آبیگ حمل کرده است". با توجه به این اظهارات و با در نظر گرفتن ادله و مدارک مشروح در بند ۱۵۲ فوق، دیوان نظر می‌دهد که رقم مورد ادعا معقول است. دیوان همچنین ادعای آقای باکمیر را به مبلغ ۱،۲۷۵/- دلار در مورد مسکن که سوابق پرونده حاوی مدارک موید کافی

در مورد آنست، می‌پذیرد. به عنوان مثال، در نامه مورخ ششم اسفندماه ۱۳۵۷ [۲۵ فوریه ۱۹۷۹] اچ‌ان‌بی اشعار شده است که کارکنان نصب این شرکت "در هتل آبیگ زندگی کرده و هر روز از هتل آبیگ به پادگان رفت و آمد می‌کنند".

۱۵۵ - خواهان اظهار می‌دارد که به عنوان بخشی از آنچه وی "هزینه‌های معتابه و ثابت اولیه مربوط به بسیج منابع" توصیف می‌کند، اچ‌ان‌بی مبلغ /۲۳۹,۰۰۰ دلار برای اجاره یک کارخانه بزرگتر، خرید و نصب ماشین‌آلات، و تهیه لوازم خرج کرده است. مبلغ قرارداد و رقم پیش‌پرداخت، صحت مبلغ مورد ادعا را تأیید می‌کند و در "شرح زمانی رویدادهای" مورخ ۲۲ شهریورماه ۱۳۵۸ [۱۳ سپتامبر ۱۹۷۹] که خواهان ارائه کرده مورد تأیید بیشتر قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، بعید است که اچ‌ان‌بی انتظار داشته کلیه این سرمایه‌گذاری را در جریان قرارداد ایزیران بازیافت نماید. در واقع، شهادتنامه آقای میلز اشعار می‌دارد که اچ‌ان‌بی در نظر داشت این پروژه را برای اثبات قابلیت خویش اجرا نماید و از آن به عنوان "نمایشی" برای تحصیل قراردادهای بعدی استفاده کند. طبق اظهارات آقای میلز، اچ‌ان‌بی سرگرم مذاکره با ایزیران برای نصب تجهیزات در پنج انبار دیگر بود. با توجه به این ملاحظات، دیوان نظر می‌دهد که اختصاص مبلغ /۱۱۹,۵۰۰ دلار از هزینه‌های اچ‌ان‌بی تحت این عنوان، به قرارداد ایزیران صحیح به نظر می‌رسد.

۱۵۶ - آقای باکمیر اظهار می‌دارد که اچ‌ان‌بی مبلغ /۱۲۶,۲۰۵ دلار صرف خرید فولاد و رنگ برای تولید محفظه و قفسه‌بندی نمود. در نامه مورخ ۲۲ شهریورماه ۱۳۵۸ [۱۳ سپتامبر ۱۹۷۹] وی آمده است که "سفارش اولیه برای لوازم و رنگ داده شد و این لوازم به کارخانه حمل گردید و تولید قفسه‌بندیها، ستونهای گوشه و حایلهای عقب و اطراف تیپ یک، از دهم مردادماه ۵۷ [اول اوت ۱۹۷۸] آغاز گردید". دیوان متذکر می‌گردد که در مصالحه‌نامه مورد استناد ایزیران مقرر شده لوازمی که اچ‌ان‌بی در انبار آبیگ نصب کرده، به وی مسترد شود. در "صورت‌مجلس تحویل"

تایید شده که این انتقال در واقع انجام گرفته است. بنابراین، این استنتاج معقول به نظر می‌رسد که حتی اگر طبق تصمیم مندرج در بند ۵۵ فوق، مصالحه مذکور تأخیری بر حق آقای باکمیر در قرارداد ایزیران نداشته باشد، باز هم آقای باکمیر باید برای دریافت سهم خود از لوازم مذکور به شرکای ایرانی خود مراجعه نماید. (۲۴)

۱۵۷ - لیکن استرداد لوازم مذکور توسط ایزیران، موضوع مورد اختلاف را کاملاً حل نمی‌کند. اچ‌ان‌بی تا اکتبر ۱۹۸۳ که بالاخره این لوازم مسترد شد، از استفاده از آنها محروم شده بود. لوازم مذکور مستهلک می‌شده و تأخیر در استرداد، احیاناً بر ارزش فروش مجدد آنها اثر گذارده بود. به علاوه، به موجب مصالحه‌نامه، اچ‌ان‌بی هزینه پیاده کردن و حمل و نقل آنها را متحمل گردید. مضافاً، دیوان خاطرنشان می‌سازد که لوازم مذکور طبق مشخصات ویژه پروژه ایزیران تولید شده بود. لیکن دیوان نظر می‌دهد مبلغی که اچ‌ان‌بی به سبب عوامل مذکور بعضاً "محق بدان است، با دارا شدن حاصل از این واقعیت که به عوض مواد خام، کالای تمام شده مسترد گردیده، پایاپای می‌شود. به جای آنکه مابه‌التفاوت ارزش حاصله در هر گروه از هزینه‌های اچ‌ان‌بی جداگانه منظور گردد، دیوان آنها را در حکم حاضر اعمال می‌کند. در نتیجه، ادعای آقای باکمیر در مورد فولاد و رنگ، رد می‌شود.

۱۵۸ - موضوع بعدی که باید رسیدگی شود هزینه کارگری اچ‌ان‌بی است. طبق اظهار خواهان هزینه‌ای که را "اسا" برای نیروی کار تا سپتامبر ۱۹۷۹ صرف کرده بالغ بر

(۲۴) از مدارک تسلیمی چنین پیداست که اگرچه در زمان تعیین شده برای تحویل انبار شماره ۲۳ آبیگ، چهار انبار دیگر نیز قرار بود تکمیل گردد، ولی انبار شماره ۲۳ آبیگ تنها انباری بود که اچ‌ان‌بی محفظه و قفسه‌بندی لازم را برای نصب در آن محل، فرستاده بود. علاوه بر آن، دیوان متذکر می‌گردد که طبق نامه مورخ ششم شهریورماه ۱۳۶۰ [۲۸ اوت ۱۹۸۱] آقای نیرمی، وجوه حاصل از فروش محفظه و قفسه‌بندیهای فوق برای تأدیه بدهی بانکی اچ‌ان‌بی که مبلغ آن بدهی طبق سوابق پرونده حدوداً به ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال بالغ می‌شد، کافی خواهد بود.

۱۳۲،۱۵۵/- دلار می‌باشد. آقای باکمیر اظهار می‌دارد که از ژوئیه ۱۹۷۸ تا سپتامبر ۱۹۷۹، بین هشت تا سی و سه نفر در لیست حقوق اچ‌ان‌بی در هر زمان وجود داشته که به طور متوسط ماهانه ۴۲۵/- دلار حقوق دریافت می‌کرده‌اند. حسب ادعا از ۳۳ تن کارگر فوق، ۳۱ نفر مخصوصاً برای قرارداد ایزیران استخدام شده بودند.

۱۵۹ - دیوان متذکر می‌گردد که پروژه ایزیران علاوه بر تولید وسایل در کارخانه اچ‌ان‌بی، به طور همزمان متضمن کار نصب در پنج نقطه مختلف ایران طی مدت نسبتاً کوتاهی نیز بود. اچ‌ان‌بی در نامه مورخ ششم اسفندماه ۱۳۵۷ [۲۵ فوریه ۱۹۷۹] خطاب به ایزیران اظهار می‌کند که "دستمزد ۳۳ کارگر این پروژه را پرداخت می‌نمایم تا بتوانیم افرادی را که آموزش دیده و تجربه دارند در اختیار داشته باشیم". طبق جدولی که خواهان تسلیم کرده اچ‌ان‌بی از فوریه ۱۹۷۹ سعی کرد که به طور معقولی از نیروی کار کم کند تا عواقب مالی تعلیق کار را به حداقل برساند. با توجه به میزان تکمیل کار که در بند ۱۵۲ فوق مورد بحث قرار گرفت، دیوان ادعای هزینه کارگری را می‌پذیرد.

۱۶۰ - آقای باکمیر اظهار می‌دارد که اچ‌ان‌بی هزینه‌های غیرمستقیمی به مبلغ ۴۵۵،۵۸۰/- دلار که معادل ۹۱ درصد تمامی هزینه‌های دیگر اچ‌ان‌بی است، متحمل شده است. ادعای وی در این خصوص شامل هزینه‌های عمومی و اداری مانند مدیریت، بازاریابی و خدمات حقوقی، تحقیق و تولید، آموزش، مزایای کارمندی و هزینه‌های بالاسری است.

۱۶۱ - همانطور که دیوان در زیرنویس ۹ بند ۱۰۷ حکم شماره ۳-۲۱۰-۵۲ صادره در پرونده دوم لویت (چاپ شده در - Iran-U.S. C.T.R. -) نظر داد، با در نظر گرفتن مشکلات ذاتی مربوط به انتساب و تخصیص هزینه‌های غیرمستقیم، به ویژه

هنگامی که بیش از یک پروژه در کار باشد، منطقی به نظر می‌رسد در مورد هزینه‌های غیرمستقیم با احتیاط عمل شود. چندین نامه تسلیمی آقای باکمیر منجمله نامه مورخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ [۲۲ آوریل ۱۹۸۰] که طی آن از وزارت خارجه ایالات متحده درخواست کرده است که اجازه بازگشت به ایران به وی داده شود، اهمیت این نظر را تأکید می‌کند. در نامه خواهان به وزارت خارجه اشعار شده که "اچ‌ان‌بی تا این تاریخ بیش از ۴۰ میلیون ریال (تقریباً ۶۰۰،۰۰۰ دلار) خرج کرده است". با آنکه این سند مربوط به آن زمان، مبلغ اظهار شده برای هزینه‌های مستقیم را بیشتر قابل قبول می‌کند، در عین حال نشان می‌دهد که خواهان در برآورد اولیه خود از سرمایه‌گذاری اچ‌ان‌بی، هزینه‌های غیرمستقیم را از نظر دور داشته است. با این حال، این نتیجه‌گیری معقول به نظر می‌رسد که اجرای قرارداد توسط اچ‌ان‌بی مستلزم صرف اینگونه هزینه‌ها نیز که در سایر اقلام هزینه منظور نشده بوده است. نظر دیوان اینست که هزینه‌های غیرمستقیم به مبلغ ۱۵۱،۸۶۰/- دلار قابل اختصاص به پروژه ایزیران می‌باشد.

۱۶۲ - آخرین موضوع مورد رسیدگی دیوان، عدم‌النفع اچ‌ان‌بی است. ادعای آقای باکمیر به مبلغ ۲۵۶،۰۰۰/- دلار مبتنی بر پیش‌بینی نسبت سودی معادل ۱۰ درصد است. خواهان اظهار می‌دارد که اچ‌ان‌بی حاضر بود این "نسبت سود اندک را قبول کند تا با عرضه خدمت زیر قیمت معمول وارد این بازار گردد". آقای میلز در شهادتنامه خود اظهار می‌دارد که این درصد سود "برای انجام اینگونه کارها از نرخ متوسط هم کمتر است و همچنین از نرخ ۱۸ درصد مورد نظر اچ‌ان‌بی هم پایین تر بوده است". در واقع، طبق اظهار خواهان تنها پیشنهاد دیگری که برای پروژه ایزیران داده شده بود، از نظر مبلغ ۴۲ درصد بیش از پیشنهاد اچ‌ان‌بی بود.

۱۶۳ - دیوان موافقت دارد که نسبت سودی معادل ۱۰ درصد ارزش قرارداد، معقول است. مقایسه کنید با بندهای ۱۳۴ و ۳۰۷ حکم شماره ۳-۴۴۳-۴۲



مورخ ۱۱ فروردین ماه ۱۳۶۸ [۳۱ مارس ۱۹۸۹] صادره در پرونده سایزموگراف سرویس کورپوریشن و دیگران و شرکت ملی نفت ایران و دیگران، چاپ شده در 22 Iran-U.S. C.T.R. 3, 41, 80 ، صفحه ۱۸ حکم شماره ۷۴-۶۲-۳ مورخ ۱۱ شهریورماه ۱۳۶۲ [دوم سپتامبر ۱۹۸۳] صادره در پرونده بلانت برادرز کورپوریشن و وزارت مسکن و شهرسازی، و دیگران، چاپ شده در 3 Iran-U.S. C.T.R. 225,234 . با آنکه سود پیش‌بینی شده نسبتاً اندک است، باز برای اینکه تعیین شود آیا سود مورد اشاره قابل پرداخت می‌باشد یا خیر، لازمست دیوان در نظر گیرد که اگر قرارداد زودتر از موعد فسخ نمی‌شد آیا اچ‌ان‌بی می‌توانست به طور معقول انتظار تحصیل مبلغ مورد ادعا را داشته باشد یا خیر. رجوع کنید به: صفحه ۳۰ حکم شماره ۱۸۰-۶۴-۱ صادره در پرونده سیلوانیا، چاپ شده در 8 Iran-U.S. C.T.R. 319 .

۱۶۴ - در صفحات ۲۳ الی ۲۴ حکم شماره ۵۰-۴۰-۳ صادره در پرونده پلمروی، چاپ شده در 2 Iran-U.S. C.T.R. 383 ، دیوان متذکر گردید که قرینه‌ای در آن پرونده وجود داشت که "به علت رویدادهای زمان انقلاب و سایر عوامل، سود خالص [خواهانها] از آنچه ادعا می‌کنند کمتر می‌شد". دیوان معتقد است که سوابق پرونده حاضر نیز مستلزم همین نتیجه‌گیری است. با توجه به مشکلاتی که در بندهای ۱۳۱ الی ۱۳۶ فوق مورد بحث قرار گرفت، بعید به نظر می‌رسد که اگر قرارداد متوقف نشده بود، اچ‌ان‌بی می‌توانست سودی را که بدواً انتظار داشت تحصیل نماید.

۱۶۵ - چنین به نظر می‌رسد که اچ‌ان‌بی خود نیز این نتیجه‌گیری را تأیید می‌کند. اچ‌ان‌بی در نامه مورخ ششم اسفندماه ۱۳۵۷ [۲۵ فوریه ۱۹۷۹] خود ضمن بحث درباره هزینه‌های احتیاطی به ایزیران اطلاع می‌دهد که "وقتیکه قرارداد ادامه یابد ما این مسایل و نیز سایر هزینه‌های اضافی معتناهایی را که طی این دوران دشوار متحمل

شده‌ایم، بدون درخواست مبلغ اضافی، جبران خواهیم کرد. نامه مورخ هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۲۷ آوریل ۱۹۷۹] اچ‌ان‌بی نیز حاوی مطالب مشابهی است. در نامه مزبور ضمن اعلام این مطلب که هزینه‌های پیمانکار تا حدود زیادی "از بودجه تنظیمی تجاوز نموده"، تأکید شده است که "اچ‌ان‌بی برای کسب پول بیشتر درخواست تغییر" نکرده است. اظهارات فوق موعید این نتیجه‌گیری دیوان است که اچ‌ان‌بی در عمل نمی‌توانست متوقع باشد که به سود مورد انتظار خود دست یابد. دیوان با توجه به کلیه اوضاع و احوال ذیربط نظر می‌دهد که عدم النفع اچ‌ان‌بی بالغ بر ۶۴،۰۰۰/- دلار است.

۱۶۶ - براین اساس، جمع مبلغ عدم النفع و سرمایه‌گذاری اچ‌ان‌بی در قرارداد به ۴۷۰،۸۴۵/- دلار بالغ می‌گردد. آقای باکمیر محق به دریافت سهم خود معادل ۷۰ درصد از مبلغ فوق یعنی ۳۲۹،۵۹۱/۵۰ دلار است. به‌علاوه، نظر دیوان اینست که ده درصد بهره ساده در سال به رقم فوق تعلق گیرد. با قبول این واقعیت که هزینه‌های اچ‌ان‌بی تدریجاً در دوره قبل از فسخ قرارداد صرف شده بوده و بنابراین انتخاب تاریخ معینی برای شروع تعلق بهره مشکل می‌شود، دیوان مقرر می‌دارد که بهره از تاریخ ۱۱ دیماه ۱۳۵۸ [اول ژانویه ۱۹۸۰] محاسبه گردد.

#### پنجم - هزینه‌ها

۱۶۷ - خواهان در تاریخ هفتم تیرماه ۱۳۶۸ [۲۸ ژوئن ۱۹۸۹] شهادتنامه‌ای ثبت و طی آن اعلام کرد که جمعاً مبلغ ۱۵۸،۶۷۶/۸۲ دلار بابت حق‌الزحمه و هزینه‌های حقوقی در این پرونده متحمل شده است. با توجه به نتیجه حکم درباره ادعای ایزیران و با اعمال ضوابط مشروح در صفحات ۴۱ الی ۴۵ حکم شماره ۱-۶۴-۱۸۰ صادره در پرونده سیلوانیا، چاپ شده در 323-24 Iran-U.S. C.T.R. 8 ، نظر دیوان این است که صدور

حکمی به مبلغ ۱۵،۰۰۰/- دلار بابت هزینه‌های داوری به نفع خواهان، معقول است.

ششم - حکم

۱۶۸ - با توجه به دلایل پیشگفته،

دیوان حکمی به شرح زیر صادر می‌کند:

الف - خوانده، شرکت سهامی نوسازی و عمران تهران مکلف است مبلغ بیست و یک هزار و چهارصد و نود و یک دلار و هفتاد و پنج سنت (۲۱،۴۹۱/۷۵ دلار) به اضافه بهره ساده به نرخ ده درصد در سال (۱۰٪) (برمبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۲۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۶ ژوئن ۱۹۷۹] لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ را از محل حساب تضمینی به بانک امین صادر می‌کند، به دبلیو. جک باکمایر بپردازد.

ب - خوانده، ایزیران مکلف است مبلغ سیصد و بیست و نه هزار و پانصد و نود و یک دلار و پنجاه سنت (۳۲۹،۵۹۱/۵۰ دلار) به اضافه بهره ساده به نرخ ده درصد (۱۰٪) در سال (برمبنای ۳۶۵ روز) از تاریخ ۱۱ دیماه ۱۳۵۸ [اول ژانویه ۱۹۸۰] لغایت تاریخی که کارگزار امانی دستور پرداخت مبلغ را از محل حساب تضمینی به بانک امین صادر می‌کند، به دبلیو. جک باکمایر بپردازد.

ج - خوانده، ایزیران مکلف است مبلغ پانزده هزار دلار (۱۵،۰۰۰/- دلار) بابت هزینه‌های داوری به دبلیو. جک باکمایر بپردازد.

د - کلیه تعهدات فوق با پرداخت از محل حساب تضمینی مفتوح طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] دولت جمهوری دموکراتیک و مردمی الجزایر، ایفا خواهند شد.

ه - سایر دعاوی و دعاوی متقابل کلا "رد می شوند.

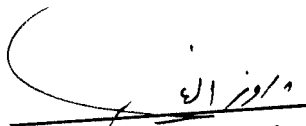
حکم حاضر به منظور ابلاغ به کارگزار امانی به ریاست دیوان تسلیم می شود.

لاسه، به تاریخ ۲۶ خرداد ماه ۱۳۷۱ برابر با ۱۶/۶/۱۹۹۲



گایتانو آرانجیو - روئیتس  
رئیس شعبه سه

به نام خدا



پرویز انصاری معین  
موافق با بخشهایی از حکم  
و مخالف با بخشهای دیگری از آن



ریچارد سی. الیسون